

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲ ◀ مهدویت و صلح کل

سفید

مهدویت و صلح کل

گفتارهایی از دکتر محمود احمدی نژاد پیرامون امام عصر عجل الله تعالی فرجه



مهدویت و صلح کل

گفتارهایی از دکتر محمود احمدی نژاد پیرامون امام عصر علیه السلام

ناشر: مؤسسه آینده روشن
ویراستار: سیدرضا سجادی نژاد
نمونه خوان: محمد اکبری
صفحه آرا: علی قنبری
چاپ: چاپخانه باقری
چاپ اول: مرداد ۱۳۸۷
چاپ دوم: شهریور ۱۳۸۷
شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
بها: ۱۲۰۰ تومان
شابک: ۹ - ۱۱ - ۵۰۷۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

مرکز پخش: قم، خیابان ۲۰ متری فجر، پلاک ۱۱۲، مؤسسه آینده روشن
تلفن: ۲۹۴۰۹۰۲

فهرست

سخن رئیس دفتر رئیس جمهوری.....	۷
دیباچه (مدیریت امام زمان <small>علیه السلام</small>).....	۱۱
السلام عليك يا صاحب التدبير.....	۱۳
دلایل عقلی.....	۱۸
دلایل نقلی.....	۲۱
سیره.....	۳۶
ختامه مسک.....	۵۱
فصل اول: تأملاتی در شناخت حضرت بقیة الله <small>علیه السلام</small>	۵۷
الف) جایگاه امام عصر <small>علیه السلام</small>	۵۷
ب) رسالت امام عصر <small>علیه السلام</small>	۶۲
۱. تلازم رسالت حضرت بقیة الله <small>علیه السلام</small> با رسول گرامی اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>	۶۲
۲. ولایت بر تحولات عالم.....	۶۶
۳. نقش امام زمان <small>علیه السلام</small> در تربیت و رشد انسانها.....	۷۶
۴. امام زمان <small>علیه السلام</small> وارث تمام شئون انبیا <small>علیهم السلام</small>	۸۲
ج) اهداف و چشم انداز ولایت امام عصر <small>علیه السلام</small>	۸۳
۱. توحید.....	۸۵
۲. عدالت.....	۸۷
۳. امنیت جهانی و زندگی بر پایه محبت.....	۹۱

۹۳	فصل دوم: فیض ولایت بقیه الله ﷺ
۹۳	الف) فیض ارتباط
۹۴	ب) ضرورت معرفت به امام زمان ﷺ
۹۷	ج) برکات معرفت به امام زمان ﷺ
۱۰۱	فصل سوم: مؤلفه‌های ظهور حضرت بقیه الله ﷺ
۱۰۱	الف) انتظار فرج
۱۰۱	۱. چیستی انتظار
۱۰۵	۲. فرهنگ‌سازی انتظار
۱۰۸	۳. آثار انتظار
۱۱۲	ب) عوامل زمینه‌ساز
۱۱۲	۱. ایمان مذهبی
۱۱۳	۲. آیین‌های دینی
۱۲۲	۳. حوزه‌های علمیه
۱۳۰	۴. انقلاب اسلامی ایران
۱۴۵	۵. آمادگی برای ظهور
۱۴۸	۶. ضرورت گذار از سرگشتگی‌ها
۱۵۱	۷. آموزش و پرورش
۱۵۱	۸. اندیشه بسیجی
۱۵۷	۹. رسالت‌خواص
۱۵۸	ج) موانع
۱۵۸	۱. بی‌مایگان مدعی
۱۶۰	۲. دشمنان خارجی
۱۶۳	فصل چهارم: راه‌برد مهدویت در مجامع جهانی
۱۶۳	الف) موعودگرایی؛ رمز وحدت و صلح کل
۱۶۹	ب) ظهور انسان کامل و منجی فردا

سخن رئیس دفتر رئیس جمهوری

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه بر نگذرد

وضع عالم به گونه‌ای است که تمامی آدمیان به رهایی می‌اندیشند؛ زیرا انسان‌ها از روی فطرت خداجوی خود در انتظار موعود و مصلح کل هستند. این انتظار در جغرافیای جهانی فارغ از رنگ و نژاد و مذهب در جریان است. یهودیان، معتقدند که یکی از صحابی موسی علیه السلام برای نجات زمین قیام خواهد کرد. مسیحیان به تجلی دوباره مسیح علیه السلام می‌اندیشند. بوداییان و هندوئیان از منظر خویش در تمنای مصلح کل هستند. غلبه اهورامزدا بر اهریمن نیز آرزوی زرتشتیان است. از سویی دیگر، تمامی فرق اسلامی به ظهور منجی مصلح در آخرالزمان بشارت داده‌اند. لذا می‌توان گفت موعود و موعودگرایی وجه مشترک ادیان الهی و تعالی‌خواه است.

این‌که آینده به چه کسانی تعلق دارد و موعود عالم، مبشر چگونه وضعیتی از جهان است، به نوع تفسیر ما از هستی و آفرینش برمی‌گردد. صرف‌نظر از چیستی آینده در دیگر مکاتب،

آخراالزمان در سنت و متون اسلامی، آینده‌ای روشن، حرکت‌آفرین و متعالی است؛ زیرا در تفکر توحیدی، اراده حق تعالی بر آن است که آینده و سرنوشت جهان بر خواست حق‌گرایان و طالبان حقیقت سامان یابد. عدالت و حکمت الهی چشم‌انداز آینده را مدیریت می‌کند و انسان‌ها را به سوی صلاح و سداد رهنمون می‌شود.

بعثت، نبوت و ولایت شالوده‌های به هم پیوسته موعودگرایی در تفکر اسلامی است. در این بینش، انسان و هستی، همواره بر محور مدیریت الهی در حرکت، تحول و تعالی بوده و هستی هیچ‌گاه از فیوضات الهی تهی نخواهد شد. اما در تفکر شیعی، مصلح کل با نشانه‌ها، نام معین و غایت مشخص از سوی خاتم‌النبین حضرت محمد ﷺ به حق‌طلبان عالم بشارت داده شد.^۱ از این رو، حکومت و سیاست در تفکر شیعی در دوران غیبت و شهادت، بی‌واسطه فیض ربوبی و تقرب به ذات حضرت احدیت فاقد هویت و حقانیت است. لذا تعیین نسبت دولت جمهوری اسلامی ایران با ولایت الله، رمز مشروعیت آن به شمار می‌آید؛ اصل مسلمی که امام خمینی رحمته‌الله در طول حیات خویش و در تمامی ادوار تأسیس و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران بر آن گواهی داده و ملت نیز آن را با قانون اساسی و در نظام زندگی اجتماعی و سیاسی خود عجین کرده است.

تأکید بر جاودانگی مهدویت و نجات‌بخشی عالم آشوب‌زده به دست عدالت‌گستر جهانی مهدی موعود رحمته‌الله در آرا و اندیشه‌های

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۶.

دکتر محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، از چنین سوابق و مدارکی در متون و میراث اسلامی سرچشمه می گیرد. التزام عملی رئیس جمهوری اسلامی ایران به تفکر مهدوی، خود گواهی بر آن است که نظم سلطه در جهان کنونی فاقد مشروعیت به شمار آمده و اقتضای عدل، حکمت و مدیریت الهی در عالم نیست.

نظر به اهمیت آرا و اندیشه های دکتر احمدی نژاد در حوزه مهدویت، مجموعه آن در مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) خوانش، بررسی و تدوین شد و به زیور طبع آراسته گردید. این جانب ضمن تقدیر از محققان پژوهشکده مهدویت به خصوص حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای پورسیدآقایی که با گردآوری مجموعه بیانات جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد در مجلدی وزین با نام **مهدویت و صلح کل** آن را به همراه دیباچه ای تقدیم علاقه مندان نموده اند، تحقق ظهور منجی بشریت و مصلح کل را از خدای بزرگ مسئلت دارم و طول عمر پربرکت نایب صالح او، حضرت آیه الله خامنه ای - مدظله العالی - و عزت روزافزون دولت اسلامی و رئیس جمهوری اسلامی ایران را از ذات احدیت خواستارم.

پانزده شعبان المعظم ۱۴۲۹ ه. ق

عبدالرضا شیخ الاسلامی

رئیس دفتر رئیس جمهوری اسلامی ایران

۱۰ ◀ مہدویت و صلح کل

سفید

مدیریت امام زمان علیه السلام

السلام علیک یا صاحب التذییر^۲

هو المدار بل هو المدير بأمره التقدير و التذییر^۳

گفتمان مهدویت و روی کرد نوین و جدی به این آموزه بلند و بالنده، به عنوان تنها راه فراروی انسان معاصر، در سال‌های اخیر از رشد فزاینده‌ای برخوردار بوده است. این رشد پرشتاب و برون‌رفت از غربت و انزوا، وام‌دار عواملی چند است که بی‌تردید یکی از آنها روی کار آمدن رئیس‌جمهوری فرهیخته، مکتبی و با پشتوانه اعتقادی راسخ و عمیق به آموزه ولایت و مهدویت است که «الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم»^۴، «إذا تغیر السلطان تغیر الزمان»^۵ و «إذا تغیرت نية السلطان تغیر الزمان»^۶.

۲. سید هبة‌الله ابومحمد الحسن الموسوی، المجموع الرائق من ازهار الحقائق، تحقیق حسین درگاهی، ج ۱، ص ۴۵۱. (این کتاب در سال ۷۰۳ قمری تألیف شده و از منابع مستدرک الوسائل است)؛ سیدمرتضی مجتهدی، صحیفه مهدیه، ص ۵۸۱. (به نقل از: المجموع الرائق) ۳. از اشعار آیه‌الله محمدحسین اصفهانی (کمپانی)، در مدح حضرت حجت علیه السلام (الانوار القدسیة، ص ۱۲۶)

۴. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «شبهات مردم به امرا و فرمان‌روایانشان بیش از شباهتی است که به پدران خود دارند.» (تحف العقول، ص ۲۰۸؛ شریف رضی، خصائص الائمة، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۶)

۵. «هنگامی که حاکم و مدیر جامعه تغییر کند، زمانه دگرگون شود.» (تهج البلاغه، نامه ۳۱) ۶. «هرگاه نیت حاکم تغییر کند، زمانه دگرگون شود.» (غررالحکم، روایت ۴۰۰۹؛ علی بن محمد اللیثی الواسطی (متوفای قرن ششم)، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۳۵) در برخی از ضرب‌المثل‌های رایج نیز آمده است: «الناس علی دین ملوکهم؛ مردم بر دین حاکمان و

در لایه‌های پیدا و پنهان سخنان ایشان، اعتقادی عمیق و روی‌کردی تازه به مهدویت موج می‌زند. وی پیوسته با بذر کلام خویش، سرزمین اندیشه مخاطب را پذیرای طرحی نو برای مدیریت جهان بشریت می‌نماید و با نسیم گل‌بانگ تنها راه نجات، روان خسته و دل‌مرده آنان را می‌نوازد و شبنم امید می‌افشاند. آن‌گاه که ایشان در سازمان ملل سخنان خود را با نام و یاد حضرت ولی عصر علیه السلام و دعا برای فرج آن بزرگوار آغاز کرد و اعتقاد به آن امام همام را تنها راه نجات بشریت و انسان معاصر از غرق‌آب‌های فرورفته در آن یاد کرد، بسیاری اشک شوق ریختند.

این‌جانب خود گواه سیل پرسش‌ها و هجوم پژوهشگران و خبرنگارانی بودم که از سراسر دنیا به مراکز و متولیان اندیشه مهدویت گسیل شده بودند تا ابعاد شخصیت موعود شیعی را بشناسند؛ موعودی که رئیس‌جمهوری در سازمان ملل از او یاد کرده بود. به راستی هریک از اینها در جای خود بسیار شکوه‌مند و در خور ستایش و تقدیر است، اما مهم‌تر از آن، راه یافتن آموزه مهدویت به عنوان دکترین نظام در مراکز استراتژیک و کرسی‌های نظریه‌پردازی و شکل‌گرفتن و رواج برخی اصطلاحات و کلیدواژه‌های نوپیدا در ادبیات مهدوی و فرهنگ سیاسی است؛ اصطلاحات و کلیدواژه‌هایی هم‌چون «دولت

فرمان‌روایان خود هستند.» (شیخ‌حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی)، وصول‌الاجتیار، ص ۳۰؛ بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۸)

زمینه‌ساز»، «تنها راه نجات بشریت»، «نظریه‌پردازی براساس فرهنگ انتظار»، «مدیریت امام زمان علیه السلام» و
 شایسته است فرهیختگان و اندیشه‌وران به تبیین این گل‌واژه‌های راه‌بردی و اعتقادی بپردازند. در دیباجه این مجموعه برای فتح بابی در این موضوع و آغازی بر این کار، درباره «مدیریت امام زمان» و تبیین مفهوم، دلایل و برخی نمودها و نمونه‌های آن گفت‌وگویی کوتاه خواهیم داشت.

السلام علیک یا صاحب‌التدبیر

«مدیریت» در معنای لغوی به معنای اداره کردن است و مدیریت امام علیه السلام یعنی اداره کردن هر آنچه شأن امام است و خداوند آن را برعهده او نهاده است. مدیریت در این معنا بسیار گسترده خواهد بود و با کمی تسامح، همه آثار «وجودی» و «شخصیتی» حضرت را دربر خواهد گرفت.^۷ اما مدیریت در

۷. آثار و برکات امام دو بُعد دارد: «وجودی» و «شخصیتی». برخی از آثار، جلوه‌ها و برکات وجودی حضرت است، هم‌چون وابستگی حیات عالم و انسان‌ها به آن وجود مقدس و این‌که امام مجرای فیض الهی است و بر ما حق حدوث و حق بقاء دارد: «لو بقیت الأرض بغير إمام ساعة لساخت» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۱)، «أین السبب المتصل بین الأرض و السماء» (دعای ندبه)، «و بوجوده ثبتت الأرض و السماء» (دعای عدیله).
 به عبارت دیگر، نفس وجود حضرت ولی عصر علیه السلام و حضور آن امام همام در نشئه دنیا، جدای از هرگونه اقدام و فعلیتی، آثاری دارد که با عنوان بُعد وجودی و تکوینی از آن یاد می‌شود. اما برخی دیگر از نقش آفرینی‌ها و آثار و برکات امام، از شخصیت آن بزرگوار سرچشمه می‌گیرد. برای آگاهی از برکات وجودی و تکوینی حضرت و دلایل نقلی و عقلی آن، به کتاب‌های زیر می‌توان مراجعه کرد:

اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۹؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۵۹؛ شیخ صدوق، توحید، ص ۱۶۷؛ طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳؛ قاضی سعید محمد بن محمد مفید قمی، شرح توحید صدوق، تصحیح دکتر نجف‌قلی حبیبی، ج ۱، ص ۵۱۸-

معنای اصطلاحی به معنای سازمان‌دهی، هدایت و به کارگیری امکانات و نیروها براساس ارزش‌هایی معین برای رسیدن به هدفی مطلوب است. مقصود از مدیریت حضرت در این‌جا که برخاسته از تدبیر و فعل امام است، معنای اصطلاحی آن است.

«اهداف» امام زمان علیه السلام متعدد است: حفظ و گسترش دین و شیعیان، ایجاد مرکز و دولتی برای شیعه، حفظ و تقویت ایران به عنوان مرکز تشیع و «شیعه‌خانه امام زمان علیه السلام»، ایجاد حکومت جهانی و...^۸ در این میان، برخی از اهداف عالی و برخی میانی‌اند. از جمله اهداف عالی حضرت ایجاد حکومت عدل توحیدی و جهانی است؛ حکومتی که انسان‌ها را از قید غل و زنجیرها برهاند و زمینه رشد و کمال آنها را فراهم سازد. این هدف وعده قطعی الهی است؛ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»^۹ و خداوند هرگز از وعده خود تخلف نمی‌کند؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»^{۱۰}

۵۲۴ و ج ۲، ص ۷۸۱-۷۸۸؛ سیدحیدر آملی، جامع‌الاسرار و منبع‌الانوار، اصل اول و قاعده دوم اصل سوم؛ امام خمینی علیه السلام، مصباح‌الهدایة الی الخلافة و الولاية، مصباح ۲۳ و ۳۴ و ۴۱ از مشکاة اولی و مطلع ۲ از مصباح دوم از مشکاة ثانیة؛ امام خمینی علیه السلام، التعلیقة علی الفوائد الرضویة، ص ۱۰۹ و ۱۱۰؛ حسن‌زاده آملی، نهج‌الولاية، ص ۲۰؛ همو، انسان کامل در نهج‌البلاغه، ابواب اول تا ششم؛ سیدجلال‌الدین آشتیانی، شرح مقدمه قیصری، ص ۸۸۷-۹۴۱؛ شیخ‌محمد لاهیجی، مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز، تحقیق کیوان سمیعی، ص ۳۱۳-۳۴۱؛ آقا محمدرضا قمشه‌ای معروف به حکیم صهباء، رساله خلافت کبری، ص ۶۴-۱۰۶.

۸. بیان مستندات و دلایل نقلی و عقلی یا عقلایی این اهداف، مجال دیگری می‌طلبد.

۹. سوره نور، آیه ۵۵.

۱۰. سوره آل‌عمران، آیه ۹.

این وعده قطعی الهی با دستان پرتوان حضرت ولی عصر علیه السلام تحقق پیدا خواهد کرد؛ «و الذی بعثنی بالحق نبیاً لو لم یبق من الدنیا إلّا یوم واحد لطولَ الله ذلك الیوم حتّی ینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلّی خلفه و تشرق الأرض بنوره و ینبغ سلطانه المشرق و المغرب»^{۱۱} و «الأئمة من بعدی اثنا عشر، أولهم أنت یا علیّ و آخرهم القائم الذی یفتح الله عزّوجلّ علی یدیه مشارق الأرض و مغاربها»^{۱۲}.

اما چگونه؟ شاید برخی گمان کنند که امام تا پیش از فرارسیدن زمان ظهورش در جهت تحقق این هدف هیچ نقشی ندارد و تنها در گوشه‌ای نشسته تا هنگام ظهورش فرا رسد و از خیمه‌اش به در آید و البته گاه‌گذاری برخی افراد را شفا می‌دهد و یا گم‌شده‌ای را به مقصد رهنمون می‌شود! اما ما بر این باوریم که امام در جهت ایجاد آن آرمان الهی نقش‌آفرین است و خود نیز تکلیف دارد که زمینه‌های ظهورش را فراهم آورد و غیبت هم مانع نیست؛ چون غیبت پنهان بودن و در پنهانی کار کردن است، نه بی‌کاری. امور در غیبت تعطیل نمی‌شوند؛ چون امامت تعطیل بردار نیست، بلکه چه بسا دست امام از جهاتی بازتر شود

۱۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی کند تا فرزندم مهدی در آن روز ظهور کند. پس روح‌الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نورش روشن گردد و حکومتش به شرق و غرب عالم خواهد رسید.» (کمال‌الدین، ص ۲۸۰)

۱۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «امامان پس از من دوازده نفرند؛ نخستین آنها تویی ای علی! و آخرین ایشان قائمی است که خدای بزرگ خاوران و باختران زمین را به دست او می‌گشاید.» (همان، ص ۲۸۲)

و به دور از تنگناها و برخی مزاحمت‌ها به تدبیر امور و آرایش نیرو پردازد و بسیاری از توطئه‌ها بر ضد شیعه، مسلمانان و یا جامعه جهانی را خنثا کند و شیعیان پراکنده را جمع سازد. او با حفظ شیعیان و دولت شیعی زمینه‌ساز دولت جهانی عدل خواهد بود.

دلایل متعددی از عقل، نقل و سیره بر این باور می‌توان آورد که به اختصار از هریک نمونه‌هایی ارائه می‌شود. پیش از آن یادآوری چند نکته ضروری است:

۱. دلایل ارائه شده درباره مدیریت حضرت برای اثبات این قضیه به صورت کلی است، اما اثبات موارد و مصادیق آن نیاز به دلیل یقینی دارد و هر ادعایی پذیرفتنی نیست.

۲. مدیریت حضرت براساس سه اصل غیبت، حکمت و سنت است. حضرت هرگز کاری خلاف فلسفه غیبت و یا خلاف حکمت و مصلحت انجام نمی‌دهد و در انجام آن نیز هرگز از سنت‌های الهی تخطی نمی‌کند؛ سنت‌هایی که در قرآن، بیشتر به صورت جمله‌های شرطی و گاهی خبری آمده: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^{۱۳} «إِنْ غَدْتُمْ غَدْنَا»^{۱۴} «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^{۱۵} «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^{۱۶} «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ

۱۳. سوره محمد، آیه ۷.

۱۴. سوره اسراء، آیه ۸.

۱۵. سوره ابراهیم، آیه ۷.

۱۶. سوره طلاق، آیه ۲.

وَالْأَرْضِ»^{۱۷} «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^{۱۸} و... ۳. بین مدیریت و نقش آفرینی تفاوت وجود دارد و هر نقشی مدیریت نیست، بلکه مدیریت باید براساس هدف و برنامه‌ای خاص باشد. گرچه براساس اصل حکمت، هر حرکت و عمل حضرت خالی از حکمت نیست و هر اقدام آن بزرگوار داخل در طرح جامع و تدبیر شامل و فراگیر حضرت است، حتی آن‌جا که کسی را شفا می‌دهد، اما مراد از مدیریت حضرت در این‌جا همان معنای اصطلاحی آن و مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی است که امام برای رسیدن به اهداف غایی و میانی خود انجام می‌دهد.

۴. مدیریت حضرت به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم اعمال می‌شود. یکی از نمونه‌های مدیریت غیرمستقیم امام زمان علیه السلام اصل مترقی ولایت فقیه و انتصاب فقها به عنوان نایبان عام آن حضرت در عصر غیبت کبراست.

۵. خواست و اراده حضرت در طول اراده الهی است و نه در عرض آن. او همان را می‌خواهد که خداوند می‌خواهد. امام زمان علیه السلام خود می‌فرماید: «دل‌های ما امامان ظرف خواست خداوند است و خواست ما به خواست او محدود و مقید است و ما مطیع او هستیم؛ «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»^{۱۹} و^{۲۰} البته

۱۷. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۱۸. سوره رعد، آیه ۱۱.

۱۹. سوره دهر، آیه ۳۰.

۲۰. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۷. در روایتی دیگر از امام زمان علیه السلام چنین آمده است: «إِنَّ قُلُوبَنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَةِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ شَنَانَا» (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۵۱)

پرواضح است که اراده امام هیچ منافاتی با انتخاب و اختیار انسان ندارد.

۶. آن چه می توان به حضرت منتسب کرد، خوبی ها و زیبایی هاست و نارسایی ها و ضعف ها از ساحت او دور است و به بی تدبیری و ناتوانی ما باز می گردد. به تعبیر قرآن «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»،^{۲۱} «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ».^{۲۲} البته ناگفته نماند که خوبی ها و رحمت ها جلوه های گوناگونی دارند و گاهی به صورت فشار و سختی ظاهر می شوند؛ «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»^{۲۳} و «ترحم من تشاء بما تشاء كيف تشاء».^{۲۴}

دلایل عقلی

براساس «اهداف» حکومت دینی که رشد و شکوفایی همه استعداد های انسان و تشکیل جامعه انسانی بر پایه قسط و عدل است^{۲۵} و «قلمرو» حکومت که همه هستی است و نه محدوده شصت یا هفتاد سال عمر انسان در دنیا، اصل امامت و رهبری شیعه برای اداره جامعه مطرح می شود و اضطراب آدمی به امام و

۲۱. سوره نحل، آیه ۵۳.

۲۲. سوره نساء، آیه ۷۹.

۲۳. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۲۴. دعای ابو حمزه ثمالی.

۲۵. قسط غیر از عدل و بالاتر از آن است. عدل در برابر ظلم، و قسط در برابر جور است. عدل به معنای مساوات و در شرایط یکسان، مساوی برخورد کردن است و قسط به معنای بهره و نصیب است، یعنی بهره و نصیب هرکس (پدر، مادر، همسر، دوست و...) را دادن و این، بالاتر از عدل است. چه بسا کاری عادلانه باشد، ولی قسط نباشد.

حجتی که به این مجموعه آگاه باشد و باید و نبایدهای راه بلند او را تا قرب خدا بشناسد، شکل می‌گیرد؛ امامی که بر همه هستی و استعدادهای انسان آگاه و از همه کشش‌ها و هواهای نفسانی آزاد باشد. ترکیب این آگاهی و آزادی همان عصمتی است که در ادبیات سیاسی شیعه مطرح است و ملاک انتخاب حاکم قرار می‌گیرد.

با تغییر اهداف حکومت، معیار انتخاب و روش انتخاب متفاوت می‌شود؛ معیار انتخاب، عصمت و روش انتخاب، نصب خواهد بود. شیعه براساس همین بینش متری و حکم عقل معتقد است که حاکمیت و رهبری، تنها حق امام معصوم است و اوست که محور این آسیاب است.^{۲۶} آن‌جا که زمینه فراهم باشد، به حکم عقل مکلف است آن را عهده‌دار شود و آن‌جا که نباشد، باید آن را فراهم سازد و با تقیه کار را پیش برد و با تربیت مهره‌های توانمند و کارساز و تحول در تلقی توده‌ها و بینش مردم یعنی همان دو عنصر اساسی حکومت دینی، زمینه‌ها را فراهم آورد و اگر مبارزه آن‌قدر پیچیده شود که دیگر دشمن حضور آخرین حلقه امامت الهی را حتی در پوشش تقیه تاب نیاورد و وجود او را مزاحم اهداف پلید خود بباید و به کمتر از مرگ او قانع نشود، حکمت، اقتضای غیبت و مبارزه مخفی را می‌کند و این غیبت و فعالیت در خفا چیزی جز استمرار حرکت ائمه شیعه و انبیای الهی نخواهد بود.

۲۶. «إِنَّ مَحَلِّيَّ مِنْهَا مَحَلَّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا.» (تهج‌البلاغه، خطبه ۳)

سیره امامان نیز گویای همین حقیقت است و در واقع ارشاد به همین حکم عقل است. مگر امامان شیعه در روزگار خود بی توجه به اوضاع بودند؟ مگر حضرت علی علیه السلام در دوران ۲۵ ساله سکوت خود با تقیه زمینه حاکمیت خود را فراهم ساخت؟ سکوت، غیرسکون و تقیه و پنهان کاری، غیر بی کاری و بی دردی است.^{۲۷} مگر امامان بزرگ واری چون حسین و سجاد و صادق و عسکری علیهم السلام آرام نشستند؟ آیا امام زمان علیه السلام در عصر غیبت صغرای خود آرام نشست و هیچ فعالیتی نداشت؟ آیا نهاد پر قدرت و کالت را رهبری نفرمود؟ آیا جامعه شیعه را مدیریت نکرد؟ مگر غیبت کبرا، ادامه غیبت صغرا و آن هم استمرار حرکت امامان شیعه نیست؟ آیا تغییر تاکتیک و شیوه مبارزه به معنای بی کاری است؟ همان طور که اشاره شد، اصل تقیه به معنای پنهان کاری و زمینه سازی و یک شکل پیچیده از مبارزه و جهاد، عنصر اساسی در حیات امامان است و بدون آن تاریخ ائمه و مبارزه های آنان را نمی توان تحلیل کرد.

۲۷. امام صادق علیه السلام می فرماید: «المؤمن علوی، المؤمن مجاهد، لأنه يجاهد أعداء الله عز وجل، في دولة الباطل بالتقية و في دولة الحق بالسيف؛ مؤمن علوی است و از علی علیه السلام نشان دارد. مؤمن مجاهد است؛ زیرا همواره با دشمنان خدا در جهاد و نبرد است، چه در دولت حق و چه در دولت باطل. در دولت باطل و هنگام تسلط آن با تقیه جهاد می کند و در دولت حق و هنگام تسلط آن با شمشیر پیکار می کند.» (وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۶۴) این روایت به خوبی نشان می دهد که تقیه در برابر جهاد نیست بلکه یکی از شکل های آن است. از همین رو، در روایات این همه به آن سفارش و بر آن تأکید شده است: «التقية من دینی و دین ابائی و لا ایمان لمن لا تقيه له.» (همان، ص ۴۶۰) «تسعة اعشارالدين في التقية و لادين لمن لا تقيه له.» (همان) «إن تارك التقية كتارك الصلوة.» (همان، ص ۴۶۶) «إستعمال التقية في دارالتقية واجب.» (همان، ص ۴۶۵) «كلما تقارب هذا الأمر كان أشد للتقية؛ هرچه حکومت و ولایت ما نزدیک تر می شود، تقیه و رازداری شدت بیشتری می گیرد.» (همان، ص ۴۶۲)

از طرف دیگر، چگونه می‌توان پذیرفت که منتظران به یاری و یآوری امام موظف باشند و در هر پگاه با آرزوی شهادت بر یاری و دفاع از او عهد و پیمان بندند^۱ و رسالت زمینه‌سازی حکومت او را بر دوش بگیرند،^۲ اما امام خود در گوشه‌ای تنها به عبادت بپردازد و در جهت حاکمیتی که حق اوست و بدان مکلف است، هیچ تلاش نکند؟ آیا این خردمندانه است؛ ﴿مَالِكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟﴾^۳

دلایل نقلی

علاوه بر دلایل عقلی که به نمونه‌ای از آن اشاره شد، دلایل نقلی متعددی از آیات و روایات نیز بر مدیریت حضرت در جوامع انسانی دلالت دارد که به برخی از آنها نیز اشاره می‌شود:

الف) آیات

آیات متعددی از قرآن گواه بر این معناست که از میان آنها به یکی بسنده می‌شود.

خداوند در سوره قدر می‌فرماید: ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾^۴ «ملائکه و روح که موجودی بزرگ‌تر از

۱. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمَسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمَمْتَلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمَحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.» (مصباح الزائر، ص ۱۶۹؛ مصباح کفعمی، ص ۵۵۰؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵)

۲. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «جماعتی از مشرق‌زمین به پا می‌خیزند و زمینه‌ساز حکومت امام مهدی ﷺ می‌شوند.» (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۸؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳، ح ۳۸۶۵۷؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۷؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷؛ معجم احادیث الامام المهدي ﷺ، ج ۲، ص ۲۹۰).

۳. سوره مائده، آیه ۶۴.

۴. سوره قدر، آیه ۴.

از ملائکه است، همه شئونات و کارها را با اجازه پروردگار خود بر ولی امر نازل می‌کنند.^۱

به راستی مهبط ملائکه کیست و آنان بر چه کسی نازل می‌شوند؟ فعل مضارع «تنزل»، در اصل «تتنزل» بوده و از حقیقتی مستمر خبر می‌دهد و بر استمرار دلالت دارد. آهنگ کش‌دار و طولانی آیه هم با استمرار آن تا قیامت کاملاً هم‌آهنگ است. اگر ملائکه مقدرات را در زمان رسول خدا ﷺ بر او نازل می‌کردند، پس از پیامبر هم آن مقدرات را باید بر کسانی نازل کنند که به لحاظ روحی با او سنخیت دارند و آنان کسانی جز اوصیای او نیستند.^۲ از همین رو، در روایت آمده که با این سوره با مخالفان ما احتجاج کنید تا پیروز شوید.^۳

چرا ملائکه و روح همه شئونات و مقدرات سال آینده را از هر حادثه، خیر و شر، طاعت و معصیت، سود و زیان، مرگ و زندگی و... در شب قدر بر امام نازل می‌کنند؟^۴ برخی از روایات به این پرسش چنین پاسخ می‌دهند: «إنه لينزل في ليلة القدر إلى ولي الأمر تفسير الأمور سنة سنة، يؤمر فيها في أمر نفسه بكذا و

۱. «تنزل» با «من» متعدی شده و از این رو، آن را متعدی (نازل می‌کنند) ترجمه کردیم و نه لازم (نازل می‌شوند).

۲. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «ينزل في تلك الليلة أمر السنة وإن لذلك الأمر ولاة بعد رسول الله. فقلت: من هم؟ فقال أنا وأحد عشر من صلبى أئمة محدثون...». (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۷) و در روایتی دیگر آمده: «إلى من؟» حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إلى من ترى.» (بصائر الدرجات، ص ۲۴۰؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۸، ص ۲۷۴)

۳. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «يا معشر الشيعة خاصموا بسورة إننا أنزلنا تفلجوا.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۳۵)

۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۸، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

كذا و فی أمر الناس بكذا و كذا»^۱ «یؤمروا فی لیالی القدر کیف یصنعون إلى السنة المقبلة»^۲ و «إنما یأتی بالأمر من الله تعالی فی لیالی القدر إلى النبی و إلى الأوصیاء، أفعّل كذا و كذا»^۳.

در حقیقت، چنان‌که از خود آیه برمی‌آید و روایات نیز به آن اشاره دارند، مقدرات را بر امام نازل می‌کنند تا او بداند در سال آینده وظیفه‌اش چیست و چگونه باید مدیریت و نقش‌آفرینی کند و اراده پروردگار به چه چیزی تعلق گرفته است.

«إرادة الربّ فی مقادیر أموره تهبط إلیکم و تصدر من بیوتکم؛^۴ اراده خداوند در تقدیر امور بندگانش به سوی شما فرود می‌آید و از منازل شما برای خلق صادر می‌شود» و اراده امام در طول اراده الهی است و او همان را می‌طلبد که خدا می‌خواهد.

(ب) روایات

در این باره روایات فراوانی وجود دارد که از این میان، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «همانا در شب قدر بیان همه امور و دستوره‌های آن‌سال به ولی‌امر نازل می‌شود و به او ابلاغ می‌شود که در مورد خود چنین دستور دارد و درباره مردم چنان» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۸)

۲. «در شب‌های قدر به آنها ابلاغ می‌شود که در سال آینده چگونه عمل کنند» (همان، ص ۲۵۲)

۳. «همانا در شب‌های قدر از جانب خداوند به پیامبر و جانشینان او دستور می‌رسد که چنین و چنان کنند» (همان)

۴. زیارت امام حسین علیه السلام به سند معتبر. (اصول کافی، ج ۴، ص ۵۷۷؛ تهذیب، ج ۶، ص ۵۵؛ کامل‌الزیارات (به سندی دیگر)، ص ۳۶۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۹۲؛ مفاتیح‌الجنان، زیارات مطلقه امام حسین علیه السلام، زیارت اول)

۱. برخی از زیارات، حضرت مهدی علیه السلام را «صاحب تدبیر» صفت داده‌اند: «السلام علیک یا صاحب التدبیر!»^۱ سلام بر تو ای صاحب تدبیر.»

سلام‌ها و صفتهای ائمه علیهم السلام، بی حکمت نیستند. گزینش وصفی از بین اوصاف و القاب، نکته‌هایی دارد که نباید به سادگی و بی‌درنگ از آنها گذشت. «سلام»^۲ در جامعه اسلامی و در جمع مسلمانان به معنای اعلام مسالمت و پیام‌آور صلح و دوستی است. گوینده با گفتن سلام، آفت و تهدید از خود را به دیگران، دور می‌خواند. در این سطح سلام، اعلام مسالمتی است که سلامت در روابط و امنیت اجتماعی را به دنبال دارد، اما در سطحی بالاتر و در رابطه میان امت و امام، علاوه بر معنای مذکور،^۳ تسلیم و واگذاری امور به امام را نیز اعلام می‌دارد؛ تسلیمی که دشمنی و دوستی و سلم و حرب سلام دهنده را مرزبندی می‌کند و سلامت در کل هستی را به دنبال می‌آورد.

سلام با این مفهوم عمیق در زیارت‌ها با القاب و اوصاف متفاوتی همراه می‌شود. این همراهی در قالب زیارت، علاوه بر آن‌که جای‌گاه و شأن امام را نشان می‌دهد، علت و چرایی تسلیم و واگذاری را نیز آشکار می‌سازد، چنان‌که وقتی دوستی را با

۱. المجموع الرائق من ازهار الحقائق، ج ۱، ص ۴۵۱.

۲. سلام به معنای تسلیم (مصدر باب تفعیل) و با پاک‌ی و دوری از هر عیب و آفت است (مصدر مجرد).

۳. سلام بر امام در این معنا اعلام وضعیت سلام دهنده است. او اعلام می‌کند با تمامی وجودش و با فکر، قلب، زبان، عمل و برخورداردهایش برای تمامی وجود امام، این سلامت و آرامش را خواستار است و نمی‌خواهد آلودگی و آفتی از جانب او دامن‌گیر امامش شود.

وصفی خاص خطاب می‌کنیم و به او اظهار ارادت می‌داریم و یا او را تشویق می‌کنیم، خطاب با چنین وصفی علت ارادت یا تشویق را نشان می‌دهد.^۱

در عبارت «السلام علیک یا صاحب‌التدبیر» سلام با وصف صاحب‌تدبیر همراه شده است. شاید در نگاه نخست به نظر برسد که وصف مدبّر برای بیان تدبیر رساتر باشد، ولی با دقت در تفاوت این دو، ظرافت‌های نهفته در این تعبیر بیشتر آشکار می‌شود. «صاحب» هم‌راهی مستمر و زندگی با شخص یا چیزی را می‌رساند^۲ و «تدبیر» به معنای عمق و استمراربخشی به کار و گونه‌ای برنامه‌ریزی است که کار ابتر نماند و ادامه یابد. این معنا ریشه در بررسی پشت و پنهان حوادث و کارها و عاقبت آنها دارد که معنای دیگر تدبیر است.^۳ بنابراین «صاحب‌تدبیر» کسی

۱. همان‌طور که معلق کردن حکم بر وصف اشاره به علت حکم دارد، اظهار محبت، ارادت و یا اظهار تسلیم به شخص و انتخاب وصف خاصی برای خطاب به او نیز اشاره به علیت آن وصف می‌تواند داشته باشد.

۲. «صحب: أصل واحد يدل على مقارنة شيء و مقارنته... من ذلك الصحاب.» (معجم مقاییس اللغة) «الصحاب: الملازم و لا ینقل فی العرف إلا لمن كثرت ملازمته و یقال للمالك للشيء هو صاحبه و كذلك لمن یملك التصرف فيه.» (مفردات راغب) «إن الأصل الواحد فی هذه المادة هو العشرة و ادامتها فی طریق الحیاة فی برنامج ظاهری أو باطنی مع شخص أو امر آخر... و أما مفاهیم الملك و غیرها فهی من لوازم الحقیقة.» (التحقیق فی کلمات القرآن)

۳. «دبر: أصل هذا الباب ان جلّه فی قیاس واحد و هو آخر الشيء و خلفه خلاف قبله و التدبیر ان یدبّر الانسان امره و ذلك أنه ینظر إلى ما تصیر عاقبته و آخره و هو دبیره.» (معجم مقاییس اللغة) «دبّر الأمر تدبیراً: فعلته عن فکر و رؤية.» (مصباح اللغة) «التدبیر: هو تصیر الشيء ذا دبر و جعله ذا عاقبة، بأن یكون الشيء علی عاقبة حسنة و نتیجة مطلوبة و هذا معنی العمل عن فکر و رؤية... تدبیره تعالی عبارة عن تنظیم أمور العالم و ترتیبه و جعل الأمور علی أحسن نظام و أتقن صنع نتج.» (التحقیق فی کلمات القرآن)

را گویند که همیشه هم‌راه هر تدبیر و هم‌نشین آن است؛^۱ کسی که با همه تدبیرها در هر گوشه عالم و در هر کجای تاریخ است هم‌راهی دارد و آغاز و انجام و پنهان و آشکار آن را می‌داند. این هم‌راهی و هم‌نشینی، بینش و بصیرتی می‌آورد که به طور طبیعی، هر تدبیری در طرح و تدبیر او قرار می‌گیرد و محکوم تدبیر او می‌شود.

این شناخت و معرفت به آگاهی و بصیرت امام در کنار مهر و محبت اوست که انسان را به «سلم»، «تسلیم» و «سلام» می‌رساند از این روی، «السلام علیک یا صاحب‌التدبیر» یعنی «سلام بر تو ای هم‌راه همیشه هر طرح و تدبیر.»

۲. در تعدادی از روایات نقش حضرت در ایام غیبت به آفتاب پشت ابر تشبیه شده است: «و اما وجه الإنتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس إذا غیبتها عن الأبصار السحاب»،^۲ «إِنَّهُمْ یستضیئون بنوره و یتفعون بولایته فی غیبه کانتفاع الناس بالشمس و إن تجللها سحاب». ^۳ همان‌گونه که خورشید در پشت ابر همگان را بهره‌مند می‌کند، حضرت در ایام غیبت به وظایف امامت خود مشغول است و به ویژه شیعیان را از نور هدایت و ولایت و سرپرستی خود بهره‌مند می‌سازد، بدون این‌که کسی او را بشناسد و همان‌طور که گذشت، چه بسا دست امام از جهاتی بازتر باشد و بی‌نام و نشان، مستقیم و غیرمستقیم، با واسطه و

۱. الف و لام «التدبیر» الف و لام جنس است و شامل همه تدبیرها می‌شود.

۲. کمال‌الدین، ص ۴۸۵؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۹۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۳.

۳. کمال‌الدین، ص ۲۵۳؛ خزازی، کفایة‌الاثیر، ص ۱۵۵.

بی واسطه آنچه را با اصل غیبت، حکمت و سنت منافات نداشته باشد، انجام دهد.

۳. امام زمان علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید چنین می‌فرماید: «فإننا نحيط علماً بأنبائکم ولا یعزب عننا شیء من أخبارکم... إننا غیر مهملین لمراعاتکم و لاناسین لذکرکم لولا ذلك لنزل بکم اللأواء و اصطلمکم الأعداء فاتقوا الله جلّ جلاله و ظاهرنا علی انتیاشکم من فتنه قد أناقت علیکم...»^۱ ما به اخبار شما آگاهیم و هیچ چیز از اخبار شما از ما پنهان نمی‌ماند... ما در رسیدگی و مراعات شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر چنین بود، گرفتاری‌ها و دشواری‌ها شما را در برمی‌گرفت و دشمنان شما را نابود می‌کردند. بنابراین، تقوا پیشه کنید و از ما پشتیبانی نمایید و ما را برای رهایی خود از فتنه‌ای که به شما رو آورده یاری کنید...». در عبارت پایانی، یاری طلبیدن امام از شیعیان خود برای نجات از فتنه‌هایی که به آنها رو آورده، تأمل برانگیز و جالب توجه است.

۴. حضرت علی علیه السلام در بخشی از خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه که برخی از حوادث عصر غیبت و فتنه‌های آخرالزمان را برمی‌شمارد، به صراحت از اقدامات و فعالیت‌های حضرت مهدی علیه السلام^۲ سخن می‌گوید و از مدیریت پنهانی آن حضرت در

۱. احتیاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۳.

۲. بسیاری از شارحان نهج البلاغه تصریح دارند که مراد حضرت از «من أدرکها منّا؛ آن کس از ما که آن فتنه را دریابد» در این خطبه، با نظر به جملات «بسرّاج منیر؛ با چراغی روشن» و «فی ستره عن الناس؛ مخفی از دیدگاه مردم» که در پی آن آمده، وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام است. (نک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۲۸؛ علامه جعفری،

ایام غیبت در جوامع انسانی پرده برمی‌دارد: «ألا و إن من أدرکها منّا یسری فیها بسراج منیر و یحذو فیها علی مثال الصالحین لیحلّ فیها ربّاقاً و یعتق فیها رقاً و یصدع شعباً و یشعب صدعاً فی ستره عن الناس لایبصر القائف أثره و لو تابع نظره ثم لیسحذنّ فیها قوم شحذ القین النصل؛ آگاه باشید! آن‌کس از ما اهل بیت پیامبر ﷺ (حضرت مهدی ﷺ) که آن فتنه‌ها را دریابد، با چراغ روشنی‌بخش در آن گام می‌نهد و به سیره و روش صالحان (پیامبر و اهل بیت علیهم السلام) رفتار می‌کند تا در آن فتنه‌ها گره‌ها را بگشاید و بردگان (ملت‌ها و انسان‌های اسیر و دربند) را آزاد سازد، جمع (گمراهان) را متفرق سازد و پراکندگان (حق‌طلب و مستضعف) را هم‌آهنگ و هم‌داستان کند، (او این کارها را) در نهایت پنهانی از مردم (انجام می‌دهد)، آن‌گونه که پی‌جویان نشانش را نبینند، هرچند دقت نظر داشته باشند. سپس در کشاکش آن فتنه‌ها، گروهی (برای درهم کوبیدن فتنه‌ها) مهیا می‌شوند هم‌چون مهیا شدن شمشیر به دست آهن‌گر.»

عبارت پایانی (ثمّ لیسحذنّ...) به وضوح نشان از آن دارد که آماده شدن گروه مهدی‌یاوران حاصل زحمات پرتلاش و به ثمر نشستن مدیریت پنهان آن حضرت است. از این‌رو، با «ثمّ» و تراخی آورده شده است.

ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۴، ص ۳۲۵. در کتاب تمام نهج البلاغه، ص ۲۳۰ که همه این خطبه به صورت کامل نقل شده، قرائن و عبارات‌های صریح و روشنی بر این ادعا آورده شده است.

۱. «شحذ» در اصل به معنای تیز کردن چاقوست و در این‌جا مقصود آماده ساختن و مهیا کردن است. (نک: ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۰۲؛ آیه‌الله مکارم شیرازی و دیگران، پیام امام امیرالمؤمنین ﷺ، ج ۵، ص ۷۲۵)

۵. در روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد امام مهدی علیه السلام آمده است: «... و أن يكون صاحبكم المظلوم المجروح حقّه، صاحب هذا الأمر يتردد بينهم و يمشى في أسواقهم و يطأ فرشهم و لا يعرفونه حتّى يأذن الله له أن يعرفهم نفسه...»^۱ پس چرا این امت انکار می کنند که صاحب این امر در میان آنها راه برود و در بازارهایشان رفت و آمد کند، در خانه هاشان گام نهد، ولی او را نشناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان معرفی کند.»

در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام نیز چنین آمده است: «فوربّ علیّ أنّ حجّتها قائمة، ماشية في طرقها، داخلّة في دورها و قصورها، جوالّة في شرق الأرض و غربها، تسمع الكلام و تسلّم علی الجماعة، تری...»^۲ سوگند به خدای علی، حجت امت برپاست، در کوچه و راه های آنان گام برمی دارد و بر خانه های آنان وارد می شود و شرق و غرب جهان را فراوان می پیماید و گفتار مردمان را می شنود و بر اجتماعات آنان وارد می شود و سلام می دهد. او مردمان را می بیند...»

در دعای «ندبه» نیز چنین می خوانیم: «جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت! تو آن دور شده از وطنی هستی که از ما دور نیستی.»^۳

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۶ (با اندکی تفاوت).

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۶؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۷۰.

۳. «بنفسی أنت من مغیب لم یخل منّا، بنفسی أنت من نازح ما نرح عنّا».

به گفته امام صادق علیه السلام حضرت قائم علیه السلام در مراسم حج حضوری همیشگی دارد: «یفتقد الناس إمامهم فیشهد الموسم فیراهم و لایرونه؛^۱ مردم امامشان را نیابند، او در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند، اما آنها او را نمی‌بینند.»
 عمروی نایب آن حضرت نیز با تأکید می‌گوید: «و الله أن صاحب هذا الأمر لیحضر الموسم کل سنة فیری الناس و یعرفهم و یرونه و لایعرفونه؛^۲ به خدا سوگند! صاحب این امر، هر ساله در موسم حج حضور می‌یابد، همگان را می‌بیند و می‌شناسد، اما دیگران او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.»

به راستی، این حضور فعال در میان امت اسلامی و جوامع انسانی برای چه مقصودی است؟ چرا حضرت این قدر در میان مردم و خانه‌ها و بازار و کوچه آنان، آمدوشد دارد و حرف‌ها و درد دل آنان را می‌شنود؟ چرا آن‌جا که همه امت اسلامی جمعند، حضور دارد؟ آیا با توجه به شأن امام و نقشی که برای او معتقدیم، این همه جز این‌که در راستای تحقق اهداف و زمینه‌سازی برای آرمان‌های امام باشد، برای مقصد دیگری است؟ و بالاخره آیا این همه، چیزی به غیر از نقش‌آفرینی و مدیریت حضرت است؟

۶. امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «إنا خاتم الأوصیاء و بی یدفع الله عزوجلّ البلاء عن أهلی و شیعتی؛^۳ من آخرین وصی پیامبر

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۴۱؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶.

هستم و خداوند به واسطه من بلا و گرفتاری را از خاندان و شیعیان من دفع می‌کند.»

دفع بلا و گرفتاری از شیعیان توسط حضرت اطلاق دارد و یکی از راه‌های آن می‌تواند از طریق اعمال مدیریت آن حضرت باشد. به عبارت دیگر، یکی از راه‌های دفع بلا از شیعیان، مدیریت پویای حضرت است؛ مدیریتی برخاسته از نظارت و آگاهی و هم‌سو با اهداف بلند آن حضرت.

۷. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «لم تخلو الارض منذ خلق الله آدم من حجة لله فيها ظاهر مشهور أو غائب مستور... و لولا ذلك لم يعبد الله؛^۱ از زمانی که خداوند آدم را آفرید، زمین هرگز از حجت الهی خالی نبوده است؛ چه حجت آشکار و چه پنهان... اگر غیر این بود خدا هرگز پرستش نمی‌شد.»

بدون مدیریت حجت خدا، چه ظاهر و چه غایب، عبودیت خدا محقق نمی‌شود. به عبارت دیگر، لازمه تحقق عبودیت الهی، مدیریت حجت خداست.

۸. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای می‌فرماید: «و ما أخذ الله علی العلماء أن لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم؛^۲ خداوند از دانش‌مندان پیمان گرفته است که بر شکم بارگی ستم‌گران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند.» آیا با وجود این همه ظلم و سیاهی و شکم‌بارگی جهان‌خواران، امام می‌تواند آرام بنشیند؟ آیا

۱. شیخ صدوق، *امالی*، ص ۲۵۳؛ *کمال‌الدین*، ص ۲۰۷؛ *بحارالانوار*، ج ۵۲، ص ۹۲. در روایتی از حضرت امیر علیه السلام آمده است: «لئلا تبطل حجج الله و بیناته... بهم یحفظ الله حججه.»

۲. *نهج‌البلاغه*، خطبه ۳.

در برابر طاغوت‌ها و فرعون‌ها که گروه گروه انسان‌ها را به مسلخ می‌برند، ساکت می‌ماند؟ هرگز! که این دور از شأن امام است و خداوند از آنان پیمان گرفته است. البته چگونگی و شکل این مدیریت به تدبیر خود امام است و کیفیت آن بر ما چندان آشکار نیست، اما یقین داریم که در برابر شکم‌بارگی ستم‌گران و گرسنگی مظلومان، سکوت نمی‌کند و همه فریادگران و مجاهدان در برابر ستم‌گران و مستکبران هم‌سو و هم‌جهت با امامند و به قدر ظرفیت از عنایت‌های او بهره‌مند می‌شوند.

۹. برخی القاب حضرت مثل «عین الله فی خلقه»،^۱ «عینک الناظرة بإذنک»،^۲ «الجحججاج المجاهد»،^۳ «الرحمة الواسعة»،^۴ «رحمة للعالمین»،^۵ «أرحم بالرعیة»،^۶ «الکھف»،^۷ «الغوٲ»،^۸ «مفرج الکربات»،^۹ «داعی الله»،^{۱۰} «مزیل الهم»،^{۱۱} «کاشف البلوی»،^{۱۲}

۱. سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۵۰۶.

۳. شیخ طوسی، مصباح، ص ۴۰۹.

۴. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱ و ج ۱۰۲، ص ۸۱؛ مفاتیح‌الجنان (زیارت آل یاسین).

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۸.

۶. عقداالدرر، ص ۲۰۴.

۷. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۴.

۸. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱ و ج ۱۰۲، ص ۸۱؛ مفاتیح‌الجنان (زیارت آل یاسین).

۹. همان.

۱۰. همان.

۱۱. همان.

۱۲. همان.

«الخلیفه»،^۱ «الحجة»^۲ و... نشان می‌دهد که حضرت چشم خدا بر روی زمین، مجاهدی پرتلاش، پناه، فریادرس، مشکل‌گشای آلام، زداینده غم، برطرف‌کننده بلا و... است. لقب «مهدی» نیز که از مهم‌ترین القاب حضرت به شمار می‌رود، گویای نقش فعال حضرت در هدایت‌گری است.^۳ هریک از این القاب و مجموعه آنها گویای مدیریت حضرت و جلوه‌ای از شئون مدیریت ایشان است؛ مدیری که هم‌چون مجاهدی تلاش‌گر در صحنه نبرد همیشه حق و باطل مستضعفان و مستکبران حضور پررنگ دارد و بر امت شیعی، اسلامی و جوامع انسانی، نظارت کامل دارد و پناه و فریادرس آنهاست و با برنامه‌های پنهان و آشکار خود، گشاینده رنج‌ها و آلام همگان است.

۱۰. بنا بر برخی روایات در شأن اهل بیت آمده است: «فإن فینا أهل البیت فی کلّ خلفٍ عدولاً ینفون عنه تحریف الغالین و انتحال المبطلین و تأویل الجاهلین؛^۴ همانا در هر نسلی، عادلانی از ما اهل بیت وجود دارند که دین را از تحریف غلوکنندگان و نسبت ناروای باطل‌گرایان و تأویل نادانان، حفظ می‌کنند.»

۱. همان.

۲. همان.

۳. گفتنی است که مهدی اسم مفعول است. در روایتی هم آمده است: «فإنما سُمی المهدی لآئنه یمهدی لأمر خفی» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۴۳؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۹) و البته کسی که از هر جهت هدایت شده باشد، هادی همه‌جانبه نیز خواهد بود.

۴. بصائر الدرجات، ص ۳۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲. در کمال‌الدین، ص ۲۲۱ چنین آمده است: «إن فی کلّ خلفٍ من أمتی عدلاً من أهل بیته ینفی عن هذا الدین تحریف الغالین...». در روایات اهل سنت نیز از قول پیامبر ﷺ آمده است: «إن الله یبعث لهذه الأمة علی رأس کلّ مئة سنة من یمجدّ لها دینها» (سنن ابن داود، ج ۲، ص ۳۱۱؛ محی‌الدین نووی، المجموع، ج ۱، ص ۵۰۹)

آیا این سه کار سترگ در عصر غیبت بدون برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مناسب و مدیریتی کارآمد چه آشکار و چه پنهان امکان دارد؟ آیا بدون تربیت افراد توانمند و ایجاد مراکز و حوزه‌های علمی، این کار به سامان می‌رسد؟

۱۱. از دیگر جلوه‌های مدیریت حضرت، دعای حضرت برای پیروان و شیعیان خود و درخواست حفظ آنان از فرمانروای آسمان‌ها و زمین است: «لأننا من وراء حفظهم بالدعاء الذی لا یحجب عن ملک الأرض و السماء فلتطمئن بذلک من أولیائنا القلوب و لیتقوا بالكفایة منه و إن راعتهم بهم الخطوب؛^۱ زیرا که ما با دعایی که از فرمانروای آسمان و زمین پوشیده نمی‌ماند، آنان را حفاظت و نگه‌داری می‌کنیم. بنابراین، قلب‌های دوستان ما به دعای ما به بارگاه الهی، آرامش و اطمینان یابد و به کفایت آن آسوده خاطر باشند، هر چند درگیری‌های هراس‌انگیز، آنان را به دلهره افکند.»

عالم جلیل‌القدر سید بن طاووس رحمته‌الله در اواخر کتاب *مهج الدعوات* می‌نویسد: در شب چهارشنبه ۲۳ ذوقعدہ سال ۶۳۸ قمری در «سرمن‌رأی» بودم که سحرگهان در سرداب مطهر شنیدم آن حضرت رحمته‌الله در حق شیعیان خود این‌گونه دعا می‌فرمود: «الهی بحق من ناجاک و بحق من دعاک فی البرّ و البحر تفضّل علی فقراء المؤمنین و المؤمنات بالغناء و الثروة و علی مرضی المؤمنین و المؤمنات بالشفاء و الصحة و علی أحياء المؤمنین و المؤمنات باللطف و الکرّم و علی أموات المؤمنین و

۱. /احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶ (نامه به شیخ مفید).

المؤمنات بالمغفرة و الرحمة و على غرباء المؤمنين و المؤمنات بالردّ إلى أوطانهم سالمين غانمين بمحمد و آله أجمعين؛ خدایا؛ به حق آن که با تو مناجات کرد و به حق آن که در خشکی و دریا تو را خواند، بر فقراى مؤمنان به غنا و ثروت و بر بیمارانشان به شفا و سلامتی و بر زندگانیشان به لطف و کرم و بر امواتشان به مغفرت و رحمت و بر مسافران و غریبانشان به بازگشت سالم و بهره‌مند به وطن‌هایشان تفضل فرما به حق محمد و آل او.

سید بن طاووس می‌افزاید که تمام آن کلمات طیبات در خاطر من جا گرفت...^۱

شیخ صدوق همیشه با افتخار می‌گفت: «ولدتُ بدعوة صاحب الأمر^{علیه السلام}؛ من به دعای حضرت مهدی^{علیه السلام} متولد شده‌ام.»^۲

۱۲. بنابر بسیاری از دعاها، حضرت بسان مجاهدی پا در رکاب در میدان کارزار است و با آرایش پیاپی نیروهای خود مبارزه را در عرصه‌های مختلف و در گستره جهانی رهبری و مدیریت می‌کند. برخی به اشتباه این دعاها و یا بخش‌هایی از آنها را درباره عصر ظهور می‌دانند، در حالی که هیچ قرینه‌ای بر این تقیید نیست.

«اللهمّ المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وکثر به قلّتنا وأعز به ذلّتنا وأغن به عائلنا و اقض به عن مغرنا و اجبر به

۱. مهج الدعوات، ص ۲۹۵؛ مصباح کفعمی، ص ۳۰۶؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۲. رجال نجاشی، ص ۲۶۱. (برای آگاهی از عصر شیخ صدوق و نقش ممتاز او در پاس‌داری از میراث تشیع که از نمونه‌های خوب مدیریت امام زمان^{علیه السلام} است نگاه کنید به: عبدالعلی محمدی شاهرودی، سید بن طاووس در عرصه علم و عمل؛ محمدعلی خسروی، شیخ صدوق)

فقرنا و سدّاً به خلّتنا و یسرّ به عسرنا و بیض به وجوهنا و فکّ به
 أسرنا و أنجح به طلبتنا و أنجز به مواعیدنا و استجب به دعوتنا
 و أعطنا به فوق رغبتنا یا خیر المسؤلین و أوسع المعطین إشف به
 صدورنا و أذهب به غیظ قلوبنا و اهدنا به لما اختلف فیہ من
 الحقّ بإذنک إنک تهدی من تشاء إلى صراط مستقیم و انصرنا
 على عدوِّک و عدوِّنا إله الحقّ آمین! ^۱

سیره

بنابر نقل‌ها و داستان‌های معتبر فراوانی که به برخی از آنها
 اشاره خواهد شد، این نکته به دست می‌آید که سیره حضرت در
 عصر غیبت، تلاش برای زمینه‌سازی ظهور است و این خود دلیل
 دیگری است بر مدیریت و آرایش نیروی حضرت در عصر
 غیبت و «آفتاب آمد دلیل آفتاب». چه شاهدی گویاتر از این‌که
 شیعه در هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام آن‌گونه در غربت و
 حیرتی جان‌کاه به سر می‌برد، ^۲ اما امروزه، ایران اسلامی، با نام و
 یاد حضرت قیام می‌کند و با رهبری نایب او پیروز می‌شود. آیا
 این چیزی جز عنایت و مدیریت حضرت است؟

خدای تعالی به پیامبرش می‌گوید: «به یاد بیاور آن زمانی که
 در غربت بودید و از این‌که شما را نربایند، در هراس بودید
 و امروزه...» ^۳

۱. مصباح المتعجد، ص ۵۸۰؛ مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. نک: پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، ص ۲۷۸.

۳. «وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ» (سوره انفال، آیه ۲۶)

مقایسه وضع گذشته و امروز ما، درس‌های زیادی از نمودها و جلوه‌های مدیریت امام را با خود به هم‌راه دارد. همین است که معمار بزرگ انقلاب، مرحوم امام راحل همواره بر این حقیقت تأکید داشتند و می‌فرمودند: «آن‌چه ما داریم از امام زمان علیه السلام است و آن‌چه من دارم از امام زمان علیه السلام است و آن‌چه از انقلاب داریم از امام زمان علیه السلام است.»^۱

در هر حال، نمونه‌های فراوانی در این باره وجود دارد که تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود که «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید».

□ آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حائری می‌نویسد: «در داستان تنباکو، مرحوم میرزای شیرازی، فضلالی شاگردان خود را شب‌ها در بیرونی جمع می‌کرده است و آنها در موضوع تنباکو از لحاظ مصالح حکم تحریم و لوازم محتمله غیرمطلوب آن بحث می‌کرده‌اند و به صورت مکتوبی در می‌آمده است و مرحوم میرزا می‌برده است به اتاق خود و مطالعه می‌کرده است و گاهی حاشیه می‌نوشته است، مطلب به این جا می‌رسد که می‌گفتند:

می‌ترسیم به واسطه حکم تحریم، جان "میرزا" در خطر باشد، چون دست خارجی‌ها که طالب این امتیاز هستند، قوی است و باید برای این جهت نیز جوابی نزد خدا داشته باشیم.

مرحوم فشارکی جداً معتقد بوده است که در قبال این مصلحت مذهبی، جان مرحوم میرزا اهمیتی ندارد. لذا خود تنها می‌رود اندرون خدمت میرزا. پس از تعارفات عرض می‌کند که

۱. به نقل از حجة الاسلام انصاری کرمانی. (با به پای آفتاب، ج ۲، ص ۶۰)

شما حق استادی و تعلیم و تربیت و سایر حقوق بر من دارید، ولی خواهش می‌کنم به اندازه چند دقیقه مثلاً از حقوق خود صرف‌نظر فرمایید که من آزاد صحبت کنم.

آقای میرزا که خیلی مؤدب بوده است، می‌گوید: بفرمایید! مرحوم فشارکی به طور آزاد می‌گوید: سید چرا معطلی؟ می‌ترسی که جانت در خطر بیفتد. چه بهتر که بعد از خدمت به اسلام و تربیت علمی عده‌ای، به سعادتِ شهادتِ بررسی موجب سعادت شما و افتخار ماست!

مرحوم میرزا می‌فرماید: بلی آقا! من هم، همین عقیده را داشتم، ولی می‌خواستم به دست دیگری نوشته شود و امروز به سرداب مطهر رفتم و این حالت دست داد و نوشتم و فرستادم. این قسمت آخر به حسب آنچه در نظرم هست، به عین الفاظ نقل شده، "و الله المستعان و له الشکر علی وضوح الحجّة." ^۱

شایسته است درباره این فتوای تاریخی و سرنوشت‌ساز کندوکاو بیشتری شود. این فتوا از دو منظر تأمل‌پذیر است: یکی از منظر ادبیات به کار رفته در متن فتوا و دیگری از منظر پی‌آمدها و ثمرات فراوان آن به ویژه ختناسازی نقشه‌های پشت پرده دشمنان ایران.

درباره منظر نخست: در متن فتوا به جای استفاده از اصطلاحات فقهی واجب و حرام از اصطلاحات اعتقادی و کلامی استفاده شده و شگفت آن‌که مستقیماً بر روی اعتقاد به

۱. آیه‌الله شیخ مرتضی حائری، سرّ دل‌بران، ص ۹۹.

مهدویت انگشت نهاده شده است. در این فتوا به جای این که گفته شود: «الیوم استعمال توتون و تنباکو حرام و یا گناه عظیم و نابخشودنی است و یا جنگ با اسلام یا خدا و رسول است»، گفته شده: «در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است.» به کار گرفتن واژه «محاربه» (جنگ) به جای استفاده از «مرضی امام زمان علیه السلام نیست» و یا «مخالفت با امام زمان علیه السلام است» نیز در خور تأمل است. این ادبیات به روشنی نسبت سلطه بیگانگان بر اقتصاد ایران شیعی را با جنگ با امام زمان علیه السلام نشان می دهد و این چیزی فراتر از تطبیق قاعده نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱ بر مورد است و گویای جای گاه ویژه ایران شیعی در یاری امام زمان علیه السلام است.

درباره منظر دوم: این فتوا دست آوردهای متعدد و بسیار ارزش مندی به همراه داشته است، هم چون: خودباوری و غروری ملی، کاربرد دین و قدرت مرجعیت در عرصه سیاست، بیداری ایرانیان و در پی داشتن نهضت مشروطیت در سالهای بعد (حدود پانزده سال). اما از همه اینها مهم تر رو شدن نقشه های پلید و خواب های شوم استعمارگر پیر در از بین بردن استقلال و هویت فرهنگی ایران اسلامی است. انگلیسی ها در پی آن بودند که با این قرارداد بر سر ایران همان بیاورند که با قرارداد کمپانی هند شرقی بر سر هندی های بیچاره آوردند. در آن جا به بهانه حمایت از دارایی های خود، به وارد کردن قشون پرداختند و

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

بعدها به همین بهانه در هیئت حاکم هندوستان داخل شدند و کردند آنچه خواستند. درباره ایران هم پس از قرارداد رژی، سیل بزرگی از نیروهای نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی انگلیس، تحت عنوان کارکنان و کارگران و وابستگان شرکت رژی به ایران سرازیر شدند و در قلعه‌ها و مکان‌هایی استقرار یافتند. آنان سلاح‌های زیادی نیز به همراه داشتند و اگر نبود مرجعیت بیدار شیعه و تدبیر بلند امام زمان علیه السلام، ایران هندوستان دیگری برای انگلیسی‌ها می‌شد.

این واقعه سرنوشت‌ساز یک‌بار دیگر نشان داد که ایران دارای جای‌گاه و موقعیت ویژه‌ای در امر زمینه‌سازی ظهور است و راه ظهور حضرت و تشکیل حکومت جهانی آن بزرگوار از طریق ایران شیعی و محوریت آن به عنوان «شیعه‌خانه امام زمان علیه السلام» می‌گذرد. به شهادت تاریخ و روایات متعدد، حفظ استقلال، سرفرازی، توانمندی و قدرت ایران شیعی از مهم‌ترین اهداف و خواسته‌های حضرت ولی عصر علیه السلام است؛ «بخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه»^۱

سخنان امام راحل نیز در همین زمینه بهترین گواه است: «انقلاب مردم نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و همه جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»^۲

۱. برای آگاهی از منابع این روایت نبوی، نگاه کنید به: همین نوشتار، ص ۲۱. گفتنی است که مراد از «مشرق» در این روایت به چندین دلیل، کشور ایران است. (نک: سید اسدالله هاشمی شهیدی، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۵۳ - ۱۶۹).

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیةالله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود.»^۱

«ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستم‌گران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی ﷺ است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان - ارواحنا فداء - هموار می‌کنیم.»^۲

«مسائل اقتصادی و مادی، اگر لحظه‌ای مسئولان را از این وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.»^۳

□ آیه‌الله میرزامهدی اصفهانی از قول استاد خود حضرت آیه‌الله نائینی چنین نقل می‌کند: «در دوران جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط قوای انگلیسی و روسی، که حملات و هجوم‌ها به ملت شیعه اوج گرفته بود، آیه‌الله نائینی خیلی پریشان بودند و نگران از این که این وضع به کجا خواهد انجامید، نکنند

۱. همان، ج ۱۵، ص ۶۲.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۳۴۵.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

که این کشور محب و دوستدار امام زمان علیه السلام از بین برود و سقوط کند.

در همین زمان‌ها، شبی به امام عصر علیه السلام متوسل می‌شوند و در حال توسل و گریه و ناراحتی به خواب می‌روند و خواب می‌بینند دیواری است به شکل نقشه ایران و این دیوار ترک برداشته و خم شده و در حال افتادن است. در زیر این دیوار، یک عده زن و بچه نشسته‌اند و دیوار دارد روی سر اینها خراب می‌شود.

آقای نائینی وقتی این صحنه را می‌بینند به قدری نگران می‌شوند که فریاد می‌زنند و می‌گویند که خدایا این وضع به کجا خواهد انجامید؟

در این حال می‌بینند که حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف آوردند و انگشت مبارکشان را به طرف دیواری که خم شده و در حال افتادن بود، گرفتند و آن را بلند کردند و دو مرتبه سر جایش قرار دادند و بعد فرمودند: این جا شیعه‌خانه ماست. می‌شکند، خم می‌شود، خطر هست، ولی ما نمی‌گذاریم سقوط کند، ما نگاهش می‌داریم.»^۱

□ مرحوم حجة الاسلام سید محمد کوثری علیه السلام نقل می‌کند: «یک روز من در منزل آقای آية الله فاضل لنکرانی از استادان حوزه علمیه قم بودم و یکی از فضلاء مشهد آن جا بودند. ایشان به نقل از یکی از دوستانشان نقل کردند که در نجف اشرف در خدمت امام بودیم و صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم این

۱. فرازهایی از تجلیات امام عصر علیه السلام، ص ۵۴؛ میر مهر، ص ۲۵.

چه فرمایش‌هایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می‌فرمایید؟ یک مستأجر را نمی‌شود از خانه بیرون کرد، آن وقت شما می‌خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ امام سکوت کردند. من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده‌اند. سخنم را تکرار کردم. امام برآشفتنند و فرمودند: فلانی چه می‌گویی؟ مگر حضرت بقیة‌الله صلوات الله علیه به من (نستجیر بالله) خلاف می‌فرماید؟ شاه باید برود و همان هم شد و شاه از مملکت بیرون رفت.^۱

□ آیه‌الله خزعلی می‌گوید: «۲۱ بهمن ۵۷ یوم‌الله بود. واقعاً ما در معرض کشته شدن بودیم؛ فقط ندای ولی‌عصر علیه‌السلام به داد ما رسید. فردی که الآن زنده است، پیام برد به دبیرستان علوی (خدمت امام امت)، گفت: حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرمایند: در خانه نمانید. اگر ماندید، کشته می‌شوید. لذا امام خیلی محکم فرمود: در خانه نمانید. آقای طالقانی به امام عرض کرد: آقا! مردم را درو می‌کنند. اینها عصبانی هستند، آخر کارشان است.

امام فرمود: باید بیرون بریزند. ایشان (آقای طالقانی) خیلی اصرار کرد. امام فرمود: اگر پیام از جای دیگری باشد، باز (بر) سر حرف خود ایستاده‌اید؟ (آقای طالقانی) گفت: چشم، تسلیم هستیم. لذا ۲۱ بهمن یوم‌الله است.^{۲ و ۳}

۱. پا به پای آفتاب، ج ۵، ص ۱۷۱.

۲. آیه‌الله خزعلی، درس تفسیر قرآن، مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۱۱/۲۳.

۳. آقای مرتضایی فرد، نقل می‌کند: «روز ۲۱ بهمن که امام اذن دادند مردم در خیابان‌ها بریزند، چون ما حکومت نظامی نداریم، این جریان را به مرحوم آیه‌الله طالقانی اطلاع دادند. در آن‌جا من در خدمت ایشان بودم. آیه‌الله طالقانی از منزلشان به امام در مدرسه علوی تلفن

□ حکایت نجات شیعیان بحرین در زمان تسلط پرتغالی‌ها و نجات آنان توسط امام زمان علیه السلام از توطئه خطرناک وزیر حاکم، در تاریخ بحرین مشهور است. خلاصه آن حکایت شنیدنی چنین آمده است: «وزیر گفت: ای امیر مصلحت در این است که اکابر اهل بحرین را احضار فرمایی و مأمور داری به این‌که یا در خصوص این انار جواب کافی گویند و یا آن‌که ترک مذهب شیعه کرده و در مذهب دیگر درآیند و یا آن‌که مانند اهل ذمه قبول جزیه نمایند و چون از عهده جواب بر نیایند، لاعلاج در مذهب والی در آیند و در آن، والی را اجری عظیم باشد و اگر قبول جزیه نمودند، ایشان را خواری و ذلت باشد و اگر از آن هم امتناع نمایند، مردان ایشان را باید کشت و زنان ایشان را اسیر و اموال ایشان را تصرف نمود.

والی از این رأی خوشش آمد. امر به احضار علما و اکابر اهل بحرین نمود و پس از حاضر نمودن انار، ایشان را منخیر کرد میان امور مذکوره. اهل بحرین چون این شنیدند، حیران و ترسان گردیدند. لاعلاج سه روز مهلت خواستند...

زد و مدت نیم تا یک ساعت با امام صحبت کرد. برادران بیرون از اتاق بودند. فقط می‌دیدند که آیه‌الله طالقانی مرتب به امام عرض می‌کند: آقا شما ایران نبودید، این نظام پایید است، به صغیر و کبیر ما رحم نمی‌کند، شما حکمتان را پس بگیرید. برادران یک وقت متوجه شدند که آقای طالقانی گوشی را زمین گذاشته و به حالت تأثر در گوشه اتاق نشست. بعد از لحظاتی خدمت ایشان رفتند و با این تصور که احیاناً امام به ایشان تندی کرده‌اند، گفتند: آقا چرا شما دخالت می‌کنید و از این قبیل حرف‌ها و با اصرار از آیه‌الله طالقانی جریان را سؤال کردند. ایشان گفتند: هرچه به امام عرض کردم، حرف مرا رد کردند و وقتی دیدند من قانع نمی‌شوم، فرمودند: آقای طالقانی شاید این حکم از طرف امام زمان علیه السلام باشد. این را که شنیدم دست من لرزید و با امام خداحافظی کردم؛ زیرا دیگر قادر نبودم سخنی بگویم.» (برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۱۵۸)

محمد بن عیسی مردی صاحب فضل و تقوا بود. او سر و پای خود را برهنه نمود و به امام عصر استغاثه کرد ... ناگهان شخصی را در نزد خود حاضر دید که به او خطاب فرمود: "ای محمد بن عیسی! تو را چه می‌شود؟ غم منخور! منم مولای تو؛ صاحب‌الزمان و آقای درماندگان. ای پسر عیسی! دل‌تنگ مباش که در خانه آن وزیر، لعنه الله، درخت اناری باشد، چون آن درخت بار آورد وزیر قالبی از گِل به صورت انار ساخته و آن را دو نیمه کرده و ... ای پسر عیسی! به والی بگو: در میان این انار به غیر از دود و خاکستر چیز دیگری نباشد."

محمد بن عیسی شاد و مسرور گردید و از تأخیر جواب پرسید. آن حضرت فرمودند: "اگر یک شب مهلت می‌خواستید، همان شب به مقصود می‌رسیدید." ^۱

□ آیه‌الله وحید خراسانی می‌گوید: «قبل از رفتن به نجف، استادی در مشهد داشتیم که با او بحث خصوصی داشتیم که عده‌ای از مشایخ آن زمان در آن بحث بودند، همین دکتري که صاحب قصه است نیز شرکت می‌کرد.

ماجرا را هم از او و نیز از مرحوم شیخ علی‌اکبر نهانندی و مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر نوغانی که هر دو از بزرگان و علما بودند و از خود او شنیده بودند، شنیدم. مختصر قصه این است: دکتر گفت: من در فتنه حمله روس‌ها به ایران در آن‌جا جراح بودم. یک روز تیرخورده‌ای آمد و گفت: دکتر! زود جراحی کن.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸؛ شیخ محمود عراقی، دارالسلام، ص ۴۹۲؛ نجم‌الثاقب، ص ۴۲۸، حکایت ۴۹.

گفتم: جراحی به این سادگی نیست، باید بی‌هوش شوی و تخدیر گردی بعد عمل کنم.

گفت: تو وسایل جراحی را بیاور و منتظر نباش.

مثل انسان مقهوری که از خود اراده ندارد، آوردم. خوابید و گفت: «بسم الله النور.» و دو - سه کلمه دیگر آهسته گفت. دیدم مثل مرده‌ای افتاده است.

دکتر چون خودش اهل فن بوده، فهمیده که او خلع کرده، یعنی روح را از بدن تجرید نموده و خارج کرده است. او را جراحی می‌کند و تیر را بیرون می‌آورد. او گفت: تمام که شد، بخیه‌ها را که زدم دیدم لب‌ها آهسته به هم خورد و همان کلمات را گفت و نشست. فهمیدم گوهری پیدا کردم با او سر و سرّی پیدا نمودم تا وقتی که فهمیدم چکاره است.

روشن شد که رابطه‌ای با محبوب دل‌ها، امام زمان - ارواحنا فداه - دارد. گفتم: خدمتش رسیده‌ای؟

گفت: هیهات! هیهات! ما کجا و او کجا؟

گفتم: پس سمّت چیست؟

گفت: من مأمورم این‌جا باشم.

گفتم: آیا نظری به این مردم نمی‌کنند؟ لشکر روس و آذربایجان؟ و این مصیبت قابل تحمل نیست!

وقتی این مطلب را گفتم، گفت: مهم نیست، بروند.

فقط همین کلمه را گفت که بروند. گفت و حرکت کرد و رفت.

عصر، از مرکز روسیه، تلگراف آمد که لشکر روس فوراً برگردد.

لشکر بدون هیچ وقفه‌ای هرچه بود برداشتند و همان شب رفتند. فردا گم شده را پیدا کردم. فهمیدم به یک کلمه که گفت بروند، کار تمام شد. اراده قاهره نافذه، این است! به یک کلمه، قیامت کرد.

پرسیدم: آیا تو خود وجود مبارک حضرتش را می‌بینی؟
گفت: هیهات! من به هفت نفر واسطه‌ام که آنها وجود مبارکش را می‌بینند.

آری! آن اکسیر اعظم، تلاقی با آن هفت نفر پیدا کرده و آنها کبریت احمر شده‌اند، باز آن کبریت احمر بر خورد به این شخص پیدا کرده و شده طلای ناب انسانیت.

باید گفت: ای آقا! افسوس که نه تو را شناختیم و نه حرمتت را پاس داشتیم، تو کجایی که الآن همه جایی!...»^۱

□ آیه‌الله شهید محمد صدر از استاد خود آیه‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر و ایشان از استاد خود حضرت آیه‌الله خوئی و ایشان از یکی از مؤمنان موثق و بسیار متدین و باتقوا (شیخ محمد کوفی) چنین نقل می‌کند: «در بعد از ظهر یکی از روزها در مسجد کوفه در امتداد دیوار آن راه می‌رفتم که دیدم در جلو ایوان مسجد فرشی گسترده شده و روی آن شخص بزرگ‌واری خوابیده و در کنارش شخص دیگری نشسته است. از وجود آن

۱. این داستان را در روز چهاردهم ماه شعبان ۱۴۱۵ آخر درس، در مسجد اعظم بیان فرمودند. نظیر همین مورد حکایات شنیدنی دیگری نیز هست که جهت آگاهی از آن نک: در محضر لاهوتیان، ص ۳۴۰-۳۵۷؛ زند عالم‌سوز، ص ۵۶.

دو شخص تعجب کردم و از آن‌که نشسته بود، پرسیدم: این کیست؟ پاسخ داد: آقای عالم. پاسخ او را جدی نگرفتم و گمان کردم که مقصودش این است که او آقای عالم (دانش‌مند) است؛ زیرا عوام الناس در آن محل، عالم را عالم تلفظ می‌کنند.

سپس رفتم وضو گرفتم و در محراب مسجد کوفه مشغول نماز مغرب و عشا و خواندن نافله شدم. پس از انجام اعمال خوابم گرفت و همان‌جا خوابیدم. وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم تمام مسجد روشن و نورانی است. آن‌قدر روشن که می‌توانستم خطوط قرآنی را که بر دیوار آن طرف مسجد نوشته شده بود، بخوانم. گمان کردم که فجر طالع شده و خورشید برآمده، بلکه چیزی هم از روز گذشته و بیشتر از اندازه خوابیده‌ام. رفتم وضو بگیرم که دیدم بر روی سکوی وسط مسجد، عده‌ای به نماز ایستاده‌اند و آن «سیدالعالم» (آقای جهان) پیش‌نمازشان است و مردم زیادی از ملیت‌های گوناگون به او اقتدا کرده‌اند و در میان آنان، شخصی بود که او را عصر روز قبل در کنار آن آقا دیده بودم. از دیدن این عده به شدت شگفت‌زده شدم. سپس وضو گرفتم و به جماعت پیوستم و دو رکعت نماز صبح را با آنها خواندم. بعد از اتمام نماز، همان شخص گفته شده از جا برخاست و به طرف پیش‌نماز رفت و از او پرسید که آیا مرا هم با خود ببرند؟ وی پاسخ داد: نه! هرگز! او هنوز دو آزمایش در پیش دارد که باید آن دو را بگذراند.

ناگهان آن جمعیت ناپدید شد و مسجد را تاریکی فراگرفت و دیدم که هنوز صبح نرسیده و اندکی به طلوع فجر مانده است.^۱

□ آیه‌الله وحید خراسانی می‌گوید: «مرحوم حاج میرزا احمد کفایی پسر مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایة‌الاصول برای من نقل کرد: مادر ما مریض شد، هرچه کردیم نتوانستیم مادرمان را معالجه کنیم. به ما خبر دادند که یک سیدی در نجف پیدا شده و رَمَلِ غریبی دارد. ما به سراغ او رفتیم که پیدایش کنیم. در ایوان حضرت امیر علیه السلام بودیم که سیدی از پله‌ها پایین آمد. فهمیدیم که همان است. من و برادرم رفتیم مقابل او و من گفتم نیتی دارم.

گفت: نیت کن! تسبیح خودش را درآورد، طاق و جفت انداخت (مانند استخاره)، سپس گفت: نیت شما راجع به یک خانمی است که سرتاپای او مرض است و سه روز دیگر خواهد مُرد. ما مبهوت شدیم.

برادرم مرحوم آقازاده (او شخصیتی بود که وقتی اجازه اجتهاد می‌داد، همه مجتهدین نجف امضا می‌کردند) گفت: من هم نیتی دارم. گفت: نیت کن! تسبیح گرفت، طاق و جفت انداخت و

۱. آیه‌الله شهید سید محمد صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۱۳۳. شهید محمد صدر پس از ذکر این داستان می‌افزاید: این داستان چندین مسئله را برای ما روشن می‌کند که مهم‌ترین مسئله این است که این جمعیتی که حضرت دور خود جمع کرده و از گوشه و کنار دنیا گرد خود حاضر ساخته، بعد از آن‌که از آزمایش‌های الهی موفق و سرافراز بیرون آمده‌اند، توانسته‌اند با حضرت هم‌کاری و مشارکت داشته باشند، لکن این شخص با تمام موقعیت و تقوایی که دارد، هنوز به آن مرحله نرسیده که بتواند یاران و هم‌کاران حضرت باشد و لذا حضرت او را در کارهای خود شرکت نداده و او را با خود نبردند.

رنگش تغییر کرد. گفت این چه نیتی است؟ نیت تو راجع به کسی است که الآن مکه بود، الآن شام بود، الآن مدینه و... (مرتب می گفت الآن، الآن). بعد گفت: نیت تو راجع به کسی است که منظومه به دور سر او می چرخد، نیت تو راجع به امام زمان است. ما به او اصرار کردیم که این علم را به ما هم یاد بده! گفت: علم من هم راه با فقر شدیدی است که شما دو آقازاده، تحمل آن را ندارید.

رفتیم خدمت آخوند و جریان را گفتیم. ایشان متحیر شد و گفت: هر طور هست، او را پیدا کنید تا من او را ببینم.

من و برادرم تمام نجف را گشتیم ولی دیگر سید را ندیدیم.^۱
 □ حضرت مهدی علیه السلام در پیامی به نایب خود آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی چنین می فرماید: «ارخص نفسک و اجعل

۱. میر مهر، ص ۲۴۳-۲۴۵. ناگفته نماند که در این داستان به دو بُعد از آثار امام اشاره شده است: یکی آثار «وجودی» حضرت و وساطت آن بزرگوار در افاضه فیض (منظومه به دور سر او می چرخد) و دیگری آثار «شخصیتی» آن حضرت (الآن شام، الآن مدینه، الآن...). حضرت آیه الله وحید خراسانی در ادامه این داستان می فرماید: «این که او گفته: همه دور سر او می چرخند، اگر منظومه دور او می چرخد، یعنی تمام کهکشانها دور او می چرخد. تمام این نشئه، پروانه است، شمع، فقط اوست. اگر مرکز به هم بخورد، دیگر دایره نیست. در او چه گوهری است که این اثر را در نظام عالم دارد؟ منتها هنوز به آن حد نرسیده که ما بفهمیم. این لبها که تکان می خورد، حرفها که به گوشها می خورد و به مغز می نشیند، همه اینها (مغز گوینده، مغز شنونده، لبها...) همه تحت اشرف اوست، پس غیبتی برای او نیست. نزدیک تر از ما به ما اوست. اما، ما به درک این مطلب نرسیدیم. همه قائم به چه کسی هستیم؟ قیوم ما ذات قدوس حق است. این همه خواندیم و نفهمیدیم. امیرالمؤمنین علیه السلام یدالله است، یعنی به وسیله او، قیوم افاضه فیض می کند، قیوم ما، خداست. اما آن یداللهی که به وسیله او، آن قیوم، افاضه فیض می کند، صاحب الزمان علیه السلام است. خواب، بیداری، نطق و سکوت ما همه تحت اشرف اوست. پس باید فهمید موضوع داستان کیست!»

مجلسک فی الدهلیز و اقض حوائج الناس، نحن ننصرک؛^۱ خودت را راحت در دسترس مردم قرار بده، محل نشستنت را در دالان خانه انتخاب کن (تا مردم، سریع و آسان، با تو ارتباط داشته باشند) و حاجت‌های مردم را برآور ما یاری‌ات می‌کنیم.»

□ سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان می‌گوید: «روزی به هم‌راه شورای حزب‌الله لبنان محضر مقام معظم رهبری بودیم. اوج سختی و تنگنای ما بود و خیلی به حزب‌الله سخت می‌گذشت. کنفرانس شرم‌الشیخ هم صورت گرفته بود. همه توطئه‌ها شده بود که حزب‌الله را نابود کنند. موقعی که ما با رهبر معظم جهان اسلام دیدار داشتیم، ایشان به ما امید دادند و فرمودند: شما پیروز می‌شوید، این چیزها زیاد مهم نیست. سپس اضافه کردند: من در اداره امور کشور بعضی وقت‌ها حل مسائل برایم دشوار می‌شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی‌شود، به دوستان و اعوان و انصار می‌گویم که آماده شوید به جمکران برویم. راه قم را در پیش می‌گیریم و راهی مسجد جمکران می‌شویم، بعد از راز و نیاز با آقا، من احساس می‌کنم همان‌جا دستی از غیب مرا راه‌نمایی می‌کند و من در آن‌جا به تصمیمی می‌رسم و مشکل بدین‌صورت حل می‌شود و همان تصمیم را عملی می‌کنم.»^۲

ختمه مسک

□ بیانات امام راحل علیه‌السلام:

«نباید بیدار شوند آنهایی که توجه به معنویات ندارند و به این غیب ایمان نیاوردند؟ کی این هلی‌کوپترهای آقای کارتر را که

۱. عنایات حضرت مهدی علیه‌السلام به علماء و طلاب، ص ۱۴۱.

۲. به نقل از آیه‌الله کعبی، عضو مجلس خبرگان رهبری. (نمایشگاه آب، آیین، آفتاب، ص ۱۱)

می خواستند به ایران بیایند ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شن‌ها ساقط کردند. شن‌ها مأمور خدا بودند، باد مأمور خداست. قوم عاد را باد از بین برد، این باد، مأمور خداست. این شن‌ها همه مأمورند...»^۱

«شما می دانید که این پیروزی به دست آمده است، لکن این، من نبودم که این پیروزی را به دست آوردید به واسطه من. این خدای تبارک و تعالی، در سایه امام زمان علیه السلام ما را پیروز کرد...»^۲

«این حقیقتی است که باید اعتراف کرد قلعه محکمی بود که احتمال فتح آن نمی شد... ملت، با نداشتن هیچ ابزار و ساز و سلاح در مملکت، بر ابرقدرت‌ها و بر قدرت شیطانی - که تا دندان مسلح بودند - غلبه کرد و لکن این، من نبودم که این غلبه را نصیب شما کردم؛ این خدای تبارک و تعالی بوده... یک کشور سی و چند میلیونی - با این اختلاف گروه‌ها، با اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور - آنها همه مجتمع شدند و همه با هم، دست به هم دادند و یک مطلب را خواستند و آن این که یک دست غیبی در کار است، خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان علیه السلام»^۳

«ما در این نهضت، منت از خدا و امام عصر می کشیم. حقایق نباید مخفی یا مبهم بماند. این قیامی که از ۱۵ خرداد شروع شد و تاکنون باقی است و امید است باقی باشد تا همه اهداف اسلام

۱. همان، ج ۷، ص ۲۸۱.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۷۳.

جامه عمل بپوشد، قیامی اسلامی است، قیامی ایمانی است، پیرو هیچ قیامی نیست... این اسلام است که غلبه کرد بر ابرقدرت‌ها، این اسلام است که فرزندان او به شهادت راغب هستند... این دست غیبی الهی بود که مردم ایران را در سرتاسر، از بچه دبستانی تا پیرمرد بیمارستانی با هم هم‌صدا و هم‌مطلب کرد... هیچ بشری قادر نیست که همچو بسیجی بکند، هیچ ملتی نمی‌تواند این‌طور بسیج شود. قدرت ایمان، قوه اسلام، قدرت معنوی ملت، این پیروزی را به ما ارزانی داشت.

ما منت از خدای تبارک و تعالی می‌کشیم، ما منت از ولی عصر می‌کشیم که پشتیبانی از ما فرمودند. نباید ابهامی در قضایا باشد. اگر چنان‌چه ابهامی در قضایا باشد یا بخواهند منحرف کنند این نهضت اسلامی ما را، منتهی به شکست خواهد شد، خیانت به ملت است، خیانت به اسلام است.»^۱

«روی موازین مادی، روی موازین عادی، باید با یک یورش، ما از بین رفته باشیم. باید همه ما یک لقمه آنها باشیم. و لکن قدرت ایمان، پشتیبانی خدای تبارک و تعالی، اتکال به

۱. همان، ج ۳، ص ۴۱۷-۴۱۸. پیش از آن نیز در آستانه انتقال از تهران به قم (۵۷/۱۲/۱۹) در پیام به ملت ایران فرمودند: «در این موقع که قصد تشریف به قم، حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام را دارم، لازم است از ملت بزرگ ایران عموماً تشکر نمایم. الحق، به همت والای این ملت رنجیده بود که با اتکال به قدرت لایزال الهی و اعتماد به ولی‌عصر علیه‌السلام، پیروزی بر قدرت‌های شیطنی حاصل شده.» (همان، ص ۳۵۶) نیز در ۲۴ بهمن ۵۷ (دو روز پس از پیروزی انقلاب) در پیام خویش به ملت ایران، از آنان به عنوان سربازان امام عصر یاد کردند و فرمودند: «اهالی محترم ایران، جنود اسلامی ولی‌امر علیه‌السلام! نگذارید اسلحه به دست مخالفان اسلام بیفتد؛ فرصت به دشمنان ملت و خدای متعال ندهید.» (همان، ص ۳۷۵)

ولی عصر^{علیه السلام}، شما را پیروز کرد. برادران من! از یاد نبرید این پیروزی را. این وحدت کلمه‌ای را که در تمام اقشار ایران پیدا شد، معجزه بود. کسی نمی‌تواند این را ایجاد کند. این معجزه بود، این امر الهی بود، این وحی الهی بود، نه کار بشر... این مطلب را که این جماعت ایران که با هم شدند، خدا پشتیبان آنها بود و الآن هم هست. کاری نکنید که عنایت خدا - خدای نخواستہ - کم بشود، کاری نکنید که برای ولی عصر ایجاد نگرانی بکنید. تفرقه نداشته باشید...»^۱

□ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی):

«امام زمان^{علیه السلام} امانت و گوهر درخشنده عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی‌گمان بیش از هر زمان، متوجه و مراقب این ملت است.»^۲

«جوانان عزیز، بسیجیان! یکی از آن خورشیدهای فرزندان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیة الله فی ارضه، به عنوان حجة الله علی عباده، به عنوان صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعف‌ها، گمراهی‌ها و گرفتاری‌هایش از انوار تاب‌ناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده می‌کند.

۱. همان، ص ۳۷۶-۳۷۸.

۲. سخنرانی در خطبه نماز جمعه، ۵۹/۱۰/۱۹.

امروز وجود مقدس حضرت حجت - ارواحنفاذ - در میان انسان‌های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است. چشم‌های ناقابل و تیره ما آن چهره ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند، اما او مثل خورشیدی درخشان است، با دل‌ها مرتبط و با روح‌ها و باطن‌ها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولیّ خدا، امام برحق، عبدصالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است.^۱

«خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند. بسیاری از نزدیک با او بیعت کرده‌اند. بسیاری از او سخن دل‌گرم کننده شنیده‌اند. بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیار دیگری بدون این‌که او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند. در همین جبهه جنگ تحمیلی، جوانانی که در لحظه‌های حساس، احساس نورانیت و معنویت کردند، لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کردند و شناختند و نفهمیدند، بسیارند. امروز هم همان‌طور است.»^۲

مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)

سید مسعود پورسیدآقایی

۱. سخنرانی در روز میلاد حضرت مهدی عج، ۷۸/۳/۹.

۲. همان.

سفید

فصل اول: تأملاتی در شناخت حضرت بقیه الله ﷺ

الف) جای گاه امام عصر ﷺ

□ امام عصر ﷺ تجلی همه خوبی‌ها و تمام انبیا و ائمه علیهم السلام است. زمانی که حضرت ظهور کنند، در اولین خطبه‌ای که خواهند خواند، به این مطلب تصریح می‌کنند که هرکس امام و پیامبری را می‌خواهد ببیند، به من نگاه کند. زیرا امام زمان ﷺ آرزوی دیرین تمام خوبان عالم از اولین و آخرین است. او چکیده همه زیبایی‌ها و رندها و کمالات انسانی است.

امام عصر ﷺ تجلی
همه خوبی‌ها و
تمام انبیا و
ائمه علیهم السلام است.

امام تجلی اسمای الهی است. واسطه فیض الهی است.^۱ فیض الهی هم که محدودیتی ندارد؛ برای همه، برای همیشه، بهترین‌ها و زیباترین‌هاست. (اسلام) مکتبی کامل است. همه را باید پاسخ می‌داد. از پیرمرد تا بچه به دنیا نیامده، از فیلسوف تا کارگر وسط مزرعه، هر کدام یک ظرفیت، نگاه و راهی دارند. به همه اینها

۱. «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بَعْدَ إِمَامِ لِسَاخَتَ» (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹) همان‌طور که در ادعیه نیز این حقیقت آمده است: «بیمنه رزق الوری، ووجوده ثبتت الأرض والسماء.» (مفاتیح الجنان، دعای عدیله)

باید پاسخ داده بشود. این نیست که ما وارد بشویم از زمان بچگی حالا بالاتر بیاییم برای دیدگاه‌های گوناگون. آنهایی که بر عدالت تأکید دارند و تجلی عدالت. آنهایی که روی عشق و محبت تأکید دارند و تجلی عشق و محبت. نقطه اوج هر ویژگی و صفتی را شما این جا می‌بینید. امام وارث همه خوبان عالم است.^۱

چقدر بشر از وجود ایشان غافل است!

□ حقیقت این است که همان‌گونه که قرآن مهجور است، پیامبر عزیز ما هم مهجور است و همان‌گونه که امام زمان ما مهجور است پیامبر عزیز ما هم مهجور است. با این‌که امام، امام است و امامت می‌کند و همه خیرات و برکات عالم به واسطه وجود ایشان است اما چقدر بشریت از وجود ایشان غافل است.^۲

□ به لطف خدا امروز بشریت به سرعت به این حقیقت پی می‌برد که سعادت بشر، عدالت، آرامش، عشق، محبت و همه آرزوهای بشر فقط و فقط در سایه حاکمیت انسان کامل میسر است. با این وضعیتی که ما امروز در جهان می‌بینیم، انسان‌های ناصالح، خودناساخته و اسیر شهوات چطور می‌توانند بشریت را به سعادت برسانند؟ کسی که در وجودش ذره‌ای اخلاق، ذره‌ای مکرمت‌های انسانی و عشق به بشریت وجود ندارد، چگونه می‌تواند بشریت را به سمت سعادت مدیریت کند؟

سعادت بشر، عدالت، آرامش، عشق، محبت و همه آرزوهای بشر فقط و فقط در سایه حاکمیت انسان کامل میسر است.

ذات نیافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش

۱. سخن‌رانی در دیدار با اعضای مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، ۱۳۸۵/۶/۴.

۲. سخن‌رانی در دیدار با منتخبین استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۸۵/۱/۶.

کسی که در وجودش عدالت، خداپرستی، معنویت، احساس مسئولیت، رها شدگی از دام شیاطین و شهوات نیست. امروز ما به لطف خدا می‌بینیم یک گرایش با شتاب فزاینده به سمت این آرمان در بشریت شکل گرفته است. مارکسیسم به تاریخ سپرده شد و لیبرالیسم هم امروز در صحنه عمل ناتوانی‌ها و ناکامی‌هایش آشکار شده است. امروز روزی است که ما بشریت را به حقیقت عالم هستی و به تنها راه و جریان حقیقی دعوت و متوجه بکنیم، غیر از این راهی وجود ندارد، تنها راه است و بسیار زیباست که دوستان ما شعار این نشست را «تنها راه» گذاشته‌اند. تنها راه نجات بشر است.^۱ تنها رودخانه زلال به سمت اقیانوس است. بقیه راه‌ها همه بر باطل و سقوط است. کسانی که وقتی می‌خواهند با مردم صحبت بکنند دستانشان را روی بمب می‌گذارند و حرف می‌زنند، اینها نمی‌توانند بشریت را هدایت بکنند.

انسان مصون از خطا و گناه و انسانی که در قله اخلاق و معنویت است او می‌تواند اخلاق و معنویت را در جان بشر جاری کند. این فلسفه امامت است... به مدعیان حقوق بشر، مدعیان آزادی و دموکراسی اعلام کرده‌ایم که آماده‌ایم در یک مناظره رودررو [افکار و عقایدمان را] عرضه کنیم، مشکلات جهان را ریشه‌یابی کنیم و راه حل ارائه بدهیم. شما بگویید ما هم

۱. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ؛ سلام بر تنها راهی که اگر کسی غیر آن را ببیماید، هلاک می‌شود.» (مصباح کفعمی، ص ۴۹۵؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب‌الامر ﷺ)

بگوییم و اجازه بدهیم بشریت انتخاب بکند. شما که معتقد به جریان آزاد اطلاعات هستید، شما که مدعی هستید انسان‌ها باید خودشان سرنوشت خودشان را تعیین بکنند. شما که مدعی حقوق بشر هستید. ما اعلام کردیم بدون سانسور، مشروط بر این‌که سانسور نکنند به خصوص برای مردم امریکا، اجازه بدهند همه بشریت بشنوند. چرا می‌خواهید همه مسائل جهان را با اسلحه حل کنید؟ چرا همه حیثیت، شخصیت و قدرت خودتان را از زرادخانه‌های هسته‌ای و شیمیایی می‌گیرید؟ چرا خیال می‌کنید با زور می‌شود مناسبات جهانی را اداره کرد؟ دوره زور و اسلحه به سر رسید.

تحت مدیریت انسان کامل، بشر از یک دوران گذشت و وارد دوران جدیدی شد.

من این‌جا عرض می‌کنم تحت مدیریت انسان کامل، بشر از یک دوران گذشت و وارد دوران جدیدی شد. امروز دوران اندیشه، منطق، فکر و فرهنگ است. اگر منطق و مبنایی دارید، چشم‌هایتان را باز کنید. باعث تأسف است، بعضی از اینها حتی میان مردم کشور خودشان هم مقبولیت ندارند، اما مدعی‌اند که نماینده جامعه جهانی هستند. این همان روحیه استکباری و خودبرتربینی است که خودشان را برتر از همه عالم می‌دانند و این ریشه همه مشکلات عالم، تبعیض‌ها و جنگ‌هاست. اندیشه مهدوی، امامت و علوی با این تفکر و روحیه مخالف است.

اندیشه مهدوی، امامت و علوی با تفکر و روحیه استکباری مخالف است.

ما با صدای بلند اعلام می‌کنیم که با حاکمیت این انسان‌ها بر جهان و با این شیوه مدیریت جهان مخالفیم. ما با روحیه ظلم، تجاوز، چپاول و فریب انسان‌ها و بی‌عدالتی مخالفیم. ما با این‌که

امریکا و انگلیس بخواهند خودشان را بر همه ملت‌ها مسلط کنند و ثروت و فرهنگ ملت‌ها را چپاول کنند، مخالفیم. اما اهل گفت‌وگو، منطق و استدلال هستیم. اگر منطق و استدلالی هست، بسم الله. البته من قبلاً هم گفته‌ام کسانی که دعوت‌ها را پاسخ نمی‌دهند، آنها سرنوشت خوبی ندارند. من دیدم که رئیس یکی از این کشورها همین جمله را بهانه کرده و گفته بله، رئیس جمهور ایران ما را تهدید کرد. نخیر، من شما را تهدید نمی‌کنم. همه عالم هستی شما را تهدید می‌کند، چون جریان عالم هستی علیه شما و ظلم است. حرکت عمومی عالم خداپرستی، عدالت، معنویت و پاکی است. این رودخانه عظیم در حال حرکت است و همه آلودگی‌ها را از جهان خواهد شست. شما که در عالم چیزی نیستید. لا مؤثر فی الوجود الا الله. شما در مقابل قدرت خدا عددی نیستید. ما شما را به راه راست، مسیر انبیا، توحید و عدالت دعوت می‌کنیم. این که فکر کنید در کاخ‌های شیشه‌ای بنشینید و بر بشریت فرمان‌روایی کنید تاریخش گذشت. دوران امپراتوری‌ها به سر آمد و دوران ملت‌ها آغاز شد.

جریان عالم هستی
علیه استکبار و
ظلم است.

دوران امپراتوری‌ها
به سر آمده و
دوران ملت‌ها آغاز
شده است.

این دعوت از روی دل‌سوزی برای شماست. ما نمی‌خواهیم شما بیش از این بی‌حیثیت و ساقط بشوید. نمی‌خواهیم بیش از این دستانتان به جنایت آلوده بشود. نمی‌خواهیم به نقطه غیر قابل برگشت برسید. این رحمت است نه تهدید. اما اختیار با شماست. آزادید که انتخاب کنید. ما علاقه‌مندیم که شما راه فلاح، رشد و حقیقت را انتخاب کنید، اما آزادید و ما مطمئنیم

تحولات عالم به سرعت به سمت حاکمیت اسلام ناب محمدی و حاکمیت توحید و عدالت در حال حرکت است.^۱

(ب) رسالت امام عصر علیه السلام

۱. تلازم رسالت حضرت بقیة الله علیه السلام با رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

برادران عزیز و خواهران محترم، امسال به نام مبارک و نامی رسول الله حضرت محمد مصطفی رحمة للعالمین، شاهد، مبشر و نذیر صلی الله علیه و آله و سلم نام گذاری شده است. او دعوت کننده به سوی خدا **﴿دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ﴾**^۲ و چراغ نورانی **﴿سِرَاجًا مُنِيرًا﴾**^۳ و سرچشمه همه زیباییها، نیکوییها و خیرات عالم است. پیامبر ما علاوه بر وظیفه پیامبری و ابلاغ پیام حق، خودشان اسوه حسنه بودند.^۴ یعنی تمام بشریت تا قیامت با تبعیت از او و با تلاش برای نزدیک شدن به کمالات آن وجود بی همتا خواهد توانست از تاریکیها و ضلالتها دور شود و به نور، تقوا، نجات و بهشت برین نزدیک گردد. مرتبه وجودی پیامبر عزیز ما آنچنان است که بشر و بشریت هر قدر در جهت نیل به مقامات بالایی کمال تلاش کند و هر مقدار مجاهدت کند، فقط به او نزدیکتر خواهد شد، اما هرگز به او نخواهد رسید، چرا که او اسوه است و تا ابد اسوه است و در قله کمالات حضور دارد. برای همه، با هر

۱. سخنرانی در همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱۳۸۵/۶/۱۵.

۲. سوره احزاب، آیه ۴۶.

۳. ادامه همان آیه.

۴. اشاره است به آیه ۲۱ سوره احزاب: **﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾**.

درجه‌ای از کمال الهی و انسانی او اسوه است و اسوه خواهد ماند. او شاهد بر همه بشریت است.^۱ او بر همه پیامبران نیز حجت و شاهد است. علاوه بر اینها، پیامبر عزیز ما فرمود: «مبعوث شدم که مکارم اخلاق را به کمال برسانم و تمام کنم.»^۲ این اتمام و اکمال اول‌بار و با تمام جلوه در وجود خود پیامبر متجلی است تا آن‌جا که حق تعالی او را این چنین ستایش می‌فرماید که «إِنَّكَ أَعْلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ»^۳ و بارها خداوند از اخلاق او سخن می‌گوید. در جایی می‌گوید اگر تو قلب سخت و غلیظی داشتی، مردم از تو فاصله می‌گرفتند^۴ یا می‌فرماید: «تو می‌خواهی خود را بکشی تا مردم ایمان بیاورند.»^۵ یا در جایی دیگر می‌فرماید: رسولی از خودتان فرستادیم. «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»^۶ آن‌چه موجب ناراحتی شما می‌شود، بر او سنگین است. «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»^۷ نسبت به هدایت و سعادت شما غم‌خوار و حریص است. «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»^۸ نسبت به مؤمنین رؤوف و مهربان است.

۱. اشاره است به آیه ۴۵ سوره احزاب: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا».

۲. مکارم الاخلاق، مقدمه، ص ۸؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۱.

۳. سوره قلم، آیه ۴.

۴. اشاره است به آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنْ حَوْلِكَ».

۵. اشاره است به آیه ۳ سوره شعراء: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ».

۶. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۷. همان.

۸. همان.

اینها جلوه‌هایی از مکرمت‌های اخلاقی پیامبر عزیز ماست. نکته دیگری که در این جا باید اشاره کنم، ولایت پیامبر عزیز اسلام است. البته ولایت، شعبه‌های گوناگونی دارد. یکی از این جهت که امر مولای ماست و باید از او تبعیت کنیم^۱ و بالاتر از این، این است که اختیار و انتخاب او بر اختیار و انتخاب ما اولاست^۲ و البته شعبه دیگر ولایت، ولایت معنوی است. بدین معنا که در پرتو نظر و توجه او نفوس ما و انسان‌ها تربیت و متعالی می‌شود. پیامبر باغبان نهال وجود انسان‌هاست. خداوند تبارک و تعالی با نگاه او به قلب ما نظر می‌کند، با دست او غل و زنجیرها را از روح و نفس انسان‌ها باز می‌کند، با نور او بر قلب ما می‌تابد، با علم او ما را در ردیف عالمان قرار می‌دهد، با حکمت او حکمت را در قلب جای می‌دهد و بر زبان حکیمان جاری می‌کند. خدا با تعلیم او تعلیم می‌دهد، با تربیت او رشد می‌دهد و به دست او انسان‌ها را تزکیه می‌کند. اینها تنها شمه‌ای از فضل، عنایت و رحمت خدا بر خلق است که با دست مبارک رسول و از چشمه همیشه جوشان وجود او بر بشریت جاری می‌شود.

برادران عزیز، خواهران محترم، آنچه گفته شد بخشی از شئون آن عزیز خلقت، آن رحمت بی‌پایان و آن محبوب دل‌هاست که در نظام ولایت و وصایت نیز جاری است. به جز

در پرتو نظر و توجه امام زمان (عج) نفوس ما و انسان‌ها تربیت و متعالی می‌شود.

۱. اشاره است به آیه ۵۹ سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

۲. اشاره است به آیه ۶ سوره احزاب: «الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَآمَنُوا بِرُسُلِهِمْ».

شأن رسالت و نبوت که با پیامبر عزیز ما خاتمه می‌یابد. در آن روز به یادماندنی تاریخ بشریت فرمود: «هرکه من مولای او هستم، علی مولای اوست.»^۱ و در ادامه پیدا جای دیگر فرمود: «من و علی نور واحدی هستیم.»^۲ این جریان نور ادامه پیدا کرده است تا امروز به مولی و سرور ما حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام رسیده است و او وارث همه این شئون است و در این سلسله وصایت و ولایت، این مقام به امام حاضر علیه السلام می‌رسد. او هم «داعیاً إلى الله... سراجاً»^۳ «و رحمة للعالمین»^۴ است. او هم شاهد بر امت، مبشر و نذیر است. او هم برای اتمام و اکمال اخلاق بشریت قیام خواهد کرد و هم اینک نیز هرچه از مکرمات‌های اخلاقی در بشر دیده می‌شود، حاصل تربیت و نگاه اوست. او کار پیامبر عظیم‌الشأن را تمام خواهد کرد و با توجه او عقل همه بشریت به کمال خواهد رسید. اوست که تزکیه نفوس می‌کند و با نفس مزکی و الهی و نگاه رحمت و ولایی خود انسان‌ها را تربیت می‌کند. اوست که غصه‌ها می‌خورد، «عزیز علیه ما عبتنم»^۵ و دائم شاهد احوال ما و احوال بشریت است. هرچه از نابسامانی‌ها، حق‌کشی‌ها و تجاوزها می‌بیند، غصه می‌خورد. او نمی‌تواند شاهد هدر رفتن خون مؤمنین و انسان‌های

پیامبر باغبان نهال
وجود انسان‌هاست.

امام با آن‌که ظاهر
نیست، حضور دارد
و دائم در پی
اصلاح است.

۱. «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶)

۲. «قال رسول الله ﷺ: خلقت أنا و علی من نور واحد.» (مالی صدوق، ص ۲۳۶)

۳. اشاره است به آیه ۴۶ سوره احزاب: ﴿وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا﴾.

۴. اشاره است به آیه ۱۰۷ سوره انبیاء: ﴿وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾.

۵. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

بی‌گناه و ضایع شدن حقوق انسان‌ها و مظلومان عالم باشد. خدا می‌داند او چه غصه‌ها می‌خورد. ﴿حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾^۱ با آن‌که ظاهر نیست، اما حضور دارد و دائم در پی اصلاح است. البته در منطقه و محدوده‌ای که در دوران غیبت مؤثر است. همین جاست که باید دائم تلاش و دعا کنیم تا دست آن عزیز باز شود و آن‌چه را اراده می‌فرماید در دایره حضور و ظهور محقق فرماید. او نسبت به مؤمنین رئوف و رحیم است.^۲

۲. ولایت بر تحولات عالم

□ بعضی‌ها تصور می‌کنند امام مشغول زندگی شخصی خودش است، ما هم باید مشغول زندگی شخصی خودمان باشیم تا یک روز ظهور اتفاق بیفتد و ما حرکت کنیم. این هم جزء اندیشه‌های انحرافی است. امام حضور دارد، امام پیشرو و راه‌بر است. این‌که فرموده‌اند: «اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد بر مرگ جاهلیت مرده است»،^۳ معنایش این نیست که اسم، فامیل، اجداد و تاریخ تولد را بشناسیم. لازمه شناخت پیروی، توجه، ارتباط روحی، دنبال کردن و پیدا کردن است. ما باید بدویم تا به امام برسیم. باید بدویم تا به حکومت امام برسیم. این‌طور نیست که ما بنشینیم تا امام بیاید؛ باید رفت تا به امام رسید. انسان منتظر با انسان غیرمنتظر متفاوت است.

بعضی‌ها تصور می‌کنند امام مشغول زندگی شخصی خودش است!

۱. همان.

۲. سخن‌رانی در همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ۱۳۸۵/۶/۱۵.

۳. «قال رسول الله ﷺ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَغْرِفْ إِمَامًا زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ.» (وسائل الشیعة، ج ۱۶،

نظام هستی دقیق‌ترین و منضبط‌ترین نظام است. تقسیم کار بسیار خوب و مدیریت عالی و برجسته در آن است. بعضی‌ها خیال می‌کنند بشر رها شده است. می‌گویند ما تو را رها کردیم برو دیگر. این‌طور نیست. دقیق‌ترین و زیباترین مدیریت بر عالم و بشر دارد اعمال می‌شود. داریم می‌بینیم. اگر مدیریت اعمال نمی‌شد امروز یزید منفور نبود و امام حسین علیه السلام محبوب دل همه ملت‌ها نبود؛ یعنی در عالم مدیریت اعمال می‌شود. اگر مدیریت اعمال نمی‌شد چیزی به نام حق یا باطل و عدالت یا ظلم وجود نداشت. اصلاً مفهومش هم وجود نداشت. این‌که این مفهوم زنده و جذاب است و طالب دارد، به معنای آن است که دارد مدیریت اعمال می‌شود.^۱

باید بدویم تا به حکومت امام برسیم. باید رفت تا به امام رسید.

□ بگذارید یک مقدار جلوتر [برویم]. این‌که می‌بینید قدرت‌های فاسد خودشان به دست خودشان رسوا می‌شوند و از چشم ملت‌ها می‌افتند، مدیریت دارد اعمال می‌شود. هم سنت‌ها، هم قوانین و هم مدیر هست. مدیر عالم امام عصر است. به اذن و با اجازه خدا، عالم و بشریت را مدیریت می‌کند^۲ و این شب‌ها شب‌های پیوند با امام است، چرا که پرونده ما در اختیار امام

دقیق‌ترین و زیباترین مدیریت بر عالم و بشر دارد اعمال می‌شود.

۱. سخن‌رانی در دیدار با اعضای مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، ۱۳۸۵/۶/۴.

۲. اراده و خواست حضرت در طول اراده الهی است. امام زمان علیه السلام در حدیثی می‌فرمایند: «دل‌های ائمه ظرف خواست خداوند است و خواست ما محدود و مقید به خواست اوست و ما مطیع او هستیم (و ما تشائون الا ان یشاء الله)» (شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۴۶) در زیارت امام حسین علیه السلام نیز که با حدیث صحیح روایت شده چنین آمده است: «ارادة الرب فی مقادیر اموره تهبط الیکم و تصدر من بیوتکم؛ اراده خداوند در تقدیر امور بندگانش به سوی شما (از آسمان مشیتش) فرود می‌آید و از منازل شما برای خلق صادر می‌شود.» (اصول کافی، ج ۴، ص ۵۷۷)

است. تقدیر هم به دست امام است. خدا این طور خواسته است. خلیفه خود را روی زمین گذاشته و امور زمین را به واسطه او اداره می‌کند.^۱

دعا کنیم، دل‌ها و روحان با امام پیوند بخورد. چون پیوند با امام یعنی پیوند با حقیقت هستی و همه سنت‌های خوب. چون امام تجلی و ساری و جاری همه زیبایی‌ها، خوبی‌ها، و آرمان‌های متعالی و ارزش‌هاست. نقطه کمال و تجسمش است. پیوند با امام یعنی حرکت در راه خوبی‌ها، ارزش‌ها و تعالی و کمال و این شب‌ها، شب‌هایش و این روزها، روزهایش است. سخت هم نیست به خصوص برای شماها. برای جوانان که اصلاً سخت نیست، دل‌هایتان پاک و زلال است به محض این‌که اراده کنید، اتصال برقرار می‌شود. تجربه کنید، صدا کنید، بعد ببینید چه اتفاقی می‌افتد. سلام بدهید ببینید چه اتفاقی می‌افتد. بخواهید، ببینید چه می‌شود. ما به این چیزها معتقدیم.^۲

۱. در فرازی از زیارت جامعه کبیره چنین آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبَطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خُزَّانِ الْعِلْمِ وَ مُتَهَيِّ الْجَلْمِ وَ أَصْوَلَ الْكِرَمِ وَ قَادَةَ الْأَمَمِ وَ أَوْلِيَاءَ السُّعْمِ وَ عَنَاصِرِ الْأَثَرِارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانِ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سَلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ؛ سلام و درود بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و محل رفت‌وآمد فرشتگان و جایگاه نزول وحی و معدن رحمت و خزانه‌داران علم و غایت بردباری و ریشه‌های بزرگواری و رهبران امت‌ها و سرپرستان نعمت‌ها و اساس و ریشه نیکان و ستون‌های [خیمه] خوبان و سیاست‌مداران **بندگان** و پایه‌های سرزمین‌ها و دروازه‌های ایمان و امانت‌داران [خدای] رحمان و عصاره انبیا و برگزیده رسولان و خاندان برگزیده پروردگار عالمیان و رحمت و برکات او بر شما باد.» (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰)

۲. سخن‌رانی در دیدار با جمعی از جان‌بازان و بسیجیان دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۵/۷/۲۵.

□ تدبیر امور عالم به دست امام است. امام امامت می‌کند. اگر ما نمی‌توانیم از همه وجود امام بهره ببریم، شأن امامت امام که تعطیل نمی‌شود. همان‌طور که حضرت سجاد علیه السلام در حکومت نبود، اما امام بود و مدیریت کرد و بشر را جلو برد. و این مدیریت لزوماً در حکومت اتفاق نمی‌افتد، بلکه اوج آن در حکومت اتفاق می‌افتد.^۱

تدبیر امور عالم به دست امام است.

□ یکی این ماجرای بود که به نیویورک رفتیم، یکی از آنها هم [مسئله توان] هسته‌ای است. می‌خواهم بدانید مدیریت از آن کیست؟ در خبرها بود که امسال رفتیم به نیویورک. سال گذشته که رفتیم، خانمی رئیس دانشکده‌ای، همین دانشگاه کلمبیا، قبل از این که برویم، نامه نوشته بود و به سفارت دعوت کرده بود.

نوشته بود ما از فلانی دعوت می‌کنیم بیاید در دانشگاه ما سخنرانی کند. پاسخ ما منفی بود، چون وقت، تنظیم نبود. دیدیم نمی‌شود، باید یک روز بیشتر در آنجا بمانیم. بعد که رفتیم، این خانم به محل اقامت ما مراجعه کرد. گفت فلانی این دعوت شخصی من نیست دعوت اساتید و دانشجویان این دانشگاه است. این‌ها می‌خواهند حرف‌هایتان را بشنوند. وقتی این را شنیدم، دیدم تکلیف است و پاسخ نباید منفی باشد؛ رفتیم. جمعه صبح، به وقت آنجا ساعت ۹ قرار گذاشته شد. ساعت ۱۱ شب جمعه پیغام دادند که دولت امریکا گفته است، نمی‌توانیم امنیت را برقرار کنیم. بعد، مصاحبه کردیم و گفتیم که دولتی که

دست عنایت امام زمان در خنثا شدن توطئه دانشگاه کلمبیا آشکار بود.

۱. سخنرانی در بازدید از دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵/۷/۲۸.

نمی‌تواند در نیویورک امنیت را برقرار کند، چطور می‌تواند در عراق امنیت برقرار کند. معلوم است چقدر آشفتگی در دنیا پیدا می‌شود و ریشه این در کجاست.

امسال که می‌خواستیم برویم آن‌جا، این‌ها یک دامی طراحی کردند که ما برویم در آن دام و از موضع دانشگاه و علم، یک کیف‌خواست علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی صادر کنند و زمینه را برای تعدی و تعرض خودشان بر ملت ایران آماده کنند. سه مرحله قرار داده بودند یا سه تور که در هر کدام بیفتیم، کار تمام باشد. ما رسیدیم به آن‌جا، هم‌کاران گفتند فلانی، یک هفته است سه شبکه تلویزیونی این‌جا به شدت علیه انقلاب و ملت ایران تبلیغ می‌کنند. تبلیغات بسیار قوی، بسیار پیچیده و بسیار تند و خشن.

این فضا را درست کردند تا ما انصراف بدهیم.

مسئولی به صراحت گفته بود فلانی برای چه می‌آید این‌جا، باید دستگیر و محاکمه شود. دیگری گفته این همانی است که می‌خواهد بمب اتم بسازد و امریکا را نابود کند؛ بیایید و اجتماع کنید، نگذارید سخن‌رانی کند. دیگری می‌گفت، با همین صراحت کلام، این رئیس دانشگاه غلط کرده است چنین جسارتی کرده، برای چه فلانی را دعوت کرده است.

برای چه این‌ها را تنظیم کردند؟ باور من این است که این فضا را درست کردند تا ما این فضا را ببینیم و انصراف بدهیم. به محض این‌که می‌گفتیم نمی‌آییم، شبکه‌های جهانی صهیونیستی شروع به تبلیغات می‌کردند و حرف‌هایی که آنها زده بودند، می‌شد تیتراژ یک اخبار دنیا علیه ملت ایران. بالاخره رفتیم آن‌جا دیدیم خیلی فضا سرد است.

چه کسی مدیریت کرد این صحنه‌ای را که آن‌ها همه هزینه‌هایش را داده بودند؟ چه کسی این را ۱۸۰ درجه برگرداند و علیه آن‌ها تبدیل کرد؟

تور دوم این بود که وقتی آن فضا و اهانت‌ها را ببینیم، انصراف بدهیم و جلسه را ترک کنیم. و تور سوم این بود که اعصابمان به هم بریزد و قادر به پاسخ‌گویی به آن حرف‌های بی‌ربط نباشیم. برای همه چیز هم فکر کرده بودند.

شاید جالب باشد که بشنوید بلیط‌ها را برای عده‌ای خاص توزیع کرده بودند. وقتی رسیدیم، عده‌ای مراجعه کردند، ایرانی و غیرایرانی، گفتند ما دانشجوی این دانشگاهیم اما به ما کارت نمی‌دهند برویم داخل. یعنی بلیط‌ها مخصوص عده‌ای خاص بود. از اروپا، صهیونیست‌ها نیرو آورده بودند. حتی وزیر رژیم صهیونیستی در آن‌جا بود، برای قرص و محکم کردن دل صهیونیست‌ها.

وقتی ما رفتیم آن‌جا، گزارش دادند ۲۷ شبکه جهانی مستقیماً خبر را پخش می‌کنند. همه طراحی‌ها را کرده بودند. کشوری که آن وضع دولت و موضع‌گیری‌های دولتش بر علیه ایران است. چه کسی مدیریت کرد این صحنه‌ای را که آنها همه هزینه‌هایش را داده بودند؟ چه کسی این را ۱۸۰ درجه برگرداند و علیه آنها تبدیل کرد؟

آقا یقین دارم که شما نوکران را در وسط این جبهه تنها نمی‌گذارد.

آن‌جا ۲۷ دقیقه آقای صحبت کرد. از اولین کلمه تا آخرش توهین بود. هرچه فحش بود، علیه ما فهرست کرد. بدترین کلمات را تنظیم کرده بود با همان هدف اولیه.

حال خودم را می‌گویم برایتان در آن‌جا، نشسته بودم و به آقای که اینها را می‌خواند، تبسم می‌کردم. بعد دوستان از من پرسیدند چرا می‌خندیدی؟ آن‌قدر فضا سنگین بود که دوستانی

که پایین نشسته بودند، یادداشت دادند که متن سخن‌رانی‌ات را کنار بگذار، جواب این توهین‌ها را بده. من می‌خندیدم. گفتم یک لحظه به یاد خدا می‌افتادم؛ به قدرت خدا، به حاکمیت خدا، به این‌که همه امور به دست خداست و اینها چقدر ذلیل و عاجزند. پیش خودم می‌گفتم خدایا چه سیلی‌ای می‌خواهی به اینها بزنی که این‌طور جسارت و بی‌ادبی می‌کنند؟

کمی می‌گذشت؛ یاد مولایمان حضرت ولی‌عصر می‌افتادم. عرض می‌کردم آقا می‌دانم که این صحنه را جمع‌وجور می‌کنم. یقین دارم که شما نوکرتان را در وسط این جبهه تنها نمی‌گذارید. اصلاً خودتان دارید مدیریت می‌کنید. با پای خودمان آمدیم. چه کسی صحنه را تنظیم کرده است؟ با خودم می‌گفتم بیا جلو؛ خوب داری می‌آیی. تازه در تیررس می‌آیی! و دیدید که چه شد. ما یک ریال هم خرج نکردیم. حتی ماشین‌هایی که ما را بردند، از آن خودشان بود. ما فقط دو ساعت وقت گذاشتیم. فکر می‌کردند برنامه‌شان کارساز شده است.

بلافاصله بوش پشت تلویزیون آمد، گفت خیلی خوب شد. ما نشان دادیم که کشور آزادی هستیم و احمدی‌نژاد هم باید بفهمد که امریکا هم خیلی کشور گنده‌ای است. تا دو سه ساعت بعد از این مراسم هم، همان آهنگ قبل از مراسم را اجرا می‌کردند.

اما به یک‌باره متوجه شدند که عجب! اوضاع در حال زیرورو شدن است. تلفن‌های سفارت، تمام آدرس‌های اینترنتی جایی که ما مستقر بودیم، اشغال بود؛ مردم خود امریکا تلفن می‌زدند که ما از شما عذرخواهی می‌کنیم، ما اینها را قبول نداریم و از آنها

بیزاریم. همین الآن هم برای ما می نویسند که تشکر می کنیم. شما ما را بیدار کردید. اینها نمی گذاشتند ما بفهمیم در دنیا چه خبر است. ادامه به کجا رسیده است؟ همین کاندیداهای ریاست جمهوری در امریکا هفت هشت ماه پیش، وقتی شروع کردند، همه در مقابل جمهوری اسلامی موضع می گرفتند، اما بعد از این حادثه، مسابقه گذاشتند از آن طرف حرف بزنند. نه این که از ما خوششان بیاید، البته امیدواریم اصلاح شده باشند، اما باورم این است که فشار ملت امریکا دست به گریانشان شده است.

این عین ناشکری
است که انسان
دست تدبیر
مولایش را ببیند و
تشکر نکند.

چه کسی تدبیر و مدیریت کرد این صحنه را؟ خیلی ناسپاسی است انسان این صحنه ها را ببیند و به حساب خود و گروهی و فلان شخصیت بگذارد. این عین ناشکری است که انسان دست تدبیر مولایش را ببیند و تشکر نکند. الآن در دنیا هر جایی که می رویم، این دست را می بینیم.

دیدید تصویرهای بولیوی را در قلب امریکای جنوبی؛ صد سال امریکایی ها نفتشان را می بردند و مردم در فقر کامل هستند. هفت شبکه تلویزیونی دارد که همه بر علیه ملت ایران است. وقتی رفتیم، دیدیم دریای جمعیت آمده است. در خیابان ها چه می گفتند؟ اولین حرفشان این بود: «زنده باد ایران» و حرف دومشان این بود: «فلانی محکم بایستید؛ ما با شما ایم».

جریان هسته ای
شدن. عرصه
مدیریت امام
زمان ﷺ است.

این دست را می بینیم. این حرف ها را من از هندوها، بودایی ها، مسیحی ها، یهودی ها، حتی از کسانی که بی دین هستند، شنیده ام و روزانه می شنوم.

موضوع دومی را که ما دست امام را در آن می‌بینیم، موضوع هسته‌ای است. اولین کشوری که هسته‌ای شد، امریکا بود. امریکایی‌ها رفتند در نیویورک، زیر یک استادیوم ورزشی، مخفیانه دستگاه‌ها را راه‌اندازی کردند و اتمی شدند. کشور دوم، شوروی بود. افرادش را فرستاد آن‌جا، اطلاعات را از آن‌جا بیرون کشید و اتمی شد، اما تحت فشار سنگین امریکا.

سومین کشور، انگلیس بود. وقتی می‌خواستند هسته‌ای شوند، امریکا و شوروی هر دو مخالف بودند. مدت‌ها طول کشید و بعد فرانسه بود.

دوازده سال مبارزه فرانسوی‌ها برای هسته‌ای شدن طول کشید و بعد هم، تعهدات فراوانی دادند تا آنها بپذیرند اینها هسته‌ای شوند. فرانسوی‌ها، مدعی پایه‌گذاری آزادی در دوران معاصرند. می‌گویند ما طرف‌دار حقیق و آزادیم اما آن‌قدر از آنها تعهد گرفتند که پای تمام جنایت‌های رژیم صهیونیستی را امضا می‌کنند. مطلقاً دولت آزادی نیستند.

بعضی‌ها هم ۲۵ تا ۳۰ سال است هسته‌ای شده‌اند، اما رها نشده‌اند؛ هنوز دارند تعهد می‌دهند، باز هم رها نشده‌اند. اما ملت ایران، به لطف امام در عرض دو سه سال، بدون این‌که تعهدی بدهد، بدون این‌که زیر بار زوری برود، بدون این‌که منت هیچ قدرت طاغی و طاغوتی بر دوشش باشد، به فضل الهی امروز هسته‌ای شده است. همه پذیرفته‌اند. آن یکی دو تایی آخر هم مجبور خواهند شد که اقرار کنند به حق ملت ایران.

خدا شاهد است در این نبرد سنگین، همه یک‌طرف ایستاده‌اند و ملت ایران، تنها، در یک طرف.

خدا شاهد است در این نبرد سنگین، همه یک طرف
ایستاده‌اند و ملت ایران، تنها، در یک طرف. روزهایی می‌شد که
از زمین و زمان برای ما طرح می‌آوردند که آقا شرایط خیلی
بحرانی است. همه راه‌ها بن‌بست است، خطر است، تحریم
است، جنگ است. خدمت دوستانمان عرض می‌کردم نگران
نباشید. مگر می‌شود خدا ما را در بن بست بگذارد؟ مگر می‌شود
مولایمان ما را تنها بگذارد؟ و بعد، از جایی که فکرش را
نمی‌کردیم، درها باز می‌شدند و قبل از ما، یک دستی امور را
تدبیر می‌کرد و می‌برد جلو. اما الآن چه؟ همه پذیرفته‌اند. چه
کسی ملت ایران را به این عزت رساند؟

مگر می‌شود
مولایمان ما را تنها
بگذارد؟

این که امروز این قدر عزیزید در دنیا، این که عشق به ولایت و
اتصال به ولایت، همه وجودتان را پر کرده است، این از یک
طرف لطف خداست، لطف امام است و از طرف دیگر، مسئولیت
و مأموریت است.

مأموریت ملت ایران در این دوران، بسیار سنگین و خطیر
است. دعوت به توحید و عدالت و پرچم‌داری عدالت، مأموریت
پیامبران است. خودش بالاترین مأموریت الهی است و این بر
عهده شماست. قدر خودتان را بدانید. متصل کردن دولت‌ها و
اقوام و گروه‌ها به این حقیقت، در این مکان، آسان‌تر و راحت‌تر
است. این جا کارها راحت‌تر انجام می‌شود. این جا ملائکه پیوسته
در ترددند. قدر خودتان را بدانید؛ بخصوص، روحانیون و
رؤسای کاروان‌ها. بدانید چه مأموریت عظیمی بر عهده شماست
و چه باید بکنید.^۱

۱. سخنرانی در سرزمین منا، جمعه ۱۳۸۶/۱۰/۷.

۳. نقش امام زمان علیه السلام در تربیت و رشد انسان‌ها

□ اگر بخواهیم مثال بزنییم، در مراتب بسیار نازل نقشی است که استادان و معلمان ایفا می‌کنند. چطور استاد یا معلمی استعدادهای دانشجو و دانش‌آموز را می‌شناسد، فرصت می‌دهد، تربیت می‌کند، راه را باز می‌کند، با لب‌خندش، بوسه‌اش و عطوفتش، عاطفه و مهر و محبت را در وجود انسان بالنده می‌کند و پرورش و پرورش و پرورش و رشد می‌دهد. امام هم همین کار را در مراتب بسیار بالا می‌کند. همه بصیرت‌ها، علم‌ها، کرامت‌ها و محبت‌ها در سایه بصیرت امام است. امام قله است. نگاه باید به امام باشد. همان که فرمودند: «اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، بر مرگ جاهلیت مرده است.»^۱ پیوند و ارتباط با امام هرچه بیشتر و قوی‌تر، بهره‌مندی بیشتر، حرکت سریع‌تر، رشد بیشتر و هرچه فاصله بیشتر، محرومیت هم بیشتر.^۲

با لب‌خندش، بوسه‌اش و عطوفتش، عاطفه و مهر و محبت را در وجود انسان بالنده می‌کند و پرورش و پرورش و پرورش و رشد می‌دهد.

□ عزیزان! همه عالم برای یک هدف خلق شده است. همه انبیا برای همان هدف آمده‌اند. همه مجاهدت‌های تاریخ برای همان هدف انجام شده است. اگر این هدف را برداریم، کل هستی بی‌معناست. کل تلاش و نهضت انبیا بی‌معناست. شهادت‌ها و مجاهدت‌ها و سختی‌ها و... همه بی‌معنا می‌شود. همه این عالم خلق شده تا در یک نقطه اوج یک اتفاق بزرگ بیفتد؛ یک اتفاق بزرگ. یعنی در همین دنیا کام بشر به عدالت و

کام بشر در همین دنیا به عدالت و معنویت شیرین می‌شود.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

۲. سخن‌رانی در هشتمین همایش علمی بسیج استادان دانشگاه‌ها (مشهد)، ۱۳۸۵/۴/۲۷.

معنویت کامل شیرین می‌شود. آمده تا یک روز در همه این کره ارض، پرچم خداپرستی برافراشته بشود. عدالت کامل در همه جا برقرار بشود. این نقطه اوج است. همه سنت‌های عالم دارند در این جهت حرکت می‌کنند.

مسیر کمال بشری در این جهت است. همه انبیا در این جهتند. گرچه یک مأموریت موضعی و مقطعی داشته‌اند، اما به خصوص انبیای اولوالعزم بشر را گامی به سمت این هدف جلو برده‌اند. ائمه ما همین کار را کرده‌اند. اصلاً نقش امام پیش بردن بشر است. جلو بردن به سمت آن قله. یکی پس از دیگری آمدند و با علم الهی و اخلاص کامل و شجاعت و تدبیر و با نور الهی راه را باز کردند و بشر را یک قدم جلو بردند. اصلاً هر تلاش و مجاهدتی که در این مسیر نباشد، فانی است. خارج از این بزرگ‌راه چیزی وجود ندارد. همه‌اش وهم است. آدم‌هایی آمده‌اند. زحمت کشیده‌اند. آنهایی که آمدند اندیشه سوسیالیستی را مطرح کردند و بعد مارکسیسم را بر پایه آن بنا گذاشتند، حکومت تشکیل دادند، جنگ کردند، سختی تحمل کردند و محو شدند. این همه جنگ در تاریخ اتفاق افتاد، این همه آدم کشته شدند. همه محو شدند، اما آنهایی که در این مسیر مجاهدت کردند و کشته شدند، مانده‌اند و الآن حاضرند.

الآن در فرهنگ و دل و اندیشه و زندگی ما حضور دارند. هرکس می‌خواهد باقی باشد، باید به این کاروان بپیوندد. یک رودخانه عظیم و زلالی است و دارد به سمت اقیانوس می‌رود. هرکس خودش را به این رودخانه زلال بسپرد، یعنی هم‌راه همه

نقش امام،
پیش بردن بشر به
سمت قله است.

لازمه شناخت این
است که
کاروان سالار را
بشناسیم. چه کسی
دارد مدیریت
می‌کند؟ چه کسی
دارد هدایت می‌کند؟

سنت‌های الهی و قوانین عالم هم‌ساز شده و لیبیک گویان و لا إله الا الله گویان و سبحان الله گویان دارد حرکت می‌کند و هر اقدامی که بکند، مثبت است. شما هر اقدامی در این مسیر بکنید، مثبت است. نمونه‌اش ماه مبارک رمضان است. ماه مبارک رمضان چون آدم می‌آید و در این مسیر قرار می‌گیرد، بخوابی، عبادت است؛ نفس بکشی، عبادت است؛ درس بخوانی، عبادت است.

عبادت یعنی چه؟ بندگی خدا و بندگی خدا یعنی در این مسیر جلو رفتن و کمک کردن به تحقق این آرمان. باید این را خوب بشناسیم و شاید لازمه شناخت این است که کاروان‌سالار را بشناسیم. چه کسی دارد مدیریت می‌کند؟ چه کسی دارد هدایت می‌کند؟ بعضی وقت‌ها اسمی از امام زمان علیه السلام می‌آید و از او صحبت می‌کنیم. حداکثر چیزی که به ذهنشان می‌آید، این است که بله، کسی هست. حالا در یک جایی هم هست. فعلاً هم کاری با کار عالم ندارد و برای خودش دارد زندگی می‌کند و ما هم داریم برای خودمان زندگی می‌کنیم. قرار است روزی بیاید و دنیا را متحول کند. این اندیشه، اندیشه ناقصی است. امام واسطه فیض الهی است. امام خلیفة الله است.

عزیزان من! به امام دل بدهیم و بعد ببینیم چه فضایی درست می‌شود. البته من بی‌بهره‌ام. آنها که بهره برده‌اند می‌گویند. اصلاً نگاه از منظر امامت به جهان هستی، افق نگاه را عوض می‌کند. عمق نگاه را عوض می‌کند. موضوعات عوض می‌شوند و آدم هستی را جور دیگری می‌بیند. حقیقت هستی جلوه‌گر می‌شود. شجاعت آدم بی‌پایان می‌شود، چون به کانون و قطب هستی و

نگاه از منظر امامت
به جهان هستی افق
نگاه را عوض
می‌کند.

همه عالم گره می خورد. درک، تشخیص، تدبیر، قوت قلب و ایستادگی انسان عوض می شود و بدانید امام دست گیر و یار است و امامت می کند. مگر می شود کسی از امام تقاضا کند و امام اصلاً به این تقاضا توجه نکند. از شأن امام به دور است.

من به عنوان کسی که سفر می کنم، تماس دارم، اخبار و اطلاعات را می گیرم، یک مقدار بیشتر از این رسانه ها که از زاویه خودشان مطرح می کنند و می گیرند، بدانید امروز این با چشم دیده می شود که دستی دل های همه ملت ها را گرفته و دارد به سمت حقیقت می چرخاند. دارد اتفاقات عظیمی در دنیا می افتد، برای این که دل ها در دست امام است. به اذن الله تصرف و هدایت و الهام می کند. من نمی دانم بعضی ها که بدون امام زندگی می کنند، چگونه زندگی می کنند.

بزرگراه است و خارج از این بزرگراه چیزی وجود ندارد. البته یک زندگی حیوانی هست و خیلی ها هم دارند از آن بهره می گیرند. قطعاً و مطمئناً دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام که به این نام الهی مبارک و بلند مفتخرند، حتماً پرچمدار انتظار، انتظار درست هستند. انتظار درست یعنی این که بدویم تا به امام برسیم؛ نه این که بایستیم تا امام بیاید. بدویم تا به امام برسیم. هم خودمان را آماده کنیم، هم محیط را آماده کنیم،^۱ اگر امام

امروز با چشم دیده می شود که دستی دل های همه ملت ها را گرفته و به سمت حقیقت می چرخاند.

انتظار یعنی این که بدویم تا به امام برسیم، نه این که بایستیم تا امام بیاید.

۱. در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است که مردمانی از مشرق ظاهر می شوند و زمینه های لازم برای سلطنت مهدی علیه السلام را فراهم می سازند.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ أَنَسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِمَهْدِيٍّ يُعْنِي سُلْطَانَهُ» (سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷)

می‌خواهد بیاید عدالت برپا کند، ما با همه توان در جهت اجرای عدالت تلاش کنیم. اگر امام می‌خواهد خداپرستی را حاکم کند، ما با همه توان در جهت حاکمیت توحید تلاش کنیم. این‌جوری به امام می‌رسیم.

من مطمئنم همان‌طور که شما امروز بحمدالله در اخلاق، روحیه انقلابی، روحیه آرمانی و پایبندی به ارزش‌ها پیش‌تاز جامعه دانشگاهی هستید، در این قسمت محوری هم حتماً پیش‌تاز همه دانشجویان خواهید بود. ^۱ إن شاء الله.

□ حالا تصویر کنید آن اتفاق بزرگ بیفتد و ما هر لحظه با انسان کامل، امام عصر علیه السلام در ارتباط باشیم. ببینیم، بشنویم، حس کنیم و لمس کنیم، آن وقت روح انسان و استعدادها چه خواهد شد؛ من نمی‌خواهم راجع به آن دوران شکوفایی زیاد صحبت کنم. شما می‌دانید اما یک گوشه‌اش را می‌خواهم بگویم. شما شنیده‌اید وقتی آن اتفاق بزرگ بیفتد و آن رودخانه حقیقت به آن اقیانوس بیبوندد، از وقایع بزرگی که اتفاق می‌افتد این است که عقل انسان‌ها کامل می‌شود، عقل‌ها کامل می‌شود،^۲ وقتی عقل‌ها کامل شد دنیا جور دیگر می‌شود. می‌گویند در آن دوران همه چشم‌ها بینا می‌شود. بینایی حقیقی آن روز اتفاق می‌افتد، همه گوش‌ها شنوا می‌شود، همه زبان‌ها گویا می‌شود، همه اندیشه‌ها

روح انسان و استعدادها در دوران پس از ظهور شکوفا می‌شود.

۱. سخنرانی در بازدید از دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵/۷/۲۸.

۲. این مطلب در بیان امام صادق علیه السلام به این صورت وارد شده است:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَعْمَالَهُمْ؛ چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و [در نتیجه] خردشان کامل شود.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵)

شکوفا می‌شود و همه استعدادهای انسان سرشار می‌شود. هرکس که دنبال توان‌مندی، دنبال فتح قله‌های بلند و دنبال جاودانه ماندن است، باید برای تحقق آن روز تلاش بکند. آن روز اگر اتفاق بیفتد دیگر نقص و اشکالی باقی نمی‌ماند. همه انسان‌ها به درجه کمال می‌رسند و همه آن کسانی که با عشق وصال به آن حادثه و واقعه از دنیا رفته‌اند آنها هم حاضر می‌شوند و می‌آیند.^۱ آن وقت دیگر از غم، غصه، عقب ماندن، فاصله و دردها و رنج‌ها خبری نیست، آن‌جا همه‌اش زیبایی است. من امروز به شما عرض کنم، عزیزان من، بشر تشنه این فرهنگ است. هر جای دنیا می‌رویم وقتی با ملت‌های گوناگون گفت‌وگو می‌کنیم، می‌گویم شما چه چیزی می‌خواهید، بالاخره آخر حرف شما چیست؟ می‌بینم آن چیزی که می‌خواهند وصف همان روزی است که ما دنبال آن هستیم. وقتی خوب تصویر می‌کنند، می‌بینیم آن‌ها دنبال حقیقت هستند، اما راه را گم کرده‌اند و من فکر می‌کنم شما و ملت ما امروز پرچم‌دار این فرهنگیم و باید این پیام را به همه دنیا برسانیم. البته رساندن پیام از نظر من دو وجه دارد. وجه اولش این است که کشور عزیز خودمان را خوب و براساس همین فرهنگ بسازیم. همه دنیا ببینند یک ملت ۷۰ میلیونی اینها

۱. همان‌طور که در دعای عهد می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَنِي وَبَيْتِ الْمَوْتِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَي عِبَادِكَ حَتْمًا فَأُخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّئِي مُجْرَدًا قَنَاتِي مُلْتَبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْخَاصِرِ وَالْأَبَادِي؛ پروردگارا! اگر مرگ، که برای بندگانت امری حتمی قرار داده‌ای، میان من و آن حضرت جدایی انداخت، مرا از قبرم بیرون آور تا در حالی که کفنم را پوشیده و شمشیرم را از غلاف درآورده و نیزه‌ام را به دست گرفته‌ام، دعوت آن حضرت را در شهر و روستا اجابت کنم.»
(بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۹۶؛ مفاتیح‌الجنان، دعای عهد)

هر کس که دنبال توان‌مندی، دنبال فتح قله‌های بلند و دنبال جاودانه ماندن است، باید برای تحقق آن روز تلاش بکند.

همه دوست دار و عاشق هم هستند. یکی هستند و یک تن واحد و یک خانواده هستند و یک کشور آزاد، آباد، مقتدر، پیش‌رفته و هم‌دل، ان‌شاء‌الله بسازیم تا این الگو بشود. گرچه فاصله بین آن چیزی که ما می‌خواهیم بسازیم و آن چیزی که اتفاق خواهد افتاد زمین تا آسمان است.^۱

بشر تشنه فرهنگ
مهدوی است، اما
راه را گم کرده
است.

۴. امام زمان علیه السلام وارث تمام شئون انبیا علیهم السلام

□ امام وارث همه شئون [انبیا] است و همان‌طور که عرض کردم ولایت معنوی او جاری است. امام وارث آدم علیه السلام است و می‌توان چهره آدم علیه السلام را در او دید. او وارث نوح علیه السلام است. چهره نوح علیه السلام را می‌توان در او دید. او وارث ابراهیم علیه السلام است و چهره ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را می‌توان در او دید. در روز ظهور، پیروان همه ادیان تجلی پیامبر خود را در او خواهند دید. مسیحیان، مسیح علیه السلام را و موسویان، موسی علیه السلام را در او خواهند دید. او تجلی همه ائمه علیهم السلام است. در یک لحظه تجلی امیرالمؤمنین علیه السلام، در یک لحظه تجلی امام حسین علیه السلام، در یک لحظه تجلی امام کاظم علیه السلام و بعد امام رضا، امام تقی و امام نقی علیهم السلام است.^۲ به همین دلیل است که پیروان همه ادیان به سوی او خواهند آمد. او وارث همه انبیاست. دسته دسته به سمت او خواهند آمد.^۳

امام زمان علیه السلام تجلی
تمامی انبیا است.

۱. سخنرانی در مراسم گرامی‌داشت روز جهانی معلولان، ۱۳/۹/۱۳۸۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹.

۳. «فَعِنْدَهَا يَتَلَأَأُ صَبِيحُ الْحَقِّ وَ يَنْجَلِي ظِلَامُ الْبَاطِلِ وَ يَقْصِمُ اللَّهُ بِكَ الطُّغْيَانَ وَ يُعِيدُ مَعَالِمَ الْأَيْمَانِ يَطْهَرُ بِكَ اسْتِقَامَةُ الْأَقَاقِ وَ سَلَامُ الرَّفَاقِ يُوَدُّ الطُّفْلُ فِي الْمَهْدِ لَوْ اسْتَطَاعَ إِلَيْكَ نَهْوضاً

ج) اهداف و چشم‌انداز ولایت امام عصر علیه السلام

□ حرکت پیامبران یک حرکت متصل است؛ حرکتی است که خداوند برای هدایت بشر و رساندن بشر به آن نقطه کمال و نقطه نهایی طراحی کرده است و [پیامبران] مکمل هم بودند و اکمل و سرور آنها پیامبر عزیز ما خاتم الانبیا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است.^۲ همه اینها آرزویشان زندگی کردن در آن قله و نقطه نهایی است. ائمه هدا علیهم السلام همه به گونه‌ای از آن نقطه نهایی، آرمان و هدف صحبت می‌کنند که انگار عاشق آن لحظه‌اند. این را اگر ما بگیریم چیزی باقی نمی‌ماند. «الإسلام

ائمه هدا علیهم السلام همه به گونه‌ای از آن نقطه نهایی آرمان و هدف صحبت می‌کنند که انگار عاشق آن لحظه‌اند.

و نَوَاصِطُ الْوَحْشِ لَوْ تَجَدُّ نَحْوَكُ مَجَازًا تَهْتَرُ بِكَ أَطْرَافُ الدُّنْيَا بَهْجَةً وَ تَشْرُ عَلَيْكَ أَغْصَانُ الْعُرَى نَضْرَةً وَ تَسْتَفِرُّ بَوَائِي الْحَقُّ فِي قَرَارِهَا وَ تُتُوبُ شَوَارِدِ الدِّينِ إِلَى أَوْكَارِهَا تَهْتَاطِلُ عَلَيْكَ سَخَائِبُ الظُّفْرِ؛ صبح حق طلوع می‌کند و ظلمت جای خود را به روشنایی می‌دهد. خداوند به واسطه تو سرکشی را از بیخ می‌کند و نشانه‌های ایمان را باز می‌گرداند. بیماری دشمنان و سلامتی دوستانت بر همگان روشن می‌شود. کودکان در گهواره‌های خود آروزی آمدن به سوی تو را می‌کنند و وحوش بیابان اگر راهی برای دیدارت می‌یافتند، درنگ نمی‌کردند. تمام دنیا را شادی و سرور فرا می‌گیرد. شاخه‌های عزت و سربلندی به اهتزاز در می‌آیند و بانیان این عزت در جای‌گاه خودشان قرار می‌گیرند. دشمنان دین به لانه‌های خود می‌خزند و ابرهای پیروزی به سوی تو می‌آیند. «کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۵۲»

۱. سخن‌رانی در همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ۱۳۸۵/۶/۱۵.

۲. اتصال و وحدت در حرکت انبیا یکی از اصول مسلم اسلامی است و در آیاتی بدان تصریح شده است. مانند آیه ۱۳۶ سوره بقره که می‌فرماید:

«قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إسماعيلَ وَ إسحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أوتى موسى وَ عيسى وَ مَا أوتى النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ «بگویند: ما به خدا، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده، و به آنچه به موسی و عیسی داده شده، و به آنچه به همهٔ پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم؛ میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم؛ و در برابر او تسلیم هستیم. (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم).»

یعلوا و لا یعلی علیه»^۱. چیزی برتر از اسلام وجود ندارد. راهی جز اسلام نیست. ما چه باید بکنیم؟ اگر کسی هزاران سال تلاش بکند، اما در مسیر تحقق آن نقطه کمال حرکت نکند، تلاش‌هایش فایده‌ای ندارد. خب تلاش کرده است دیگر. مثل این می‌ماند یک کاروانی می‌خواهد به مشهد برود. یک آقای یک ماشینی برداشته به سمت سقز دارد گاز می‌دهد، خب هرچقدر تندتر برود، دورتر می‌شود دیگر؛ به مشهد نمی‌رسد.^۲

□ همه پیامبران الهی از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت موسی علیه السلام و از حضرت موسی علیه السلام تا حضرت عیسی علیه السلام و از او تا پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشر را به توحید، عدالت، برادری و عشق و محبت دعوت کرده‌اند.

آیا نمی‌توان بر مبنای توحید و عدالت و عشق و احترام به حقوق انسان‌ها دنیای بهتری ساخت و دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل کرد؟

من با صدای بلند اعلام می‌کنم امروز جهان بیش از همیشه نیازمند انسان‌های صالح و عدالت‌خواه و عاشق بشریت و بالاتر از همه نیازمند انسان صالح کامل و منجی حقیقی است که موعود همه امت‌ها و برپا کننده عدالت و صلح و برادری خواهد بود.

ای خدای بزرگ مردم بندگان تو هستند و تو خود بر هدایت و رستگاری آنان تأکید داری. تو خود انسان کامل و موعود امم

امروز جهان بیش از همیشه نیازمند انسان‌های صالح و عدالت‌خواه و عاشق بشریت و بالاتر از همه نیازمند انسان صالح کامل و منجی حقیقی است.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴.

۲. سخن‌رانی در دیدار با روحانیون و علمای استان آذربایجان غربی، ۱۳۸۵/۶/۹.

را بر بشریت تشنه عدالت ارزانی دار و ما را از ره پویان و تلاش گران برای ظهور و حرکتش قرار بده.^۱

۱. توحید

بحث توحید به اندازه اسمای الهی ادامه دارد. منظور از بیان این مطلب این بود که این خدا، این خدای قادر، رحمان، رحیم، کریم، مقدر و هادی که اول، آخر و ظاهر و باطن همه عالم است، این خدا برای خود خلیفه‌ای برگزیده است، خلیفه الله، و به او مأموریت داده است جانشین او در زمین باشد. خداوند بشر را در مراتب تکاملی خود خلیفه الله قرار داده است. خلیفه باید رنگ خدایی داشته باشد. پیامبران الهی از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، خلیفه الله و جانشین خدا در زمین بوده‌اند؛ و بعد از ایشان هم ائمه معصومین علیهم السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا حضرت ولی عصر علیه السلام و بقیه انسان‌ها با تبعیت از خلیفه الله به مراتبی از کمال دست‌رسی پیدا خواهند کرد. شما کرامت، رحمت و حکمت خدا را ببینید که راه را برای انسان تا خلیفه الله باز کرده است. بشر می‌تواند از پایین‌ترین مراتب حیات و خلقت به نقطه اوج کمال دست‌رسی پیدا کند؛ یعنی از خاک و صلصال تا کمالات متعالی رشد بکند.^۲ همه اینها در سایه توحید و در نور توحید و در ظل تربیت پیامبر و ائمه

۱. سخن‌رانی در شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد (نیویورک)، ۱۳۸۵/۶/۲۹.

۲. اشاره است به آیه ۱۴ سوره الرحمن: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ»؛ «انسان را از گل خشکیده‌ای هم‌چون سفال آفرید.»

در سایه توحید و در ظل تربیت معصومین و اطاعت خداوند، بشر می‌تواند از پایین‌ترین مراتب حیات و خلقت به نقطه اوج کمال دست‌رسی پیدا کند.

معصومین علیهم‌السلام امکان‌پذیر است و فقط با اطاعت خدا میسر است. «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۱ هرچه عبادت و اطاعت خالصانه‌تر، سرعت رشد و تعالی بیشتر و بیشتر. هرچه اخلاص بیشتر، نزدیکی به خدا بیشتر و سریع‌تر. که این البته با مجاهدت و تلاش در راه خدا به دست خواهد آمد. اگر حرکت باشد، برکت هم خواهد آمد. اگر مجاهدت باشد، راه‌های هدایت نشان داده می‌شود. حرکت در راه خلیفه‌اللهی یعنی اجرای فرمان‌های الهی در زمین. همان‌گونه که خدا هادی بندگان است، انسان حرکت کننده در مسیر الهی هم باید هدایت کننده باشد. همان‌گونه که خداوند رحمان و رحیم است، انسان هم باید نسبت به بندگان خدا رحمان و رحیم باشد. همان‌گونه که خدا کریم است، انسان هم باید کریم باشد. همان‌گونه که خدا عادل است، انسان هم باید در مسیر اجرای عدالت حرکت کند. همان‌جور که خدا با ستم‌گران، ظالمان و طاغیان مخالف است، انسان الهی هم باید مخالفت کند. اگر خدا یار مظلومان و بی‌پناهان است، انسان مؤمن و موحد هم باید چنین باشد. اگر کار خدا آبادانی، رشد و هدایت است، بشر هم چنین وظیفه‌ای دارد و نقطه اوج این حرکت زمانی است که انسان کامل بر همه زمین و همه انسان‌ها حاکم بشود و حکومت الهی در همه جهان مستقر بشود. با تحقق حکومت مهدوی راه برای تعالی همه انسان‌ها باز می‌گردد.

حرکت در راه خلیفه
اللهی یعنی اجرای
فرمان‌های الهی در
زمین

۱. سوره یس، آیه ۶۱.

عزیزان من! علما و روحانیون، همه مقصد و تلاش ما باید در جهت تحقق آرمان انبیا باشد. ما نباید در تحقق این آرمان‌ها لحظه‌ای از مجاهدت دست برداریم و نباید سر از پا بشناسیم.^۱

۲. عدالت

□ عدالت دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند، انسجام درست می‌کند، آبادانی و امنیت می‌آورد. شما می‌دانید بعد از دعوت به توحید، مهم‌ترین مأموریت امام زمان برپایی عدالت است. غیر از این است؟ همه شما بلد هستید. «یَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِقِسْطٍ وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۲ اصلاً خدا کتاب و میزان را با انبیا فرستاد برای این‌که مردم را برای برپایی قسط و عدالت تشویق کند.^۳

□ اصلاً عدالت بدون امام، انسان کامل و امام منتظر مفهومی ندارد.^۴ تمام کسانی که در مسیر عدالت حرکت کردند، به عشق امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. شعر بسیار زیبایی خواندند.

۱. سخن‌رانی در اولین همایش روحانیون و طلاب بسیجی، ۱۳۸۵/۹/۱.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۹.

۳. اشاره است به آیه ۲۵ سوره حدید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری، خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است.»

۴. سخن‌رانی در مسجد جامع نارمک، ۱۳۸۵/۷/۲۳.

۵. «خدایا از تو می‌خواهیم تا اجازه دهی جانشینت، عدل خود را بر بندگان... آشکار کند.»

من دلم نمی‌آید بعضی از این ابیاتش را برای شما تکرار نکنم. ای کاش می‌آمدند همین‌جا زنده اجرا می‌کردند. بالاخره وقتی زنده اجرا می‌شود به گونه دیگری است تا این‌که تصویرش را از روی پرده ببینیم. شعر خیلی قشنگ بود اگر بخواهم همه‌اش را بخوانم وقت شما را می‌گیرد، اما اجازه بدهید دو سه بیتش را بخوانم:

دشمن به هر در می‌زند تا قامت ما بشکند

نقشی به دریا می‌زند این خصم بی‌بنیاد ما

نمرود دوران را بگو آتش فروزی تا به کی؟

باشد خلیل بت‌شکن پیغمبر ارشاد ما

گر عشق آتش در زند، شیرین اگر فرمان کند

صد بیستون را بشکند، یک تیشه فرهاد ما

این شعر و سایر شعرهایی را که سرودند در همه مدارس

[منتشر بکنید.] بگذارید آخرین بیتش را هم بخوانم:

ما دیده دریا کرده‌ایم تا عشق پیدا کرده‌ایم

ای وعده عدل خدا وصل تو شد میعاد ما

من دیدم که بچه‌ها هم در سرودشان، هم در آن شعر زیبایی

که دختر عزیزمان از فارس خواند، همان مقاله بسیار قشنگی که

دختر عزیزمان از تهران خواند همه به آن عدالت‌گستر حقیقی

اشاره کردند.^۱

□ ما نمی‌دانیم در عالم چه می‌گذرد، فقط می‌توانیم بگوییم

«اللهم صلّ علی فاطمة و ابيها و بعلمها و بنیها و السر المستودع

۱. سخن‌رانی در کنگره پرسش و پاسخ مهر، ۱۳/۸/۱۳۸۵.

تمام کسانی که در مسیر عدالت حرکت کردند، به عشق امام زمان حضرت مهدی عج است.

فیها بعدد ما احاط به علمک». عزیزان! همه پیامبران و پیامبر ما که حجت بر همه پیامبران است، آمدند با بینات و کتاب و میزان ﴿لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱ که مردم را به عدالت دعوت کنند و مردم عدالت را برپا کنند. همه عالم، همه آسمانها و زمین با عدالت برپاست و پیامبران برای همین منظور و هدف آمده‌اند. اعلای مقصد بشر در دنیا رسیدن به مقام خلیفة اللهی است. [خداوند متعال] فرمود: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ﴾^۲ مقام خلیفة اللهی برای این است که عدل برپا شود و این مقام پیامبران و اولیای الهی است. این مقام مقدمه اجرای عدالت است. فرمود: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳ امام عصر، حضرت مهدی ﷺ که خلیفة الله هستند منتظرند، امید همه انبیا و اولیا هستند، امید همه صالحان و مستضعفان هستند و مقصد نهایی همه ادیان توحیدی‌اند. ایشان می‌آیند که زمین را پر از عدل و داد کنند. بنابراین، پهن کردن عدالت در زمین مقصد اعلای همه انبیا و اولیاست. البته امثال بنده قادر نیستیم آن عدالت حقیقی را اجرا کنیم، اما موظفیم در آن جهت حرکت کنیم و در حد توان تلاش کنیم.^۴

□ استقرار عدالت نتیجه نهایی حرکت انبیای الهی و مقصد اصلی آن است؛ لذا هر نوع تلاش و مشارکت در تحقق این

مقام خلیفة اللهی
برای اجرای عدالت
است.

پهن کردن عدالت
در زمین مقصد
اعلای همه انبیا و
اولیاست.

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲. سوره ص، آیه ۲۶.

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴. سخنرانی در مراسم تجلیل از قضات نمونه کشور، ۱۳۸۵/۴/۶.

آرمان سربازی برای امام زمان علیه السلام است. مگر نه این است که سرباز امام زمان کسی است که امام را یاری کند.^۱

□ امام به دنبال چه چیزی هستند؟ غیر از این است که به دنبال عدالت جهانی هستند؟ پس هرکس در این راه قدم گذاشت، در راه آن حضرت قدم گذاشته است و هرکس در راه او قدم گذاشت، مفتخر به نشان سربازی اوست.^۲

□ مردم عزیز! همه می‌دانید امروز ملت ما یک مأموریت بزرگ تاریخی بر عهده دارد؛ مأموریتی که گذشته آن، نهضت انبیا، و آینده آن برپایی حکومت عدل جهانی به رهبری امام زمان علیه السلام خواهد بود.

امروز ما باید در سرزمین ایران یک جامعه نمونه، پیش‌رفته، مقتدر و اسلامی برپا کنیم تا این جامعه نمونه الگو، سکو و نقطه آغازین آن حرکت جهانی برای برپایی عدالت در سرتاسر زمین بشود.^۳

□ ای امام راحل و بالاتر از امام راحل، ای صاحب ما، ای امام حی، ای امام زمان! شاهد باش که مردم ولایت‌مدار سیستان یک‌پارچه گفتند آماده‌ایم و خطاب به رهبر عزیزمان عرض

سرباز امام زمان کسی است که امام را یاری کند.

هرکس در راه او قدم گذاشت، مفتخر به نشان سربازی اوست.

۱. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّائِمِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُتَشَبِّهِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ خداوندا! مرا از یاران، یاوران و مدافعان او و کسانانی که سعی در انجام نیازهای ضروری او دارند و از حامیان و پیش‌گامان به خواست و اراده او و از مشتاقان شهادت در رکابش، قرار بده!» (بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۹۶؛ مفاتیح‌الجنان، دعای عهد)

۲. سخن‌رانی در گردهمایی مبلغین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴/۷/۶.

۳. سخن‌رانی در دیدار با مردم شیروان چرداول، ۱۳۸۴/۹.

می‌کنم که رهبر عزیز، شاهد باش که یاران صمیمی و وفادار تو در سیستان قهرمان یک‌پارچه فریاد زدند که آماده هستیم.^۱

۳. امنیت جهانی و زندگی بر پایه محبت

عدالت ستون بقا و دوام جامعه است.^۲ اگر عدالت باشد، همه چیز به دنبال آن می‌آید؛ عدالت پایه ترویج محبت و برادری، وحدت و انسجام جامعه، رضایت‌مندی عمومی و اقتدار و استحکام جامعه است.^۳ عدالت زمینه امنیت همه‌جانبه عمومی است؛ امنیت روانی، امنیت اقتصادی، همه چیز و همه خیرات عالم بعد از توحید و ایمان به خدا با عدالت حاصل می‌شود و با بی‌عدالتی و تبعیض، همه چیز از بین می‌رود و ضایع می‌شود. عدالت یک خواست فطری و عمومی است. امروز هم عدالت یک امر جهانی و مفهوم قابل درک برای همه ملت‌ها و جوامع است.^۴

عدالت پایه ترویج
محبت، وحدت،
رضایت و اقتدار
جامعه است.

۱. سخنرانی در دیدار با مردم زابل، ۱۳۸۴/۹/۲۵.

۲. «قال امیر المؤمنین علیه السلام: العدل قوام الرعیة؛ عدالت مایه پایداری جامعه است.» (غررالحکم، ص ۳۳۹) «ان العدل میزان الله سبحانه الذی وضعه فی الخلق و نصبه؛ عدالت ترازوی خداوند سبحان است که آن را در میان بندگان خود قرار داده است.» (همان، ص ۹۹)

۳. «قال امیر المؤمنین علیه السلام: أعدل أقوى أساس؛ عدالت قوی‌ترین پایه و اساس است.» (غررالحکم، ص ۴۴۶)

۴. سخنرانی در مراسم تجلیل از قضات نمونه کشور، ۱۳۸۵/۴/۶.

سفید

فصل دوم: فیض ولایت بقیة الله ﷺ

الف) فیض ارتباط

ارتباط ما با امام چگونه تعریف می شود. یک ارتباط تکلیفی داریم؛ مسیر ولایت. اما با این کار درست می شود؟ هیچ مقدمه و مبنایی در ذهن، دل، افکار، روحیات، انگیزه ها و جهت گیری های دل ما لازم نیست؟ ما به واسطه خودمان از همه لطف امام محرومیم نه به واسطه امام. خب چه باید بکنیم؟ آیا غیر از این است که همه هر روز در شبانه روز و هر لحظه باید دنبال این باشیم که از همه فیض وجودی امام بهره ببریم؟ فرمودند که امام مثل کعبه می ماند. او سراغ مردم نمی آید. مردم باید به سراغ او بروند.^۱

امام مثل کعبه می ماند. مردم باید به سراغ او بروند.

□ حالا این مثالی که خود شما می زنید اجازه بدهید من برای خود شما بزنم. من خودم شنیده ام و این درس هایی است که دارم خدمتتان پس می دهم. آدم یک مهمان عزیزی را منتظرش هست

۱. حضرت فاطمه علیها السلام می فرمایند: «مثل الإمام مثل الكعبة إذ تؤتی ولا تأتي؛ امام مانند کعبه است که سراغ آن می روند بدون این که سراغ کسی برود.» (کفایة الاثر، ص ۱۹۸)

چه حالی دارد؟ خصوصاً وقتی ماه مبارک است، دم افطار. مهمان عزیزی را برای افطار دعوت کرده‌اید. دائماً قدم می‌زنید که چه شد؟ دائم سراغ می‌گیرد. تا موقعی که یک خبری نیاید آرامش ندارد، از ذهنش بیرون نمی‌رود.^۱ این انتظاری است که ما پای منبر از شماها یاد گرفته‌ایم. انتظار یعنی این.^۲

ب) ضرورت معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

□ برداشت من این است، نه این‌که من خودم اهل این حرف‌ها هستم. بله، این حرف‌ها نظری است، ممکن است کسی راجع به توحید خیلی حرف بزند و خودش اهلش نباشد. من

مگر می‌شود بدون ارتباط عاطفی، دل، فکر و ذهن با امام زندگی کرد؟

۱. مؤید این برداشت حکایت پیرمردی است که خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسد. این حکایت به نقل از معاویه بن وهب چنین است:

«من در حضور امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودم که پیرمردی با کمر خمیده به حضور آن حضرت مشرف شد و گفت: السلام علیک و رحمة‌الله.

امام صادق علیه السلام فرمود: علیک السلام و رحمة‌الله. ای پیرمرد نزدیک من بیا. وقتی نزد آن حضرت آمد دست آن بزرگوار را بوسید و گریان شد.

حضرت صادق علیه السلام به او فرمود: ای پیرمرد چه چیزی تو را گریان کرد؟

گفت: یا ابن رسول‌الله! من مدت صد سال است که به امید شما هستم می‌گویم در این سال، در این ماه، در این روز (شما خروج خواهید کرد) ولی اثری از آن معلوم نیست. شما مرا ملامت می‌کنید که چرا گریه می‌کنم!

امام جعفر صادق علیه السلام گریان شد و فرمود: ای پیرمرد! اگر آرزوی تو به تأخیر بیفتد با ما خواهی بود و اگر درباره آن تعجیل شود روز قیامت با عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهی بود.

پیرمرد گفت: هر چه بعد از این از من فوت شود باکی نخواهم داشت.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای پیرمرد پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «إنی تارک فیکم الثقلین، ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا؛ کتاب الله المنزل و عترتی اهل بیتی؛ من دو چیز پربهاء را در میان شما می‌گذارم که اگر به آنها متمسک و متوسل شوید هرگز گم‌راه نخواهید شد! آن دو چیز عبارتند از: قرآن خدا که نازل شده و عترت من که اهل بیت من می‌باشند. ای پیرمرد تو میایی و در روز قیامت با ما خواهی بود.» (مالی شیخ طوسی، ص ۱۶۱)

۲. سخن‌رانی در دیدار با روحانیون و علمای استان خراسان، ۱۳۸۵/۱/۲۱.

فکر می‌کنم اصلاً مگر می‌شود بدون ارتباط عاطفی، دل، فکر و ذهن با امام زندگی کرد؟ اصلاً ما برای چه انقلاب کردیم؟ برای چه حکومت درست کرده‌ایم؟ برای چه زنده‌ایم؟ برای چه درس می‌خوانیم؟ برای چه درس علوم دینی می‌خوانیم؟ همه‌اش نوکری ایشان است. باید کاری کنیم که ایشان زودتر بیایند. نه این‌که ایشان بیاید، برای این‌که زودتر به ایشان برسیم و کار تمام بشود. یعنی دوران درخشان تجلی آن کلمات و ارزش‌های الهی به طور کامل آغاز بشود.

شخصی که کارمند جایی است، امکان ندارد از صبح تا شب که سر کار می‌آید، ذهنش از رئیس آن اداره یا کارخانه فارغ بشود. پنج‌شنبه و جمعه هم که در منزل است، به یاد رئیس است. همان چیزی که به آن فرهنگ انتظار می‌گوییم.^۱

□ اصلاً کسی که دل‌بسته امام است و امام دارد، یأس و دل‌زدگی ندارد. کسانی مأیوس می‌شوند که امام ندارند. همین‌طور در ظلمات دارند برای خودشان حرکت می‌کنند. هرچه جلوتر می‌روند، بیشتر غرق می‌شوند و سقوط می‌کنند، اما کسی که امام دارد و لطف، عنایت و توجه امام به سمت اوست، اصلاً چه کم دارد؟ یک موقع عزیزی می‌گفت آن کسی که عشق امام حسین علیه السلام را دارد، چه ندارد، و آن کسی که این را ندارد چه دارد؟ حالا مثلاً آقا صد میلیارد تومان در فلان حساب دارد، سه تا کارخانه دارد، هشت تا مزرعه دارد، کشتی دارد، خب اینها چیست؟ اما عشق امام حسین، عشق ولایت و عشق به امام حتماً

کسی که امام دارد چه کم دارد؟

۱. سخنرانی در دیدار با علما و روحانیون شهر کرد، ۱۳۸۴/۱۲/۳.

ناشی از توجه امام است. شما می‌دانید امکان ندارد کسی جز با عنایت امام عمل خیری انجام بدهد و قدمی به سوی کمال بردارد. امام واسطه فیض الهی است؛ یعنی در هر جای عالم اگر پدری به فرزند و همسرش لبخند می‌زند، همسری به فرزندش [لبخند می‌زند]، یک جایی گلی می‌روید و یک زیبایی در عالم متجلی می‌شود، چه در رفتار انسان‌ها، چه در طبیعت، این حتماً از عنایات امام است، چون واسطه فیض الهی است؛ یعنی هر زیبایی و هر خیری از ناحیه حضرت حق است، به واسطه وجود امام است. حالا کسانی که زیر سایه این امام هستند و اعتقاد و اتصال دارند، چه کم دارند؟ همه عزت این جاست. خارج از این چیزی به نام عزت وجود ندارد. می‌دانید رئیس‌جمهور فلان ابرقدرت آدم قدرت‌مندی است، اما آدم عزت‌مندی نیست؛ عزیز نیست. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ خارج از این دیگر اصلاً عزتی وجود ندارد؛ پس عزت از آن شماسست، در وجود شماسست؛ یعنی هر کسی هم که می‌خواهد عزت بگیرد، باید بیاید یک طوری خودش را به شماها وصل بکند. این یک جمله.^۲

امام، واسطه فیض الهی است.

□ هر شیعه‌ای در هر جای عالم که راه درست را در پیش بگیرد مثل این می‌ماند که در کنار ولی، نایب و خود امام حضور دارد. فاصله جغرافیایی، او را از امام و ولی دور نمی‌کند. آن قدر افرادی هستند که در کنار امامند، اما از امام دورند و افرادی هستند که به ظاهر دورند، اما همواره همراه امامند. از خداوند

آن قدر افرادی هستند که در کنار امامند، اما از امام دورند و افرادی هستند که به ظاهر دورند، اما همواره همراه امامند.

۱. سوره منافقون، آیه ۸.

۲. سخن‌رانی در دیدار با جان‌بازان و ایثارگران، ۱۳۸۴/۶/۸.

می‌خواهم که همه شما جزو کسانی باشید که دائماً با امام و همراه امام هستند. بدانید دوران عظمت اسلام آغاز شده است و دوران کفر، شرک و نفاق رو به پایان است. امواج اسلام در حال برخاستن است و اینها همه عطر وجود آن امام عزیز و نسیمی است که یاد و خاطره او را برای ما می‌آورد. امیدوارم دل‌هایتان به یاد آن امام، همیشه روشن و نورانی باشد.^۱

ج) برکات معرفت به امام زمان ﷺ

□ بیایم هر روز صبح یک سلام به امام بدهیم، بعد آثارش را ببینیم. یک سلام. هر روز صبح «السلام علیک یا أباصالح المهدی»؛ همه عالم به خاطر گل روی او آفریده شده است و همه عالم منتظر اوست. یعنی خیال نکنید فقط بشریت؛ همه عالم. زندگی در آن دوران زندگی عجیبی است. قابل وصف نیست. هرکس هر مشکلی دارد دوایش آن‌جاست. چون همه استعدادهای انسان صددرصد شکوفا می‌شود. همه خلاقیت‌ها بروز می‌کند. گوش‌ها شنوا، چشم‌ها بینا، زبان‌ها گویا، قلب‌ها صاف. دست به دست هم بدهیم آن روز را نزدیک کنیم.^۲

□ هر جا که سخن از امام عصر باشد، بدون تردید مورد توجه و لطف خواهد بود. گرچه همه اعمال ما در محضر خداست و همه چیز مورد توجه است. همه امور از این جهت که اعمال همه انسان‌ها به او عرضه می‌شود، در منظر ولیّ خداست. فرمود:

۱. سخن‌رانی در دیدار با جمعیت محسنیه و گروهی از شیعیان دمشق، ۱۳۸۴/۱۰/۲۰.

۲. سخن‌رانی در دیدار با نخبگان جوان سراسر کشور، ۱۳۸۵/۶/۱۴.

بیایم هر روز
صبح یک سلام به
امام بدهیم، بعد
آثارش را ببینیم.

هر جا که سخن از
امام عصر باشد،
بدون تردید مورد
توجه و لطف
خواهد بود.

«به زودی اعمال شما را خدا، رسول و مؤمنین خواهند دید.»^۱ اما سخن از آینه حق از جهت اتصال به ولیّ خدا که تجلی اسم اوست، نور و معنویت ویژه دارد و اگر در این جلسات توجه به نام، صفات و خصوصیات قیام او و انتظار و منتظر هم‌راه با توجه به خود او باشد و اتصال معنوی و روحی پیدا شود، نتیجه چیز دیگری خواهد بود و فراسوی قلم، کاغذ و کلام که مراتب نازل‌تری از حقیقت هستند و بلکه سایه‌هایی از حقیقتند و در پرتو توجه به امام می‌توان روح و ایمان را تقویت کرد. از نور وجود او [می‌توان] قلب را روشن نمود و گوش، چشم و دل را باز کرد. می‌توان به وجود محدودی که داریم و ظرفیت کوچکی که در پذیرش حق و نور و علم در اختیار ماست وسعت بخشید. بنابراین، اگر حضار محترم و عزیز در تمام مدت برنامه، خود را در محضر او ببینند و بدانند و به خود بیاوراند که همه اعمال آنها به او عرضه می‌شود و دائم به این مسئله توجه داشته باشند، امید آن هست که دست‌آورد این نشست فراتر از آنچه از قلم فرسایی‌ها و سخن‌رانی‌ها به دست می‌آید باشد، ان‌شاءالله.^۲

□ و اینک از جای‌گاه خادم جمهور و به عنوان قطره‌ای از اقیانوس بی‌کران ملت ایران و به شکرانه فرصتی که برای خدمت‌گزاری فراهم آمده است، پیشانی سپاس به درگاه پروردگار بزرگ می‌سایم و در پیش‌گاه رهبر فرزانه و ملت

هر خوبی‌ای در
عالم بخواهیم و هر
خیری اتفاق بیفتد،
واسطه‌اش امام
زمان است.

۱. اشاره است به آیه ۹۴ سوره توبه: «وَ سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

۲. سخن‌رانی در همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ۱۳۸۵/۶/۱۵.

شریف، پیمان می‌بندم که حق اعتماد و امید چنین مردمی را با خدمت صادقانه به جای آورم؛ با احساس مسئولیت و پای‌بندی به اسلام و آرمان‌های امام و انقلاب و التزام به قانون اساسی، حق این امانت بزرگ را ادا کنم. برای تحقق این مهم به عنایت حق تعالی و توجهات امام حاضر، حضرت ولی عصر علیه السلام و دعای خیر همه مردم و پشتیبانی و هم‌کاری همگان به ویژه علما، اندیشمندان، محققان، نخبگان و استادان و معلمان که چشم و چراغ ملتند و همه پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها مرهون تلاش و مجاهدت ایشان است، توکل و توسل می‌جویم و استمداد می‌طلبیم.^۱

□ من عادت ندارم که خودمان را مرتب در مقابل دیگران پایین بیاورم. نه، من این را قبول ندارم. اما می‌خواهم بگویم ما دچار نوعی غفلت شده‌ایم. آنها در این موضوع از ما هوشیارترند. واسطه فیض الهی امام است؛ یعنی هر خوبی‌ای در عالم بخواهیم و هر خیری اتفاق بیفتد، واسطه‌اش ایشان است. خارج از وجود ایشان محلی برای خیر وجود ندارد. هرکس دنبال خیر است، خیر از کجاست؟ مگر می‌شود کسی بدون اتصال به این حبل الهی به خیری برسد. امکان ندارد. اگر در جایی از دنیا هم کسی موفق به عمل خیر، لطف، محبت، لب‌خند، کار و مجاهدتی می‌شود، حتماً عمق دل او ارتباطی هست و از آن طرف لطف و عنایتی هست والا معنا ندارد. برای چه فرمودند واسطه فیض

۱. تابستان ۱۳۸۴، تعهدات رئیس جمهور.

خارج از وجود
حضرت ولی‌عصر،
محلی برای خیر
وجود ندارد.

الهی؟ یعنی هرچه خیرات هست، از این جاست. آنها هوشیارتر از ما عمل می‌کنند. ده‌ها سال جلوتر، صد سال قبل آمدند فرقه درست کردند. نه فقط در ایران، که در اکثر کشورهای دنیا فرقه‌هایی درست کردند که ذهن ملت‌ها را از این حقیقت عالم منحرف بکنند. در مقابل ما باید چه بکنیم؟^۱

۱. سخن‌رانی در دیدار با علما و روحانیون شهر کرد، ۸۴/۱۲/۳

فصل سوم: مؤلفه‌های ظهور حضرت بقیة الله ﷺ

الف) انتظار فرج

۱. چیستی انتظار

□ البته بعضی‌ها فکر می‌کنند انتظار به این معناست که باید بنشینیم تا امام بیاید. ما زندگی خودمان را با کم و بیش و بالا و پایین آن می‌گذرانیم و امام زمان هم بالاخره روزی ظهور می‌کند. اما باور بنده چیز دیگری است که آن را با علمای بزرگ خودمان در عصر حاضر در میان گذاشتم و ایشان آن را تأیید کردند. بنده ابتدا این‌طور عرض کردم که بعضی‌ها معتقدند ما باید منتظر بمانیم تا روزی امام زمان عجل الله فرجه ظهور کند؛ اما باور بنده این است که ایشان امام حی و حاضر و ناظر است و همین الآن هم در حال امامت کردن هستند. والا «لساخت الارض»،^۱ یعنی همه چیز به هم می‌ریزد. بنابراین، ما باید به سرعت حرکت کنیم و خودمان را به ایشان برسانیم و در این راه تلاش کنیم و آماده بشویم.^۲

انتظار یعنی به
سرعت حرکت
کردن و خود را به
امام رساندن.

۱. احتیاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲. این نکته در دعایی از خود آن حضرت اشاره شده است:

«وَأَجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمَقْوَى سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ؛ پروردگارا، ما را از یاران و تقویت‌کنندگان سلطنتش و اطاعت‌کنندگان او امرش قرار بده.» (کمال‌الدین و تمام‌النعمة،

ج ۲، ص ۵۱۲)

این مطلب در بیان حضرت امیر علیه السلام چنین آمده است:

□ یکی از دوستان در این جا درباره امام زمان علیه السلام قشنگ گفتند که ما منتظر و عاشق او هستیم. ولو این که وقتی می آید، خودمان نباشیم. این طور نیست که کسی منتظر باشد، او بیاید و نباشد، حتماً هست. مگر می شود که نباشد؟ اصلاً کسی که منتظر باشد و زندگی اش بر پایه انتظار باشد، این به حیات جاوید دسترسی پیدا می کند و در همه حالات هست و فنا برایش معنا ندارد، چون به رودخانه عظیم و حرکت اصلی آفرینش پیوسته است.^۲ بدون آن اصلاً زندگی معنا ندارد.^۳

انتظار یعنی
دست‌رسی به حیات
جاوید.

□ بعضی وقت‌ها من تعجب می‌کنم. بالاخره ما افراد را زیاد می‌بینیم. در احوال آدم‌ها، دستجات و شخصیت‌ها فکر می‌کنم. ظرف ۵۰ سال، ۶۰ سال، ۸۰ سال در یک زمینه کار کرده و بعد

«أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَأ تَقْدِرُونَ عَلٰی ذٰلِكَ وَ لٰكِنْ اُعِينُونِيْ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفَّةٍ وَ سَدَادَةٍ اَكَّاهَ بَاشِيْدُ كِهْ شَمَا نَمِي تَوَانِيْدُ مَثَلْ مِنْ بَاشِيْدُ. لَكِنْ مَرَا بَا وَرَعٍ وَ تَلَاشٍ وَ عَفْتٍ وَ مُحْكَمٌ بُوْدُنْ، يَارِي كُنِيْد.» (نهج البلاغه، ص ۴۱۶)

۱. تابستان ۱۳۸۴.

۲. حضور تاریخی انسان در گذشته و آینده تاریخ مسأله‌ای پذیرفته شده است. هر انسان صالحی که به اعماق دل خود بنگرد، نوعی اشتراک و محبت و همراهی را با تمام خوبان عالم می‌بیند. همان‌طور که این پیوند را با تمام نسل‌هایی که بعد از او خواهند آمد، احساس می‌کند. حضرت امیر علیه السلام بعد از پیروزی در جنگ جمل، در جواب یکی از اصحابش که گفت: «دوست داشتم برادرم فلان، این‌جا بود تا ببیند خدا چگونه تو را بر دشمنان نصرت بخشید.» فرمود: «برادرت دوست‌دار ماست؟» گفت: «آری.» فرمود: «پس با ما بوده است. مردمانی هم که هنوز در پشت پدران و ارحام مادرانند، در این کارزار با ما هستند.» (نهج البلاغه، ص ۵۵)

امام صادق علیه السلام نیز درباره کسانی که قبل از قیام حضرت بقیه‌الله از دنیا می‌روند، می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلٰی هٰذَا الْاَمْرِ مُنْتَظَرًا لَهٗ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِيْ فُسْطَاطِ الْقَائِمِ علیه السلام؛ هر کس از شما با اعتقاد امامت بمیرد و در انتظار باشد چون کسی است که در خیمه خود حضرت قائم بوده است.» (کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴)

۳. سخن‌رانی در دیدار با نخبگان جوان سراسر کشور، ۱۳۸۵/۶/۱۴.

می‌پرسی حالا برای چه کسی کار کرده‌ای؟ نمی‌داند برای چه کسی کار کرده، پس چطور می‌تواند بماند و تأثیر بگذارد؟ نه این‌که تأثیر نگذارند، تأثیراتشان ماندگار نیست. بالاخره حکومت امریکا هم در دنیا تأثیر می‌گذارد ولی تأثیرش فانی و از بین رفتنی است. مگر نم‌رود، فرعون، ابوجهل، قدرت‌های بزرگ و شوروی سابق نرفتند؟ من که این را واقعاً می‌بینم. اینها از بین می‌روند، چرا نمی‌بینند؟ خدا وقتی که بر قلب‌ها مهر می‌زند و چشم‌ها را می‌بندد، نمی‌بینند.

باید متصل بشویم. این ماه، ماه متصل شدن است. انتظار یعنی این‌که برای او کار کنیم. بگذارید این را بگویم، البته فردا در این مورد صحبت مفصلی خواهم داشت. وقتی بحث از امام می‌کنیم، خدا امام را واسطه همه زیبایی‌ها و خیرات خودش قرار داده، یعنی حیات عالم از طریق امام است. امام واسطه فیض الهی است. وقتی امام نباشد، خدا تمام طومار جهان را در هم می‌پیچد، آن را برای چه می‌خواهد؟ همه اینها برای این درست شده که امام باشد و نقطه کمال را محقق کند.^۱

□ واقعاً فلسفه انتظار چیست؟ انتظار این است که هیچ رابطه‌ای بین زندگی، افکار و رفتار امروز ما با امام نیست؟ ما حالا زندگی می‌کنیم هرچند آدم خوبی هستیم. یک روز امام می‌آید کارها را رو به راه می‌کند. این‌طور است؟ امام می‌آید یا ما باید برویم به امام برسیم. باید برویم به امام برسیم؟ من فکر

انتظار یعنی کار کردن برای او.

تحول برنامه‌های اجرایی کشور باید در پرتو تبیین فلسفه انتظار باشد.

۱. سخنرانی در دیدار با نخبگان جوان سراسر کشور، ۱۳۸۵/۶/۱۴.

می‌کنم علمای ما، بزرگان دینی ما در هر دوی این بخش‌ها مأموریت و مسئولیت اصلی دارند. هم تعریف نسبت ما با جامعه مهدوی؛ یعنی دائم باید تعریف بشود. اگر تعریف بشود تمام برنامه‌های اجرایی کشور متحول خواهد شد. نسبت تعریف بشود دیگر آموزش و پرورش یا دانشگاه هم نباید آدم سکولار تربیت کند، باید سرباز امام زمان تربیت کند. دانشمند تراز حکومت مهدوی باید تربیت کند. مدرسه و بازارمان هم همین‌طور. صنعتمان هم همین‌طور...

هم در تعریف نسبت ما با جامعه مهدوی یعنی معیارها و برنامه اداره کشور، اقتصاد و تربیت اسلامی چه باشد، نه کلی؛ عملیاتی. یعنی احمدی‌نژاد می‌آید خدمت شما می‌گوید من الآن می‌خواهم در مدرسه، تعلیم و تربیت اسلامی داشته باشند که این جوانی که وارد می‌شود روز آخر که بیرون می‌رود تراز جامعه مهدوی و جامعه اسلامی باشد. چه کنم؟ مبانی، روش و جهت‌گیری‌اش چه باشد؟ من می‌خواهم بانکم اسلامی باشد، بازارم اسلامی باشد، کشاورزی‌ام اسلامی باشد. چه کنم؟ کلی پاسخی نیست. کلی نه مجلس می‌تواند از آن چیزی استخراج کند نه دولت؛ هم در این بخش هم در توجه دادن جامعه به آن ذات مقدس و آن قطب عالم امکان. من فکر می‌کنم اینها اصلاً نقش اصلی علماست.

دولت اگر بخواهد اسلامی بشود، بدون پشتوانه فکری، نظری و معنوی علما چه کار می‌تواند بکند؟ باید باور کنیم که مسئول اداره اسلامی حکومتیم. قبول کنیم. ما در متن یک جریان تاریخی

داریم زندگی می‌کنیم. نهضت انبیا آمده، امام هم حاضر است. کسی شک دارد که امام ما را می‌بیند؟ کسی شک دارد که امام ناظر بر همه اعمال ماست؟^۱ کسی شک دارد که امام از اعمال بد امثال من غصه می‌خورد؟ کسی شک دارد که امام دائم برای فرج دعا می‌کند؟ کسی شک دارد که امام دائم می‌خواهد ما برویم برسیم؟^۲

۲. فرهنگ‌سازی انتظار

فرهنگ انتظار یعنی چه؟ فرهنگ انتظار همه شئون زندگی انسان را در برمی‌گیرد. آدم منتظر یعنی آدم متصل. واقعاً ما در کشورمان این حالت را مشاهده می‌کنیم. کسی که منتظر است، چه حالی دارد؟ ما امروز دانشگاه داریم. اما آیا در دانشگاه ما این فضا هست که ما می‌خواهیم برای امام زمان ﷺ و حکومت امام زمان تولیداتی داشته باشیم. صنعت‌گران ما خیلی زحمت می‌کشند، اما این حال را دارند که من این کارخانه را برای کشور امام زمان درست می‌کنم. کشاورز، دام‌دار ما و نیز معلم ما که سر کلاس می‌رود، بگوید من می‌خواهم این بچه‌ها را یار امام زمان تربیت کنم. آیا این حالت هست؟ نمی‌گویم نیست. آیا به اندازه کافی و عمومی هست؟ یک لحظه در ذهنتان تصور کنید، در این کشور همه صبح که بیدار می‌شوند، به عشق امام زمان بلند شوند

فرهنگ انتظار همه
شئون زندگی
انسان را دربر
می‌گیرد.

زندگی، با عشق به
امام زمان ﷺ
شیرین می‌شود.

۱. اشاره است به آیه ۱۰۵ سوره توبه: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»
«و بگو: [هر کاری می‌خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست.»

۲. سخنرانی در دیدار با روحانیون و علمای استان خراسان، ۱۳۸۵/۱/۲۱.

و سر کار بروند، به عشق این که حکومت او را برپا کنند. یک نانوا وقتی می خواهد نان بپزد، بگوید من دارم در حکومت امام زمان نان دست مردم می دهم. تا استاد دانشگاه، محقق، عالم دینی و مرجع تقلیدش. ببینید چه فضای عطرآگینی در کشور درست می شود و سرعت پیش رفت چقدر زیاد می شود. فرمودند امام به طرف مردم نمی آید، امام مثل کعبه است، مردم باید به سمت امام بروند؛ یعنی ما باید این حقیقت را بخواهیم. خب چه کسانی باید این فرهنگ ناب را در جامعه گسترش دهند و این لذت حقیقی را به کام مردم بچکانند. غیر از علما، روحانیون و طلاب عزیز؛ اصلاً کسانی که با این عشق به منبر می روند، منبرشان لذت دیگری هم برای خودشان و هم برای مستمعین دارد. شک نکنید. شما که بحمدالله تجربه می کنید، اهلس هستید و از این کانون فیض حداکثر بهره را می برید. من برای خودم عرض می کنم. معلمی هم که سر کلاس می رود و بقالی که سر مغازه اش می رود، دید دیگری دارد اصلاً رنگ و بوی زندگی عوض می شود. اقتصاد، تعلیم و تربیت، رانندگی، کار کردن، صادرات و واردات جامعه منتظر، چگونه باید باشد؟ همه اینها تعریف دارد. چه کسی باید تعریف کند؟ شما باید تعریف کنید و ما اجرا می کنیم والا دیگران خواسته های خودشان را در قالب کتاب، درس، دانشگاه، مدرسه و فیلم تعریف می کنند. همین طور می آید و بعضی وقت ها خودمان هم اشتباه می گیریم. خود ما یعنی همه ما. فکر می کنیم آنها علم است، می رویم آنها را یاد می گیریم و به دیگران فضل می فروشیم که ما اینها را هم بلدیم. فکر می کنیم در

آنها حقیقتی نهفته است. نمی‌گویم هیچ نشانی از حقیقت نیست. اما اصل حقیقت این‌جاست. امروز نظام جمهوری اسلامی و نظام ولایت، به عشق آن امام در این سرزمین برپا شده و اصلاً ولایت حلقه اتصال امت با امام است.

همه ما احتیاج داریم که علما ما را نصیحت و وعظ کنند و دائم به ما متذکر بشوند که آقا به ولی نعمت و امام حق توجه داشته باشید. اگر این حال در جامعه پیدا بشود، همه چیز تمام است. در این فضا است که یاران ساخته می‌شوند، زمینه‌های ظهور فراهم می‌شود و دشمن به شدت از این عصبانی است.^۱

□ اگر نگاه ما به آن‌جا باشد، اصلاً زندگیمان متحول می‌شود. دشمن روی تضعیف تفکر امام زمانی و فرهنگ انتظار صدها سال سرمایه‌گذاری کرده و امروز هم به اعتقاد من نظام سلطه بیشترین سرمایه‌گذاری را می‌کند تا ذهن ملت‌ها را از منجی دور بکند. شما ببینید، اصلاً این نظم نوین جهانی را که مطرح کردند، برای چه مطرح کردند؟ پایان تاریخ، گفتند ما آخر خط هستیم و دیگر به چیز دیگری فکر نکنید. هرچه بخواهید در این هست. ده‌ها و صدها میلیارد دلار هزینه می‌کنند که ذهن‌ها را منحرف کنند. این ماجرای توهین به پیامبر عزیز ما و حمله به خانه امام زمان علیه‌السلام برای چیست؟ اصل هدف و عمق کینه آنها را نشان می‌دهد. آنها واقعاً دنبال ضربه زدن هستند.^۲

سرمایه‌گذاری
دشمن برای
تضعیف تفکر امام
زمانی و فرهنگ
انتظار

۱. سخن‌رانی در دیدار با علما و روحانیون شهر کرد، ۱۳۸۴/۱۲/۳.

۲. همان.

۳. آثار انتظار

□ شما می‌دانید که ارزش هر تئوری، نظریه، اقدام و تبلیغ به آرمان و هدفش است و این‌که دنبال چه چیزی است. این است که به آن ارزش می‌دهد. در نظامات تبلیغی دنیا معلوم است که دنبال چه هستند، اما ما دنبال چه چیزی هستیم؟ آن سنگ بنای کار ما چیست؟

به نظرم می‌رسد که علی‌رغم حجم عظیم کارهای بسیار باارزشی که انجام شده، وقت آن رسیده که ما تغییری اساسی نسبت به نوع نگاه و زاویه دیدمان به همه مسائل اعتقادی، اجتماعی، نظام حکومتی و رفتار حکومتی داشته باشیم.

بالاخره جمهوری اسلامی برپا شده است که به کجا برسیم؟ انقلاب کردیم که به کجا برسیم؟ انبیا آمده‌اند که به کجا برسیم؟ ائمه همه مجاهدت کردند، این همه شهادت‌ها برای چیست؟ همه اینها دنبال یک آرمان و هدف هستند. اگر آن [آرمان و هدف را] از آن بگیریم با تلاش‌هایی که دیگران انجام می‌دهند هیچ تفاوتی ندارد؛ یعنی هیچ ارزشی بر تلاش‌های ما افزوده نمی‌شود. شما بهتر از من می‌دانید که همه این تلاش‌هایی که در طول تاریخ انجام شده، برای تحقق یک آرمان بزرگ است؛ همان چیزی که فرمودید: «تحقق عدالت مهدوی در سراسر عالم»؛ یعنی همه آمده‌اند مثل این دوندگانی که چوب امدادی را به هم می‌دهند، همه یاری برسانند و آجرها را روی هم بگذارند تا بنای حاکمیت عظیم و درخشان اسلام بر دنیا به دست امام عصر علیه السلام برپا بشود. در دوران غیبت پایه تمام فعالیت‌ها و نگاه ما عبارت از

تحول در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی براساس آرمان مهدوی

در دوران غیبت پایه تمام فعالیتها و نگاه ما عبارت از انتظار است.

از انتظار است. به نظرم روی این کم کار کرده‌ایم. نه این‌که در تعریف انتظار و جمع‌آوری احوالات امام یا در ثواب انتظار و اهمیت آن کم کار شده است، نه خیر؛ حجم عظیمی از منابع ارزش‌مند گرد هم آمده است. آن مطلبی که من می‌خواهم خدمت شما عرض کنم، این است که اگر ما از زاویه انتظار به برپایی حکومت امام نگاه نکنیم، آن وقت تعلیم و تربیت‌مان، اقتصادمان، بانک‌داریمان و نظام اداریمان چیست؟ اقتصادمان چیست؟ مسائل اجتماعیمان چه شکلی می‌شود؟

بالاخره ما منتظر هستیم، هر لحظه منتظر هستیم. نمی‌دانیم چه موقع اتفاق می‌افتد. امیدواریم همین الساعه اتفاق بیفتد. ما مرتباً دعا می‌کنیم، عجل علی ظهورک؛ یعنی هر لحظه ممکن است اتفاق بیفتد. [ما باید] از منظر وظیفه منتظر مجدداً نظریه‌پردازی کنیم و نگاه نکنیم؛ من تردید ندارم بسیاری از این مفاهیم، روش‌ها و دستورالعمل‌هایی که ما برای زندگی اجتماعی و اداره کشور صادر می‌کنیم عوض می‌شود. من فکر می‌کنم اگر ما در مقابل این مبانی مادی غربی که همه بنیان‌های اجتماعی را بر پایه آن سوار کرده‌اند، ساختمان‌ها ساخته‌اند و همه پدیده‌ها را تحلیل، توجیه و تفسیر می‌کنند و راه حل تعریف می‌کنند، به این مبانی انتظار برگردیم، حتماً نوآوری‌های ما برای جهان و جامعه بشری بسیار پرجاذبه خواهد بود و به سرعت می‌توانیم بر فضای فکری و فرهنگی جهان غلبه کنیم؛ چرا که این حتماً اتصالی با فطرت و آرزوی انسان‌ها دارد و در حقیقت همه منتظر و دنبال کمال هستند. نقطه کمالی که در این دنیا اتفاق می‌افتد جز آن چیزی که ما دنبالش هستیم، نیست. ما از این غافل شده‌ایم.

اگر از منظر انتظار نگاه کنیم بسیاری از این مفاهیم، روش‌ها و دستورالعمل‌هایی که ما برای زندگی اجتماعی و اداره کشور صادر می‌کنیم عوض می‌شود.

ویژگی‌های معلم، مدیر، حاکم، عالم، محقق، کارمند، دانشجو و دانشگاه منتظر چیست؟ به نظر من این یک گام بالاتر از دانشگاه اسلامی است. دانشگاه اسلامی الآن تعریف شده است، اما دانشگاه اسلامی که منتظر است، ویژگی‌هایش چیست؟ چه فضایی باید داشته باشد؟ چه چیزی را باید مطالعه کنند؟ رابطه معلم و دانشجو چه می‌شود؟ به نظرم از این منظر یک فضای لایتناهی باز می‌شود و ما می‌توانیم از همه مناسباتی که در عالم هست، تفسیر جدیدی بکنیم.^۱

□ این دولت چهار شعار مطرح کرده است: عدالت‌گستری، مهرورزی، خدمت به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی جامعه، همه اینها برگرفته از فرهنگ انتظار است. در واقع، ابعاد مختلف یک جامعه منتظر است. اشاره فرمودند، نکته بسیار خوبی بود، ما بالاخره زمانی می‌توانیم به نقطه کمال و آرمان‌هایمان برسیم که هم آرمانی و اسلامی بیندیشیم، هم عمل کنیم و هم قوانین، مناسبات و روش‌هایمان مبتنی بر آن اصول و آرمان‌هایمان باشد. بالاخره در این شانزده هفده سال و بلکه بیشتر شاهد بوده‌اید که همواره یک گفتمان و ادبیاتی بر فضای عمومی کشور مسلط می‌شده است که تمام نظریه‌پردازی‌ها، تولید اندیشه‌ها، طراحی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و حتی اجرای کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داده است. ادبیات توسعه وقتی که آمد همه چیز را تحت تأثیر قرار داد. به نظر من این چهار محور می‌تواند گفتمان اسلامی و

شعارهای دولت
برگرفته از فرهنگ
انتظار است.

۱. سخن‌رانی در دیدار با مدیران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴/۷/۶.

گفتمان انتظار را بر همه فضای کشور غلبه بدهد و این ظرفیت را دارد. اگر واقعاً بیاوریم از منظر عدالت به جامعه نگاه بکنیم، می‌توانیم تمام نظامات حاکم بر دنیا را زیر سؤال ببریم و راه کارهای جدید، نو، مؤثر و توان‌مندی برای حل مشکلات بشر عرضه کنیم.

یا در بحث مهرورزی، همه تبلیغی که شما می‌کنید اگر یک رابطه عاطفی بین شما و مخاطب شما برقرار نشود، اصلاً انتقالی اتفاق نمی‌افتد، شک نکنید. شما می‌گویید و گوش‌ها از یک طرف می‌شنوند و از آن طرف دیگر بیرون می‌آید. حداکثر آن این است دانش اضافه می‌شود؛ در باورها و رفتارها اتفاقی رخ نمی‌دهد. آن چیزی که مؤثر است یا درست و مؤثر انتقال می‌دهد، رابطه عاطفی است. بحث عشق، مهر و محبت را باید ترویج کرد. اصلاً اگر بخواهد در جامعه اسلامی عدالت و احکام اسلامی پیاده بشود، باید جامعه‌ای باشد که همه نسبت به هم مهربان باشند؛ «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ یک اصل است.

همچنین خدمت کردن به هم‌دیگر که شما از من بهتر می‌دانید که خدمت به بنده خدا معادل چقدر عبادت است. بسیاری از مشکلاتی هم که امروز داریم و بسیاری از مقاومت‌هایی که در برابر جذب پیام انقلابی می‌شود [ناشی از غفلت از این اصل است]. من سه چهار سال قبل نامه‌ای خدمت آقا نوشتم و فضای کشور را تحلیل کردم. یک بخش آن این بود که در مقابل

از منظر عدالت
راه کارهایی جدید،
مؤثر و توان‌مند
برای حل مشکلات
بشر عرضه کنیم.

پیام‌های انقلاب یک نوع مقاومت هست. این را باید ریشه‌یابی کنیم. من با نگاه خودم آن را ریشه‌یابی کردم و رسیدم به این‌که رابطه محبت‌آمیز و اعتماد متقابل تضعیف شده است و این را باید تقویت کنیم؛ یعنی مدیران جامعه و همه شما جزو همین هستید که عرض می‌کنم. همه شما جزو حاکمیت هستید. بالاخره مردم، نظام جمهوری اسلامی را با این لباس می‌بینند؛ ولو رئیس یک سازمانی باشید یا نباشید. وقتی این رابطه تضعیف شده را تقویت بکنیم، آن وقت تمام نظریه‌پردازی‌ها و نوآوری‌های شما تا اعماق دل مردم نفوذ می‌کند.

من پیش‌نهاد می‌دهم اگر تشخیص دادید که این چهار محور می‌تواند بستر نوآوری‌های فکری، تولید اندیشه و حاکمیت یک گفتمان انقلابی و دینی بر همه ارکان جامعه بشود، می‌توانید به آن پردازید.^۱

ب) عوامل زمینه‌ساز

۱. ایمان مذهبی

□ البته با سفر امام رضا علیه السلام به ایران و آن شیوه عبورشان از کشور، ایشان در واقع این بذر را کاشتند، آبیاری و نهادینه کردند و این نهال را از آن دوران اولیه عبور دادند و این همین‌طور تحت ولایت ائمه علیهم السلام و در دوران غیبت هم باز اگر مطالعه بکنیم می‌بینیم که دست امام عصر علیه السلام همواره بالای سر

دست عنایت امام
زمان همواره بر
سر ملت ایران
است.

۱. سخن‌رانی در دیدار با مدیران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴/۷/۶.

ملت ایران بوده و همین تفکر و فرهنگ را تقویت و ترویج کرده و از این مطالبه ملت ایران صیانت کرده است، و ملت ما به مرور تربیت شدند تا بالاخره امروز این انفجار نور در این جا اتفاق بیفتد.^۱

□ ملت ما به طور عمیق عاشق اهل بیت علیهم السلام است و به دست ایشان و با نظارت مستقیم آنها تربیت شده است. لذا اگر کسی خادم این ملت باشد، افتخار در این است و هیچ افتخاری با این امر برابری نمی‌کند که انسان خدمت‌گزار این ملت باشد. البته توجه دارید و توجه داریم که این ویژگی‌ها بی‌جهت در ملت ما به وجود نیامده است.^۲

۲. آیین‌های دینی

□ نماز جمعه‌ای که امام در آن حضور نداشته باشد یا متصل به امام معصوم علیه السلام نباشد نمی‌گوییم [نخوانند]، خوب است، بخوانند، تشویق و تشکر می‌کنیم. نماز جمعه یعنی نقطه اتصال به کانون عالم. همه برکتش هم به خاطر آن است. کسانی که آن اتصال را ندارند ممکن است نماز جمعه برگزار کنند، ۵۰ برابر ما جمعیت جمع کنند، اما یک قران در زندگی‌شان تأثیر ندارد. می‌آیند، می‌روند، کانه یک مشت سنگ را گذاشته‌ایم کنار هم. آنهایی که برای نماز می‌آیند مقصر نیستند؛ آنهایی که مدیریت می‌کنند مقصرند که این ارتباط را غاصبانه قطع کردند و این قطع

نماز جمعه نقطه
اتصال به امام
زمان علیه السلام است.

۱. سخنرانی در گردهمایی مبلغین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴/۷/۶.

۲. سخنرانی در اولین جلسه هیئت دولت در مشهد، ۱۳۸۴/۶/۳.

۱۶۰۰ سال است که ادامه دارد. چیز جدیدی نیست الآن هم هست و امیدواریم که به زودی به پایان برسد.^۱

□ همه شما الآن به خوبی توجه دارید که حج بالا و والاترین و گسترده‌ترین مراسم عبادی و سیاسی است که در عالم برپا می‌شود. فلسفه حقیقی حج، برپایی حکومت جهانی است. اگر مفهوم حکومت جهانی را از حج برداریم چیزی تقریباً از حج باقی نمی‌ماند، جز یک سلسله اقدامات معمول.^۲ اصلاً بیاییم بالاتر، هدف اصلی از خلقت زمین و آسمان‌ها و انسان و هدف اصلی از ارسال رسل و مجاهدت‌هایی که در تاریخ انجام شده است، علاوه بر باز کردن راه کمال معنوی به روی انسان، قطعاً و بدون شک، برپایی حاکمیت اسلام در همه جهان است.

اگر ما آن وعده بزرگ و آخرین را از هستی برداریم، دیگر چیزی برای هستی باقی نمی‌ماند. آیا این همه زمین و آسمان، این همه انسان‌ها، این همه پیامبران، مصلحان و اولیا آمدند و رفتند تا جامعه بشری چنین زندگی را تجربه کند؟

اصلاً آن مفهومی که خدای متعال اراده کرد از خلقت آدم، در کجای تاریخ بشر محقق شده است؟ کجا متجلی شده است؟

فلسفه حقیقی حج، برپایی حکومت جهانی است.

تحقق آرمان آفرینش در زندگی پس از ظهور است.

۱. سخن‌رانی در دیدار با اعضای ستاد نماز جمعه، ۱۳۸۵/۵/۵.

۲. «و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند [با این حال] اگر [از کفر] توبه کنید آن برای شما بهتر است، و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد؛ و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده.» (سوره توبه، آیه ۳)

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مذکور نقل می‌کند که ایشان فرمود:

«خروج القائم و اذان دعوته إلى نفسه؛ مقصود از روز حج بزرگ و برائت از مشرکان، خروج قائم ما و مقصود از اعلام و اذان خدا، اعلام امامت آن حضرت و دعوت مردم به سوی خودش می‌باشد!» (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۷۶)

ممکن است بعضی بگویند خب پیامبران آمده‌اند، پیامبر عزیز اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام آمدند، بعضی عرفا و زهاد آمدند. اما این سؤال همچنان برجاست؛ پس دیگران چه؟ خداوند، میلیاردها و میلیاردها انسان خلق کرده است. گرچه این چند نفر، در بالاترین جای گاه و در نقطه اوجند و بالاتر از آنها نخواهد بود و البته می‌ارزید خدای متعال همه عالم را خلق کند، فقط برای وجود نورانی و مقدس حضرت زهراى اطهر علیها السلام، اما عزیزان من، اگر آن وعده آخرین محقق نشود تقریباً می‌توان گفت تمام مجاهدت‌های انبیا بی‌حاصل و ابتر می‌ماند.

همه انبیا آرزو داشتند که روز حاکمیت او را درک کنند.

همه آمدند دست بشر را گرفتند تا به جلو ببرند؛ به سمت قله نورانی. آن حادثه آن قدر مهم است که فرمودند اگر یک روز به پایان عمر عالم باقی مانده باشد، آن روز آن قدر طولانی می‌شود تا آن اتفاق مهم بیفتد.

اصلاً از اول خلقت، کاروانی حرکت کرده است، که مقصد نهایی آن کاروان، همان نقطه نورانی و درخشان است و در طول تاریخ، هر کسی که با این کاروان همراه بود، حقیقتی پیدا کرد و ماندگار و جاوید شد و هرکس با این کاروان همراه نبود، وجودی پیدا نکرد.

خارج از این مسیر، در این عالم چیزی وجود ندارد. نگاه کنید تاریخ را ببینید، چقدر آمدند و رفتند؛ میلیارد میلیارد. چه ارزشی؟ چه اهمیتی؟ چه جاودانگی‌ای؟ چه بهره‌ای از هستی؟ چیزی وجود ندارد. هرچه هست، در اتصال و ارتباط با این کاروان

است. کاروانی که امروز کاروان سالارش مولایمان حضرت مهدی علیه السلام است. کسی که همه انبیا آرزو داشتند که روز حاکمیت او را درک کنند و همه به او سفارش کردند و همه نشانی‌های او را دادند و همه بشر را به او دعوت کردند. حج بدون امام چه مفهومی دارد؟ حجی که با نام و یاد امام نباشد، چه دارد؟ اصلاً کسی که متصل و منتظر و پیوسته به امام نباشد، چه بهره‌ای از حقیقت برده است؟ آقا سیاست‌مدار است. در دنیا سیاست به چند؟ دو زار نمی‌ارزد. خوب تحلیل می‌کند، خوب تحلیل کند. آقا عارف است. عرفانی که منشعب از امام و متصل به امام و دعوت‌کننده به امام نباشد، با بقیه کارهایی که خلاق‌الله انجام می‌دهند، هیچ تفاوتی ندارد.^۱ اصلاً کسی که در این مسیر نباشد و متصل و منتظر نباشد، هر جایی که می‌خواهد باشد. مثل حادثه عاشوراست. نقطه اوج است. کسی که دعوت را شنید و لیبک نگفت، دیگر مهم نیست در کجا باشد؛ در حال طواف خانه خدا یا در میکده و عشرت‌کده باشد، هیچ فرقی ندارد. مگر خدا به این طواف‌ها نیاز دارد؟

حج بی‌امام بی‌یاد
امام، بی‌عشق امام،
بدون تلاش برای
حاکمیت امام و
دعوت به امام، چه
دارد؟

بعضی خیال می‌کنند همه این آفرینش بند به کارهای آنهاست؛ سرش را می‌تراشد، [خیال می‌کند] اگر این کار را انجام ندهد،

۱. در روایات مکرر تصریح شده است که پذیرش ولایت و اتصال به ایشان یکی از شروط مهم و قطعی پذیرش عبادات است. مانند این روایت که امام صادق علیه السلام فرمود:
«همانا اگر مردی شب‌ها را به عبادت به پا خیزد و روزها را روزه دارد و تمام اموالش را صدقه دهد و در تمام دوران عمرش به حج رود، و امر ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او باشد، برای او از ثواب خدای عزوجل حقی نیست و او از اهل ایمان نباشد.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹)

بساط خدا به هم می‌ریزد. خیر، این حرف‌ها نیست. حج بی امام بی یاد امام، بی عشق امام، بدون تلاش برای حاکمیت امام و دعوت به امام، چه دارد؟ چه بهره‌ای از حقیقت دارد؟ عزیزان من، همه این عالم برپا شده است تا آن روز نورانی اتفاق بیفتد. رییس کاروان و روحانی کاروان! مردم را با عشقی جمع می‌کنیم، می‌آوریم برای حج، این‌جا دستشان را در دست که می‌خواهیم بگذاریم؟ به چه کسی می‌خواهیم متصلشان کنیم؟ توجه ما جبل‌الله است؟!

همه حج برای امام است و اگر امام را از محوریت حج برداریم، چیزی باقی نمی‌ماند.

اصلاً اگر بخواهیم مأموریتمان را در حج خلاصه کنیم، در همین یک کلمه است و اگر این را از حج برداریم، چیزی باقی نمی‌ماند. کسی بیاید و برود و هیچ معرفتی به امام پیدا نکند، دلش به یاد امام پایین نریزد، چه از حج می‌ماند؟ آمدیم و طواف انجام دادیم و حرکت کردیم و یک مشت سوغات خریدیم و رفتیم. با سایر مسافرت‌ها چه تفاوتی دارد؟ همه شما اهل دل و عشقید. اصلاً مگر می‌شود ایمان ناب، بدون اذن امام در دل کسی وارد شود؟ همه شنیده‌اید امام خلیفه‌الله و واسطه فیض الهی است. اول فیض خدای متعال است. اصل هستی و خلقت است. همه این آفرینش است. ایمان می‌خواهی؟ اخلاق و همت و شجاعت، دل پاک و اعمال صالح می‌خواهی؟ جز از طریق امام چیزی وجود ندارد که او واسطه فیض الهی است.

مگر می‌شود کسی بدون اذن امام موفق شود به کسی لطفی کند؟ عمل صالحی انجام دهد؟ همه حج برای امام است و اگر امام را از محوریت حج برداریم، چیزی باقی نمی‌ماند.

خدمت بعضی از آقایان علما جلسه‌ای بود، عرض کردم اصلاً در این دوران مأموریتی جز دعوت به امام وجود ندارد. اصلاً برپایی جمهوری اسلامی و نظام ولایت، بالاترین فریاد و دعوت به امام است. تمرین اتصال به امام است. الا اگر از جمهوری اسلامی ایران اتصال به امام را بردارید، چه می‌ماند؟ این همه حکومت در دنیا است، یکی هم جمهوری اسلامی ایران است. همه عظمت و حقیقت و همه ارزش جمهوری اسلامی در اتصالش به این خط نورانی است. اگر تلاش می‌کنیم در جهان عدالت برپا شود، پاکی بیاید، بد اخلاقی‌ها و ظلم‌ها و زشتکاری‌ها از جامعه بشری بیرون برود، همه اینها برای این است که دل‌ها مهبیای ارتباط با امام بشود. حقیقت، روح و هدف حج، امام است و لا غیر.^۱

همه عظمت و حقیقت و همه ارزش جمهوری اسلامی در اتصالش به این خط نورانی است.

بعضی از ما فکر می‌کنیم که امام در یک نقطه دور و در انزوا مشغول به کار خود هستند، زمان را سپری می‌کنند تا روزی بیاید تا امامت امام آغاز شود. تصور می‌کنیم امام مشغول کاری نیست؛ اوضاع عالم را می‌بیند و غصه می‌خورد، ولی دخالتی در آن ندارد. این هم از آن اشتباهات بزرگ است.

شما می‌دانید که امام، امام است. و مدیریت عالم به دست امام است. امام سجاد علیه السلام به ظاهر در رأس حکومت نبود، اما مدیریت عالم در اختیار امام است. تدبیر جامعه بشری به دست اوست و عالم را به سمت نقطه موعود حرکت می‌دهد و بقیه ائمه علیهم السلام نیز، همین‌طور.

۱. امام باقر علیه السلام فرمودند: «تَمَامُ الْخَيْجِ لِقَاءُ الْإِمَامِ؛ تمام شدن خجج با دیدار و تجدید بیعت با امام صورت می‌گیرد.» (اصول کافی، ج ۴، ص ۵۴۹)

امروز هم آقا و مولایمان دنیا را مدیریت می‌کند. البته بشر هنوز به جایی نرسیده است که از همه لطف امام و از همه فیض وجودش بهره ببرد. اما امام مدیریت می‌کند. به دنیا نگاه کنید، بعضی فکر می‌کنند حوادث اتفاقی است یا حاصل کار کسی دیگر است. به شما می‌خواهم بگویم که خدا شاهد است ما روزانه، مدیریت امام را در عرصه جهانی می‌بینیم.^۱

□ شب قدر هدیه‌ای به انبیا و اولیای الهی است که به واسطه لطف و کرم خداوند بقیه انسان‌ها هم می‌توانند از شب قدر بهره ببرند. خداوند همه ماه مبارک رمضان را ماه میهمانی و ضیافت خودش قرار داد و همه اولیا، انبیا و بندگان خودش را به این مهمانی دعوت کرد، اما از فضل خدا دیگران هم می‌توانند بر سر این سفره حاضر بشوند. عزیزان من دقت بکنید در شب قدر شما علاوه بر این‌که در معرض ملائکه الهی و روح القدس هستید، در کنار امام عصر محور عالم خلقت حضرت بقیة الله علیه السلام هستید.

در شب قدر حساب و کتاب هم گشوده می‌شود. خدا می‌داند در کتاب و نامه هرکس چه نوشته شده است. اما شب قدر از یک طرف شب بخشش، رحمت، مغفرت است و از طرف دیگر شب تقدیر، سرنوشت، تعیین سرنوشت‌ها و آینده تک تک ماست. شبی است که به واسطه امام معصوم، خداوند از یک طرف گناهان و خطاها را می‌بخشد و از طرف دیگر سرنوشت نیکو و همه خیرات را برای بندگان رقم می‌زند.

مدیریت عالم به دست امام است.

۱. سخنرانی در سرزمین منا، جمعه ۱۳۸۶/۱۰/۷.

عزیزان من همت کنیم در شب‌های قدر گذشته را پاک و پاک‌سازی کنیم و یک آینده درخشان و پر از سعادت و پیروزی را رقم بزنیم. عزیزان، شب قدر شب دعاست. دعا برای خودمان، پدر و مادر، فرزندان، رفتگان؛ بیاییم بالاتر، دعا برای ملت ایران؛ بیاییم بالاتر، دعا برای همه انسان‌ها؛ بیاییم بالاتر، دعا برای امام زمان، حضرت مهدی علیه السلام. بدون تردید، امام معصوم و امام عزیز ما از خدا برای تک تک ما خیر و خوبی و سعادت می‌خواهد. او دائم دارد برای ما دعا می‌کند، برای پیش‌رفت، عزت، سلامتی و پیروزی ما دائم دستش بلند است و از خدا برای عزت شما دعا می‌کند.^۱ مطمئناً در شب قدر امام عصر علیه السلام با همه وجود برای شما دعا می‌کند. هنر آن است که در آن شب بفهمیم چه می‌گذرد. در کنار امام، ملائکه، روح القدس و در معرض بارش رحمت الهی جان‌هایمان را شست‌وشو و پالایش بدهیم و قلب‌هایمان را در معرض تابش نور قرار بدهیم و **إن شاء الله** با دعا یک سرنوشت عالی، رفع مشکلات، پیروزی و عزت را رقم بزنیم.^۲

مطمئناً در شب قدر امام عصر علیه السلام با همه وجود برای شما دعا می‌کند.

۱. مؤید این مطلب روایتی از امام رضا علیه السلام است که مشروح آن از این قرار است:

«عبدالله بن ابان زیات که نزد حضرت رضا علیه السلام منزلتی داشت، گوید به آن حضرت عرض کردم برای من و خانواده‌ام به درگاه خدا دعا بفرما. فرمود: مگر من دعا نمی‌کنم؟! به خدا که اعمال شما در هر صبح و شام بر من عرضه می‌شود. عبدالله گوید: من این مطلب را بزرگ شمردم. به من فرمود: مگر تو کتاب خدای عزوجل را نمی‌خوانی که می‌فرماید: «بگو (ای محمد) در عمل کوشید که خدا و رسولش و مؤمنان کردار شما را ببینند.» به خدا که آن مؤمن علی بن ابی‌طالب است.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۰)

۲. سخن‌رانی در دیدار با مردم رباط‌کریم، ۱۳۸۵/۷/۱۹.

□ شب‌های قدر شب اتصال و شناوری در دریای رحمت الهی است. شب‌های پالایش، خواستن و شب‌های رقم زدن سرنوشت‌های نیکو و متعالی است. دریچه‌هایی است که خدای متعال از لطف، کرم و رحمت خودش برای بندگان باز کرده. امثال بنده از درک عظمت و حقیقت این ایام و شب‌ها عاجزیم. اما همین مقدار می‌دانیم که خیلی ویژه است. اتفاقاتی در عالم می‌افتد. جایی که همه ملائکه و حضرت روح پی‌درپی بین زمین و آسمان در ترددند. چی می‌آورند؟ چی می‌برند؟ این معادلات عالم چه چیزی است؟ همه‌اش همین دو دو تا چهارتا و ابزاری مادی است که دور ماست؟ چه می‌شود؟ در این روزها و شب‌ها در این معادلات پیچیده و عظیم هستی، ما در کجای این معادله و در معرض کدام اشعه قرار می‌گیریم؟ نمی‌دانیم. همین مقدار می‌دانیم که باید دل‌مان را به این رودخانه و تنان را به این زلال بدهیم و قلبمان را در معرض تابش رحمت الهی قرار بدهیم. إن شاء الله که خداوند دل‌های همه ما را متوجه خودش بکند. إن شاء الله که خداوند همه رحمت خودش را بر همه بشریت به ویژه ملت ما و خصوصاً شما عزیزان نازل بکند.

همه عالم متکی بر یک محور، قطب و حقیقت مسلم است. دل‌هایمان را متوجه آن حقیقت بکنیم. خلیفة الله فی الارض و الارضین، آن کسی که خدا او را واسطه فیض خودش، واسطه حیات عالم و واسطه تعالی کل هستی قرار داده و هر موجودی در این عالم به واسطه او ارتزاق و حرکت می‌کند و هست. حقیقت شب قدر حقیقت امام و انسان کامل است و شب‌هایی

حقیقت شب قدر
حقیقت امام و
انسان کامل است و
شب‌هایی است که
باید متوجه امام
بشویم.

است که باید متوجه امام بشویم. سرنوشت به اذن الهی به دست امام عصر و انسان کامل رقم می‌خورد. خدا ان‌شاءالله دل‌های همه ما و همه بشریت را متوجه آن عزیز بکند. راه را گم نکنیم، دنبال چیزهای دیگر نرویم، خدا مسیر کوتاه، آسان و درهای باز را در مقابل ما قرار داده است. اسم اعظم الهی برای رشد، کمال و سعادت ماست. متوسل، متمسک و متوجه بشویم و آنها خوان کرمند. یک قدم که برویم صد قدم می‌آیند. یک نگاه که بکنیم صد تا نگاه می‌کنند. امکان ندارد سلام بدهیم جواب ندهند. مگر می‌شود تقاضا کنیم پاسخ ندهند؟ محال است. می‌شود کسی از امام درخواست بکند، امام پاسخ ندهد؟ البته درخواست درست و با باور و ایمان؛ نمی‌شود و محال است. مثل این که شما از خدا چیز خیری را بخواهید، هیچ پاسخی دریافت نکنید. محال است. حالا خدا چطور پاسخ می‌دهد، کجا این خیر را جاری می‌کند، حکمت و مصلحت چیست؟ دست خودش است. اما جواب می‌آید. داستان زیاد است و حقایق است. وقتی که آدم به اصل حقیقت توجه نمی‌کند بعد باید با حوادثی ذهن و دلش متوجه بشود. فلسفه معجزه انبیا همین است دیگر.^۱

محال است کسی با باور و ایمان از امام درخواست کند و امام پاسخ ندهد.

۳. حوزه‌های علمیه

□ نکته دوم که درس پس دادن خدمت شماس است، می‌خواهم عرض کنم همه این عالم خلق شد برای این که روزی در این کره ارض حاکمیت کامل اسلامی به امامت انسان کامل برپا بشود.

۱. سخن‌رانی در بازدید از سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۸۵/۷/۱۹.

همه انبیا و ائمه آمده‌اند، مجاهدت‌ها و همه این بساطی که در عالم برپا شد، به خاطر گل روی آقا امام زمان مهدی موعود ﷺ که عصاره هستی و میوه دل پیامبر و حضرت زهراى اطهره علیها السلام است، همه عالم درست شده که به آن جا برسیم. هر مجاهدتی که جز در راه تحقق این آرمان باشد، پوچ است. هر چه می‌خواهد باشد. حتی در راه برپایی عدالت و دعوت به توحید باشد، اگر در این مسیر نباشد، فایده‌ای ندارد. بروند و در بیابان‌ها بنشینند و برای خودشان حرف بزنند، ریالی ارزش ندارد.^۱

□ حال و هوای خود ما در تبلیغ چه باید باشد؟ اصلاً ما متنعم از ناحیه چه کسی هستیم؟ ما برای چه کار می‌کنیم؟ اگر بخواهیم همه تبلیغ را در یک کلمه خلاصه کنیم، همه تعاریف و این شرح وظایف و این‌هایی که بسیار هم خوب بود، درست بود، همه هنر ما این است که انسان‌ها و فطرت انسان‌ها را متوجه انسان کامل کنیم. وصلشان کنیم. یک خط اتصالی به دل‌ها بزنیم و از دل‌ها به آن همان چیزی که وظیفه همه ما در دوران غیبت است. این را برداریم، چیزی از اسلام و نهضت انبیا نمی‌ماند. همه برای این آمده‌اند. چقدر ائمه علیهم السلام ابراز عشق می‌کنند که ای کاش ما آن لحظه را ببینیم. اگر ما در قبل از ظهور باشیم چه می‌کنیم و چه می‌کنیم، این کار را می‌کنیم، آن کار را می‌کنیم؛^۲ دارند ما را هدایت می‌کنند.

هنر ما در تبلیغ
توجه و اتصال
انسان‌ها و فطرت
انسان‌ها به انسان
کامل است.

۱. سخن‌رانی در دیدار با علما و روحانیون شهر کرد، ۱۳۸۴/۱۲/۳.

۲. مانند بیان امام صادق علیه السلام که فرمودند: «لو أدركته لخدمته أيام حياتي؛ اگر او را می‌یافتم، تمام عمر خدمتش را می‌کردم.» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۴۵)

فلسفه انتظار زندگی انسان منتظر و مفهوم انتظار، تازه تازه دارد جا باز می‌کند؛ با این‌که مهم‌ترین موضوع دینی و مکتبی ماست. ما بدون این مفهومی نداریم. انسان غیرمرتبط با امام وجودی ندارد، مثل این‌که سیم به پریز برق وصل نیست. کسی که به این اصل و محور عالم خلقت و عصاره هستی وصل نیست که حیات ندارد، جان‌دار هست، ولی حیات متعالی ندارد. این سیم‌ها باید وصل شود. این سیم چگونه وصل می‌شود؟ همان تعریف انتظار؛ فضای انتظار؛ اگر از این منظر وارد بشویم همه مفاهیم عوض می‌شود؛ همه چیز. خواهید دید. این هم یک چیز روشنی است.

امروز هر خوبی‌ای در عالم جاری می‌شود به واسطه وجود مقدس امام عصر علیه السلام است. هر چه خوبی و هر چیزی ما انجام می‌دهیم، هر اندیشه و عمل نیکو، هر محبتی، لب‌خندی و هر کار خوبی در دنیا انجام می‌شود واسطه‌اش... ولو خودمان متوجه نشویم. اما اگر به آن وجود متوجه باشیم چه اتفاقی می‌افتد؟ همه تعاریف عوض می‌شود، زندگی‌مان عوض می‌شود. دانشجو، دانش‌آموز، معلم، مبلغ و کارمند منتظر؛ اقتصاد، جامعه و خانواده منتظر. از این منظر نگاه کنیم اصلاً تعاریف عوض می‌شود و یک چیزهای دیگر می‌شود. اصلاً کارها یک برکت دیگری پیدا می‌کند، چون به این شبکه عظیم عالم خلقت وصل می‌شود و همه عوامل پشت آن می‌آید.

شما خودتان زندگی پیامبر عزیز اسلام را مشاهده و ملاحظه بفرمایید. اگر با همین عقل مادی‌ای که امروز بر دنیا حاکم است

امروز هر خوبی‌ای در عالم جاری می‌شود به واسطه وجود مقدس امام عصر علیه السلام است. همه عالم پشت سر او هستند. این را باید در تبلیغاتمان بیاوریم.

نگاه کنیم، جزو محالات است که یک نفر بتواند بیاید به آن جایی که همه می‌دانیم چه وضعی داشت، در آن مکه و عربستان، ظرف بیست و سه سال آن غوغا را در عالم برپا کند. چرا اتفاق می‌افتد؟ برای این که وصل به این شبکه است. همه عالم پشت سر او هستند. این را باید در تبلیغاتمان بیاوریم. همه چیز ما این است و از قِبَل این، بقیه چیزها هم درست می‌شود.^۱

□ من از همه شما تشکر می‌کنم که در بهترین مسیر آمده‌اید. بعضی وقت‌ها آدم فکر می‌کند، هرکس در طول تاریخ تلاشی بکند، اگر تلاش متصل و مرتبط در این مسیر نباشد به چه دردی می‌خورد، در چه مسیری هست؟ صد سال می‌دود، برای چه می‌دود؟ صد سال عبادت می‌کند، برای چه عبادت می‌کند؟ می‌جنگد، برای چه می‌جنگد؟... خدا را شکر می‌کنیم که الحمدلله امروز دانشمندان، دل‌سوزان، علما، مخلصین و مؤمنین وارد این عرصه شدند. از شما هم تشکر می‌کنم. کار شما بسیار ارزشمند است، اگر این کار انجام نشود، بقیه کارها هیچ ارزشی ندارد. همه کارها هم باید این را پشتیبانی کند. هرکسی هر جا درس می‌خواند، برای چه درس می‌خواند؟ برای چه طلبه و دانشجو می‌شود؟ برای هر چیزی جز این چه می‌شود؟ پوچ است دیگر نقطه او جش یا آقای گورباچف یا آقای بوش می‌شود. اگر خیلی پیشرفت بکند آن جا می‌شود. اما آن چه باقی است، می‌ماند، حقیقت است و درست اتصال به این راه و در خدمت این مسیر بودن است.

ارزش هر کاری با
ارتباط به امام
زمان علیه السلام معنا
می‌یابد.

۱. سخنرانی در دیدار با اعضای سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵/۴/۵.

من از همه شما تشکر می‌کنم و از خدا می‌خواهم که خودش لطف کند عنایت حضرت دنبال شما باشد، کارتان برکت پیدا بکند که هرچه برکت است در این راه و در این اتصال است، واسطه فیض است. خارج از این اتصال چیزی نیست. اگر کسی خارج از این اتصال دنبال خوبی و زیبایی بگردد وجود ندارد. دنبال بقا و جاودانگی و تعالی باشد وجود ندارد. همه اینها همین جاست. ان‌شاءالله خود حضرت شما را عنایت کنند، کمک بدهند و راهنمایی کنند که می‌کنند. امام مأموریتش را انجام می‌دهد. امام که بی‌کار نیست. امام دارد امامت می‌کند. از شروع امامت هدایت امثال بنده راه گم کرده است. خدا ان‌شاءالله ظرفیت و شایستگی بدهد که هدایت‌ها شامل حال ما هم بشود. از همه شما تشکر می‌کنم. ان‌شاءالله عزیز و موفق باشید.^۱

□ عزیزان! برداشت من این است - البته شما بهتر از من می‌دانید - امروز مسئولیت‌های ما از ۲۷ سال قبل بسیار سنگین‌تر است. امروز آن کلام نورانی امام آشکارا دارد در دنیا موج می‌زند که فرمودند: «امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است.»^۲ من فکر می‌کنم این تشنگی باید با قلم و بیان و اندیشه بلند علمای اسلامی سیراب بشود. در همه جای دنیا می‌خواهند. همین امروز توی همین استان شما ببینید، جوان‌ها سؤال‌هایی که می‌کنند یک مقدار خار و خاشاک و غبارش را کنار بزنیم، می‌بینیم ته آن همین را می‌خواهد. چه کسی می‌تواند

تشنگی جهانیان
باید با قلم و بیان و
اندیشه بلند علمای
اسلامی سیراب
بشود.

حوزه‌های علمیه؛
کانون جوشان
ترویج فرهنگ
انتظارند.

۱. سخن‌رانی در دیدار با اعضای مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، ۱۳۸۵/۶/۴.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۷.

بگوید؟ کسانی که از منابع اصیل و در چارچوب و ضوابط درست دریافت کردند، باید منتشر بکنند والا بدانید این موج و انگیزه و حرکتی که در بشریت درست شده، اگر پر نکنیم دیگران می‌آیند به طریق انحرافی آن را پر می‌کنند.

من نمی‌دانم حالا در این استان هم هست یا نه؟ در جاهای دیگر من شنیده‌ام. در کشورهای دیگر آدم‌هایی پیدا شده‌اند که از آنهایی که شوق و ذوق اسلام ناب و حاکمیت اسلام و پیوستن به جریان حقیقی عالم هستی و امام عصر علیه السلام را دارند، اینها را به سوی فضاهاى انحرافی می‌برند. برایشان اندیشه و مکتب می‌سازند. یک دفعه چشم باز می‌کند، می‌بیند چقدر دور افتاده است. این را الآن باید به دنیا پاسخ بدهیم. اصلاً این بسیاری از مشکلات داخلی ما را هم حل می‌کند. جامعه‌ای که آرمان نداشته باشد، دچار سرگشتگی و فساد می‌شود. درست مثل آبی است که راکد شده است. حرکت حقیقی انسان به این تحرکات اقتصادی، اداری، خانه درست کردن و ماشین خریدن و اینها که نیست. آن حرکت روحی و تعالی معنوی انسان [است] و تعالی معنوی هم جز در ارتباط با این جریان حقیقی عالم اتفاق نمی‌افتد.^۱

□ آن کانون جوشان که باید از یک طرف در داخل کشور، فرهنگ، اخلاق و معنویت فضای امام زمانی ایجاد کند و از طرف دیگر الگوهای فکری، تربیتی و اخلاقی را به بشریت معرفی کند، کجاست؟ آیا غیر از حوزه‌های علمیه، علما، طلاب و

۱. سخنرانی در دیدار با روحانیون و علمای استان آذربایجان غربی، ۱۳۸۵/۶/۹.

فضلا جای دیگری داریم؟ این مدال درخشانی که از گذشته بر سینه اسلاف شما و شما نصب شده است که سرباز امام زمان علیه السلام؛ این خیلی معنا دارد؛^۱ یعنی کسی که می‌خواهد آن دو مأموریت را انجام بدهد.^۲

□ خوش‌بختانه، امروز نسل جدیدی از علما و فضلا در حوزه‌های علمیه تربیت شده‌اند؛ اینها عناصری هستند که مفاهیم حکومتی را به طور عمیق درک می‌کنند و به روز هستند و برای سؤالات امروز بشر پاسخ دارند و مکاتب مختلف را می‌شناسند.

در همین راستا، گروه‌هایی در قم هستند که ما با آنها هم‌آهنگی‌های لازم را انجام داده‌ایم و شما می‌توانید از این عزیزان دعوت کنید و حتی یک نفر می‌تواند به طور دائم در جلسات شورای معاونین شرکت کند و پشتیبانی نماید؛ یعنی گروهی ایجاد کنند که این مفاهیم را تعریف کنند و شما هم به آنها اطلاعات لازم را برسانید.

... یعنی علاوه بر این که این مفاهیم را تبیین می‌کنید و به ما ارائه می‌دهید، باید جلو بروید و تردید نکنید. اگر ما این کارها را

مسئولیت روحانیت
در تبیین، تدوین و
ترویج اندیشه
مهدویت مضاعف
است.

۱. در روایتی از امام هادی علیه السلام چنین آمده است:

«اگر در پس غیبت امام قائم علیه السلام علمایی نبودند که داعی بسوی او بوده و اشاره به او کنند، و با براهین الهی از او دفاع نمایند، و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند، و از بند نواصب (دشمنان اهل بیت) رهایی بخشند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می‌شدند. لکن علما کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می‌کنند، هم‌چون ناخدای کشتی که سگان آن را در دست دارد. این گروه همان شخصیت‌های برتر و افضل در نزد خداوند با عزت و جلال می‌باشند.»
(احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۸)

۲. سخن‌رانی در دیدار با علما و روحانیون شهر کرد، ۱۳۸۴/۱۲/۳.

انجام ندهیم، دانشگاه‌ها و مدعیان و صاحب‌نظران فعلی ما هیچ‌کدام وارد این فضا نخواهند شد، چون ذهن آنها این‌قدر انباشته از جداول و فرمول‌ها و تعابیر غربی است که فکر نمی‌کنند به غیر از اینها چیز دیگری در عالم وجود داشته باشد.^۱ اگر ما کارهای خودمان را با این نگاه جلو ببریم، آن وقت شما خواهید دید که حتی مخابرات هم در انتخاب نوع سیستم خودش از این مفاهیم تأثیر می‌پذیرد. لذا شک نکنید. اگر نگاه ما این‌گونه باشد، آن وقت متوجه می‌شویم برای رفع تبعیض، برقراری عدالت و بقیه امور، چه چیزی به درد ما می‌خورد.^۲

□ آن جمله نورانی حضرت امام که فرمودند: «جهان امروز تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است»،^۳ این واقعاً امروز علنی و مشهود است. اگر آن روز مکتوم بود و در دل ملت‌ها بود امروز به سرعت عیان می‌شود و دنیا از ملت ما هم انتظار تبیین، تدوین و ترویج این اندیشه و نظام ارزشی را دارد و هم انتظار ارائه الگویی عملی؛ به نظرم در هر دو این جهات روحانیت عزیز و متعهد شیعه که همواره پرچمدار این حرکت بوده است، امروز مسئولیتش مضاعف است. چشم‌ها به دل‌ها، اندیشه‌ها و زبان‌های روحانیت شیعه است. باید پیام را تدوین شده، زلال و درست

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«هر یک از اصحاب ما که فهم دین ندارد خیری ندارد، ای بشیر هر مردی از ایشان که از نظر فهم دین بی‌نیاز نباشد، به دیگران نیاز پیدا می‌کند و چون به آنها نیازمند شد او را در گمراهی خویش وارد کنند و او نفهمد.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳)

۲. سخن‌رانی در اولین جلسه هیئت دولت در مشهد ۱۳۸۴/۶/۳.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۷.

برسانیم؛ بدانید که آن اتفاق بزرگ خواهد افتاد. چون انسان‌ها الآن در آستانه انتخاب هستند. در داخل کشور هم همین‌طور است. شما می‌بینید عشق جوان‌ها به معنویت، عدالت و امام عصر علیه السلام روزافزون است و اگر با اندیشه ناب این دل‌ها سیراب نشود و درست هدایت نشود،^۱ اندیشه‌های انحرافی به سرعت جای‌گزین خواهد شد.^۲

۴. انقلاب اسلامی ایران

حقیقت این است که امام [خمینی] استمرار راه انبیا در دوران ماست.

□ راه نجات بشر بازگشت به فرهنگ انبیا علیهم السلام و دامان امام علیه السلام است. راه دیگری نیست.^۳ کسی خیال نکند که آقا ما هم می‌رویم دموکراسی [ایجاد می‌کنیم] و نجات پیدا می‌کنیم. اینها نیست. اگر دموکراسی در خدمت فرهنگ امام بود، مفید است و [اگر] نبود، ضلالت است.^۴

□ حقیقت این است که امام [خمینی] استمرار راه انبیا در دوران ماست. امام استمرار حقیقت، خداپرستی، عدالت‌طلبی و

۱. حضرات معصومین علیهم السلام تأکید کرده‌اند که جلوی انحراف را قبل از وقوع آن باید گرفت و سریعاً اقدام به تبیین صحیح اسلام کرد تا به فرقه‌های گم‌راهی مانند مرجئه که معتقد بودند، با وجود ایمان، نیازی به عمل صالح نیست، گرایش پیدا نکنند.

«بادروا أولادکم بالحدیث قیل أن یتبغکم إلیهم المرجئة؛ پیش از مرجئه، فرزندان خود را با معارف و سخنان نو و تازه ما آشنا کنید.» (صول کافی، ج ۶، ص ۴۷)

۲. سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب استان مازندران، ۱۳۸۵/۹/۱۴.

۳. اشاره است به این فقره از زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام :

«السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلك؛ سلام بر راه خدا که اگر کسی غیر آن را برود، هلاک می‌شود.» (مصباح کفعمی، ص ۴۹۵؛ مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام)

۴. سخنرانی در مسجد جامع نارمک، ۱۳۸۵/۷/۲۳.

کمال‌جویی انسان در عصر حاضر است. امام فریاد طغیان انسان‌ها در مقابل مادیت بی‌هویت حاکم بر جهان امروز و فریاد خداخواهی بشریت امروز است. امام یک راه، مکتب، درس زندگی، کمال و تعالی است.

حضور امروز در واقع حضوری سمبلیک و یک نوع بیعت و تعهد مجدد توسط خدمت‌گزاران ملت برای پی‌گیری، تداوم، پافشاری بر راه، آرمان‌ها و معیارهای امام است. اما این ارتباط همیشگی است. انقلاب ما، ملت ما و بشریت امروز هرچه که دارد از انقلاب امام است. انقلابی که یک اتصال تاریخی به نهضت انبیا و عاشورا دارد و یک آرمان بلند دارد که حکومت جهانی پر از عدل و خداپرستی امام زمان است. حضور ما در واقع اعلام و تأکید مجدد بر این آرمان، هویت و راه است.^۱

□ انقلاب اسلامی یک اتفاق و حادثه معمولی نیست، بلکه حرکت عظیمی است که در متن نهضت انبیا تعبیه و طراحی شده و دارای هدفی بسیار روشن و شفاف است؛ هدفی که آرزوی تمامی انبیا و آمال بشریت و غایت هستی است و آن حاکمیت خورشید درخشان امام عصر ﷺ بر سراسر گیتی است.^۲ همان‌طور که عرض کردم، این هدف انقلاب است.^۳

آرمان انقلاب
اسلامی حاکمیت
خورشید درخشان
امام عصر به
سراسر گیتی است.

۱. مصاحبه در حرم حضرت امام ﷺ به مناسبت ایام دهه فجر، ۱۳۸۶/۱۱/۱۲.

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ أَنَسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِمَهْدِيٍّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ رَسُولُ خِدا ﷺ فرمود: «مردمانی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه سلطنت مهدی را فراهم می‌سازند.» (سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۳۸، «کشف‌العمة»، ج ۲، ص ۴۷۷)

۳. سخنرانی در اولین جلسه هیئت دولت در مشهد، ۱۳۸۴/۶/۳.

□ حرکت امام دنباله حرکت پیامبر عظیم‌الشأن بود؛ جنس آن جنس حرکت پیامبر بود؛ آرمان، هدف، نگاه و ویژگی‌هایش همه عیناً مثل حرکت پیامبر عزیز اسلام بود. به همین دلیل از ابتدا پیروز بود و الآن هم پیروز است و إن شاء الله در آینده هم پیروز خواهد بود.

همه پیامبران برای یک آرمان مقدس آمدند و بشر را برای رسیدن به آن آرمان یک گام جلو بردند. همه در یک مسیر حرکت کرده‌اند. هیچ فرقی بین پیامبران نبود؛ به لحاظ پیام. همه آمدند به خداپرستی و عدالت دعوت کنند. همه آمدند بشر را یک گام به سمت آن آرمان نهایی جلو ببرند. همه پیامبران مقدمه‌ساز بودند و تمهید مقدمات کردند برای اتفاق بزرگی که باید بیفتد و حرکت امام عزیز ما هم از همان جنس است؛ یک حرکت مقدمه‌ساز.^۱ تمهید مقدمات است برای یک اتفاق بزرگ؛ روزی که حاکمیت عدل اسلامی به دست فرزند پیامبر عزیزمان، حضرت مهدی علیه السلام در سرتاسر گیتی حاکم شود و دوران درخشان حاکمیت احکام الهی به طور کامل آغاز شود.^۲

حرکت امام عزیز تمهید مقدمات است برای یک اتفاق بزرگ.

□ مأموریت اصلی انقلاب و نظام چیست؟ رابطه این انقلاب و این نظام با جامعه مهدوی که غایت حرکت انبیاست چیست؟ ... اگر ما همین جمعی که این جا هستیم در دوران امیرالمؤمنین علی علیه السلام یا هریک از آن ده فرزند ایشان زندگی می‌کردیم، نسبت

مأموریت اصلی نظام، زمینه‌سازی ظهور است.

۱. امام راحل علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «ما در انتظار رؤیت خورشیدیم.» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱)

۲. سخنرانی در دیدار با اعضای ستاد برگزاری مراسم ارتحال حضرت امام علیه السلام ۱۳۸۵/۳/۸.

و رابطه‌مان با ایشان چگونه تنظیم می‌شد؟ حالا همین دو سؤال را نمی‌خواهم پاسخ بدهم. شما پاسخ‌ها را بهتر از من می‌دانید. من می‌خواهم پیرامون همین موضوع کمی سؤال‌ها را باز کنم. به نظرم می‌رسد که انقلاب و نظام اسلامی هیچ وظیفه‌ای و مأموریتی جز تمهید مقدمات آن حرکت آخرین ندارد؛ یعنی هر چیزی از این راستا خارج باشد، هم بی‌هدف است هم بی‌ارزش و ولو در آن کشته هم بشود، ولو بی‌خوابی هم بکشد. همه انبیا و ائمه آمده‌اند و همه تلاش‌ها برای تحقق آن هدف نهایی است. انقلاب و نظام هم جز این وظیفه‌ای ندارد. به نظر من می‌رسد که اگر یک لحظه این ارتباط آرمانی قطع بشود، همان لحظه، لحظه سقوط یا انحراف ماست. در هر کاری که این ارتباط قطع بشود آن کار باطل و بی‌ثمر است. بعضی‌ها خیال می‌کنند حالا ما جمهوری اسلامی درست کردیم و حکومتی درست کردیم دو دسته سه دسته بشویم با هم دیگر رقابت بکنیم، یک مدت اینها حکومت بکنند، انتخابات بگذاریم، با تبلیغات اینها را بگذاریم کنار، یک عده دیگر بیایند، همین‌طور صد سال دوست سال پانصد سال؛ دعوا بر سر این باشد که چه کسی حاکم، نماینده مجلس، رئیس‌جمهور، شورای شهر و شهردار باشد. همه همتان را جمع کنیم آنها را کنار بگذاریم ما سر کار بیاییم. یا کمی بالاتر؛ بعضی‌ها خیال می‌کنند جمهوری اسلامی درست شده که ما به آن چیزی که به نظرمان می‌آید عمل کنیم. ببینیم دنیا چه کرد، ما هم همان کار را بکنیم. آیا واقعاً این‌طور است؟

انقلاب و نظام
اسلامی هیچ
وظیفه‌ای و
مأموریتی جز تمهید
مقدمات آن حرکت
آخرین ندارد.

یعنی انقلاب بر پا شد که یک عده‌ای بنشینند هرچه به ذهنشان آمد؛ در دانشگاه چه درسی خوانده‌اند همان را اجرا بکنند. یا ببینند دنیا چه کرده ما هم همان کار را بکنیم. حالا در اقتصاد، در فرهنگ، در سیاست. بگذارید از سیاست خارجی در یک پراتز برایتان بگویم. بعضی‌ها به بنده می‌گفتند آقا تو ادبیات دیپلماسی رایج دنیا را رعایت نمی‌کنی. ما گفتیم خب این ادبیات دیپلماسی رایج دنیا را چه کسی نوشته است و با چه مبنا و هدفی نوشته است؟ چه کسی چنین قانونی گذاشته که ما باید آن را رعایت کنیم؟ اقتصادش هم همین است. بعضی‌ها برخی از این فرمول‌های اقتصادی غربی را از وحی منزل هم بالاتر می‌دانند. همین الآن هم ما این گرفتاری را داریم. خیال می‌کنند حالا انقلابی شده، حالا ماییم دیگر، خودمانیم دیگر. اسلامی‌اش هم به این است که ببریم شورای نگهبان بگویند مابینت و مغایرتی ندارد، دیگر تمام.

هر لحظه هر روز و در هر اقدامی ما باید نسبت خودمان را با جامعه مهدوی بسنجیم و تنظیم کنیم.

من فکر می‌کنم هر لحظه، هر روز و در هر اقدامی ما باید نسبت خودمان را با جامعه مهدوی بسنجیم و تنظیم بکنیم والا حتماً بی‌راهه می‌رویم. می‌خواهیم برای برنامه‌هایمان، بودجه‌مان، آموزش و پرورشمان، فرهنگمان و صنعتمان اهداف بنویسیم، یک نسبت با آن‌جا برقرار کنید. اگر برقرار نشود بیراهه است. اگر ما زمان ائمه معصومین علیهم‌السلام بودیم، یازده امام معصوم که به شهادت رسیدند واقعاً چه حالی داشت؟ غیر از این بود که هر روز صبح یا هر لحظه چشممان به آن‌جا بود. از آن‌جا چه می‌آید؟ چه فرمانی صادر می‌شود؟ موضع‌گیری و جهت‌گیری چیست؟

اصلاً می‌شود انسان در زمان امام معصومی باشد که او را ببیند یا بتواند دسترسی پیدا کند و در ۲۴ ساعت یاد او نباشد؟ این که اصلاً شیعه نمی‌شود. شیعه یعنی هر ۲۴ ساعت نگاه بکنند، دستور بگیرد.^۱

طوری فرمان‌داری کنید که اگر امام آمد شما را در فرمان‌داری ابقا کند.

□ بگذارید خاطره‌ای از حضرت آیه‌الله مهدوی (کنی) عرض کنم. بیست و چهار پنج سال پیش ما فرمان‌دار بودیم؛ با فرمان‌داران کشور خدمت ایشان جلسه‌ای داشتیم، ایشان وزیر کشور بودند. صحبتی را برای ما کردند که از آن تاریخ یک جمله‌اش هر روز در ذهن من است. ایشان فرمودند: «طوری فرمان‌داری کنید که اگر امام آمد شما را در فرمان‌داری ابقا کند.» باید طوری زندگی کنیم که امام می‌خواهد. آنگاه امام خواهد آمد.^۲

شان امامت تعطیل بردار نیست. امام حتماً امامت و تدبیر می‌کند.

□ حالا این سؤال پیش می‌آید. آیا امام زمان ما همین الآن که ما این جا هستیم، ایشان امام هستند، امامت می‌کنند، شان امامتشان برپاست یا برپا نیست؟ بعضی‌ها خیال می‌کنند که امام رفته‌اند در یک جای دوری منتظرند. قدم می‌زنند، زندگی می‌کنند، منتظرند یک روزی بگویند بفرمایید همه چیز فراهم شد. آیا واقعاً این طور است؟ مگر نه این که همه عالم به وجود امام برپاست. مگر نه این که امام واسطه فیض الهی است. مگر نه این که شان امامت تعطیل بردار نیست. امام، امام است، دارد

۱. سخن‌رانی در دیدار با روحانیون و علمای استان خراسان، ۱۳۸۵/۱/۲۱.

۲. سخن‌رانی در همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ۱۳۸۵/۶/۱۵.

امامت می‌کند، با این شرایط. امام حتماً امامت می‌کنند، تدبیر می‌کنند. مگر رابطه‌شان قطع است؟ می‌شود قطع باشد؟ اگر قطع باشد که همه چیز نابود می‌شود.^۱

□ موج دوم انقلاب اسلامی آغاز شده و این موج گسترده‌تر و عمیق‌تر از موج اول است. در واقع صدور مبانی انقلاب و ارزش‌های انقلاب امروز در دنیا دارد ظاهر می‌شود چون امام عزیز ما فرمودند انقلاب صادر شده است و امام کسی نبود که حرف بی‌مبنا و بی‌حساب بزند. امام حرفش روی حساب بود، اما انسان‌های ظاهرین فکر می‌کردند انقلاب صادر شده، همین امروز باید اتفاقاتی در دنیا بیفتد یا شبیه همان چیزی که در ایران است عین همان باید آن‌جا اتفاق بیفتد. مردم حرکت کنند و یک جمهوری اسلامی مثلاً کشور فلان‌جا تشکیل بشود. در صورتی که این نیست، خود انقلاب مقدمه چیز دیگری است. خود انقلاب یک مسئولیت دیگری بر عهده دارد، کما این‌که نهضت‌های همه انبیای الهی هم مقدمه بوده است. حرکت یازده امام معصوم هم مقدمه بوده است. همه اینها آمده‌اند مقدمه‌ساز آن اتفاق بزرگ بشوند و اگر ما می‌گوییم انقلاب اسلامی صادر شده است، یعنی در گوشه و کنار دنیا، در همه جای دنیا یک تحرکی در جهت تحقق آن آرمان به وجود آورده است، نه این‌که لزوماً ما فکر کنیم حالا صد تا کشور در دنیا حکومتشان جمهوری اسلامی بشود. این نیست. چون برای تحقق آن آرمان ضرورتی

اگر می‌گوییم انقلاب صادر شده است یعنی بر همه جای دنیا یک تحرکی در جهت تحقق آن آرمان به وجود آمده است.

۱. سخن‌رانی در دیدار با روحانیون و علمای استان خراسان، ۱۳۸۵/۱/۲۱.

ندارد همه کشورهای دنیا یکی یکی جمهوری اسلامی بشوند و بعد آن اتفاق بیفتد. نه، چنین ضرورت و الزامی نیست. ممکن است بشود، اما الزامی نیست.

انقلاب آمد فطرت‌ها را بیدار بکند، دل‌ها را زنده کند، چشم‌ها را باز کند، بشر را از یک انحراف تاریخی نجات بدهد و جریان حرکت بشریت را به مسیر تعالی درست برگرداند و به شما عرض بکنم، امروز این اتفاق به سرعت در حال وقوع است و جهان در آستانه تحولات بزرگ است. مبانی نظری و ذهنی ملت‌ها به سرعت دارد عوض می‌شود. معیار ارزیابی ملت‌ها دارد عوض می‌شود. روحیات ملت‌ها دارد عوض می‌شود و این عجیب است.

انقلاب آمد فطرت‌ها را بیدار بکند، دل‌ها را زنده کند، چشم‌ها را باز کند.

شاید برایتان جالب باشد که به شما عرض کنم، آن روحیه‌ای که امروز در شرق آسیا در بین مسلمانان می‌بینیم همان را در بین مسیحیان می‌بینیم. همان را در بین هندوها می‌بینیم. بگذارید چند مثال برایتان بزنم. ما به اندونزی رفتیم. شما خبرهایش را دیدید. طبیعی است که اخبار نمی‌تواند واقعیت آن‌جا را منعکس بکند. یک هتلی بود ما به آن‌جا می‌رفتیم. محل استقرار ما بود. روزی که رفتیم در سالن ورودی هتل - که یک سالن بزرگی است - در آن‌جا دیدیم یک کلاس گذاشته‌اند و تعداد زیادی لیسانس‌های روان‌شناسی اجتماعی آمده‌اند دارند یک دوره عملی می‌بینند. صدتا دختر و پسر. ظاهر هیچ کدامشان هم ظاهر حزب‌اللهی و مذهبی نبود. شب جمعه اینها کلاسشان تمام شده بود. یک گواهی‌نامه به آنها داده بودند، امتحان گرفته بودند و نمره‌ها [را

داده بودند]. شب ما از یک جلسه‌ای برگشتیم و دیدیم اینها همه داخل همین سالن منتظر ما ایستاده‌اند و می‌گویند آقا این گواهینامه ما را شما امضا کنید. گفتیم آقا ... گفتند نه ما می‌خواهیم از تو یادگاری داشته باشیم. مگر تو احمدی‌نژاد نیستی؟ گفتیم چرا. گفتند امضا کن. آنها هم که هم‌راه اینها بودند و گواهی‌نامه نداشتند، رفتند یک کاغذی، دفترچه‌ای پیدا کردند و گفتند آقا یک جمله‌ای برای ما بنویس. گفتم من فارسی می‌نویسم گفتند باشد خودمان ترجمه می‌کنیم. در همین موقع دیدیم یک آدم قوی‌هیکل درشتی هم آمد جلو و با روحیه شاد سلام علیک و احوال‌پرسی و یک کاغذ داد گفت برای من یادگاری بنویس. گفتم شما اهل این جا نیستید. گفت من آلمانی هستم. گفتم شما دیگر چه می‌گویید؟ حرفتان چیست؟ گفت هیچی، شما پیروزی، محکم بایستید، امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. او می‌گفت من افتخار می‌کنم و برای من بهترین لحظه است که با شما یک عکس بیندازم. از این تعارفات و حرف‌ها زیاد است. ما از آن جا برای نشست سران DA به جزیره بالی اندونزی رفتیم - جزیره بالی ۷۰ درصدش هندو هستند - قبل از این که نشست شروع بشود، برای کشورهای مختلف یک نمایشگاه گذاشته بودند. کارمندان آن جا همه هندو بودند. حالا سران هشت تا کشور دارند قدم می‌زنند. دیدیم همه با یک شوقی زن و مرد با همان لباس‌های خودشان آمدند به سمت جمهوری اسلامی. آقا ما می‌خواهیم یک عکس بگیریم. گفتم بسیار خوب عیبی ندارد. عکس انداختند. انگار دنیا [را به آنها

شما پیروزی، محکم
بایستید، امریکا
هیچ غلطی
نمی‌تواند بکند.

داده‌اند]. بیست روز الی یک ماه بعد از آن برای شرکت در نشست سران شانگهای به چین رفتیم. شهر شانگهای شهر خیلی بزرگی است، هفده، هجده میلیون جمعیت دارد. [نیروهای امنیتی، حفاظت شدیدی را اعمال می‌کردند]. ظاهراً شهر را تعطیل کرده بودند و ترددی نبود. من هم در ذهنم این بود که بالاخره ما این مردم را ببینیم چه شکلی هستند؟ نمی‌شود که ما بیاییم برویم و هیچ ارتباطی با این مردم نداشته باشیم. همه‌اش هم پیوسته جلسه داشتیم یا جلسه عمومی، یا ملاقات دوجانبه خیلی فشرده بود. در این میان سه چهار تا [موقعیت] پیدا شد که ما با چندتا از گروه‌هایی از جوان‌های چینی برخورد کردیم؛ عین همان احساسی که در دانشگاه اندونزی [و در بین] جوان‌های مسلمان [بود]. دیدیم کمیته‌های دانشجویی تشکیل داده‌اند، کمیته استقبال، برو، بیا، شعر درست کردند، دعوت کردند، تظاهرات پنجاه هزار نفری در استقبال از این که می‌خواهد بیاید دانشگاه سخنرانی کند. شعارهای انقلاب، فریادهای انقلاب، اصلاً ما را توی سالن روی دست بردند. ما دیدیم همان حالت در جوانان چینی هست. می‌گفت: محکم باشید، دوستان داریم. عاشق شما هستیم. حالا در این کشورهای دور و بر که دیگر اصلاً ... رفته بودیم به یکی از کشورهای اطراف، من اطلاع نداشتم بعداً مطلع شدم. مردم جمع شده بودند آن جایی که محل اقامت ما بود؛ چند صد نفر، چند هزار نفر. تا دو سه نصف شب که ما فقط می‌خواهیم او را ببینیم. که مسئولین آن جا به ما اطلاع ندادند. ما نمی‌دانستیم والا می‌رفتیم با آنها ملاقات می‌کردیم. همه حرف‌ها

هم یکی است. مشت‌ها گره کرده، ما زنده‌ایم، ما زنده شده‌ایم. این طرف هم همین‌طور است. افریقا رفتیم عین همین حالت بود. کشوری که اسمش را هم من دفعه اول بود شنیدم. می‌دانستم ولی حساس نشده بودم. وقتی که دعوت کردند گفتیم برویم ببینیم؛ دیدیم عجب، رفتیم نماز جمعه. کل نماز جمعه (خطبه‌ها، نماز و سخن‌رانی بنده) بیست دقیقه طول کشید. مترجم هم داشت. من که می‌گفتم، او ترجمه می‌کرد. چهل و پنج دقیقه خداحافظی طول کشید. ما از این در پشت آمدیم دیدیم مردم سریع خودشان را به دور ماشین رسانده‌اند. الله اکبر، ایران، اسلام، حالتی عجیب. حالا بگویم امریکای جنوبی هم عین همین بود؟ بگویم به شما در خود اروپا الآن همین‌طوری است؟ اینهایی که من می‌گویم از روی اطلاع می‌گویم.

بالاخره ما می‌خواهیم عرصه سیاست خارجی را مدیریت کنیم و باید واقعیت را بدانیم. من کوچکش می‌کنم، کوچک‌تر از آن چیزی که هست می‌گویم، امریکا را برایتان بگویم؟ از یک هفته قبل از این که ما به امریکا برویم، می‌دانید که نیویورک جایی است که تحت سیطره صهیونیست‌هاست. بازارش، گردش مالی‌اش؛ می‌گویند آن‌جا اصلاً شهر حاکمیت صهیونیست‌هاست. سه چهار میلیون رأی در جیب صهیونیست‌هاست. از یک هفته قبل از رفتن ما اینها تبلیغات سنگین، که بشتابید تظاهرات روز چهارشنبه ساعت ده. این احمدی‌نژاد همان کسی است که گفته اسرائیل باید از بین برود. این همان کسی است که ضد هولوکاست حرف زده است. بیایید می‌خواهیم قدرت‌نمایی کنیم.

نیویورک جایی
است که تحت
سیطره
صهیونیست‌هاست.

یک صفحه آگهی در روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون‌ها، آنها هم که دیده‌اید تبلیغاتشان مثل ما نیست. آنها درست و حسابی تبلیغات می‌کنند. فکر می‌کنید چند نفر جمع شد؟ من فرستادم گفتم بروید بشمارید، ببینید اینها چقدر هستند؟ ۸۰۰ تا آدم جمع کردند ۲۰۰ تا هم همان‌هایی بودند که با ما ملاقات کردند؛ ضد صهیونیست بودند. دویست تا هم اینها و بعد هم با هم درگیر شدند، در خیابان بزن بزن بود. رویشان نشد خبرش را در رسانه‌هایشان منتشر کنند که من همان شب در مصاحبه گفتم، گفتم این است؟ طرف گفت آخر مردم امریکا از دست تو ناراحتند و با این حرف که اسرائیل باید از بین برود، مخالفند. گفتم امروز نتیجه‌اش را دیدیم. با این تبلیغات یک هفته‌ای ۸۰۰ تا را آورده‌اید آن هم با اتوبوس. نمی‌دانم پول ناهارشان را هم داده‌اید یا نداده‌اید؟ اما بدانید در کشورهای ما و کشورهای دنیا مردم علیه صهیونیست‌ها می‌آیند و با پول خودشان می‌آیند. و می‌دانید چقدر دانش‌آموزان امریکایی نامه نوشتند برای من که آقا این دولت ما حرف‌های شما را سانسور می‌کند. رسانه‌های ما وابسته‌اند، تو مستقیم با ما حرف بزن. شماره تلفن دادند که آقا حرف بزن، ما بلندگو می‌گذاریم توی مدرسه حرف‌هایت را پخش کنیم. ما می‌خواهیم حرف‌هایت را بشنویم.

دنیا از ما دو انتظار دارد. یکی این‌که بایستیم، دوم این‌که الگو بدهیم. باید محکم بایستیم. البته با تدبیر ولی باید بایستیم. و دوم الگو بدهیم. دنیا الگو می‌خواهد، جامعه شاهد می‌خواهد. چه کسی باید این را درست کند؟ غیر از ما؟ پیامبر عزیزمان حضرت

دنیا از ما دو انتظار دارد. یکی این‌که بایستیم، دوم این‌که الگو بدهیم.

دنیا از ما دو انتظار دارد. یکی این‌که بایستیم، دوم این‌که الگو بدهیم.

محمد مصطفی ﷺ وعده‌اش را داده‌اند. مگر نفرمودند که یک قومی می‌آیند این طوری و آن طوری هستند و اسلام را منتشر می‌کنند. باید الگو بسازیم. حالا بگذارید این وسط من یک نیمه شوخی بکنم، شوخی نیست، جدی است، ولی در آن شوخی، انتقاد و گزندگی هم هست. من خیلی وقت‌ها می‌شود به این دوستان می‌گویم نگران نباشید ما پیروزیم، به خصوص در این [موضوع انرژی] هسته‌ای. دائماً هیاهو می‌کنند. می‌گویم کار تمام است، من می‌بینم که کار تمام است، کاری نمی‌تواند بکنند. چه کار می‌خواهند بکنند؟ افکار عمومی دنیا الآن دست جمهوری اسلامی است، آنها در افکار عمومی دنیا خلع سلاح هستند، از نظر قانونی، حقوقی و افکار عمومی خلع سلاح هستند. در بین مردم خودشان هم خلع سلاح هستند. چه کار می‌خواهند بکنند؟ انسان وقتی می‌خواهد سیاست خارجی را مدیریت کند باید قدرت خود و شرایط دشمن را بفهمد، مرعوب نباشد و از اینها نترسد. ما بارها اتفاق افتاده می‌گوییم آقا نگران نباشید تمام است پیروزیم. بعضی‌ها می‌گویند احمدی‌نژاد حرف‌های آسمانی می‌زند. بعد شروع به تمسخر می‌کنند. آن یکی که برداشته داستان ساخته، سی دی درست کرده، پخش کرده و مسخره کرده است. من رفته بودم [امریکا]، خبرنگار دائماً از من می‌پرسید. گفتم من هم در روزنامه‌ها این چیزها را خوانده‌ام، شماها برای بازار گرمی درست می‌کنید.

ما در این ۲۷ سال نصرت الهی را ندیده‌ایم؟ حتماً باید خدا برای قرن چهاردهم هم کوه را بشکافد و یک شتر بیرون بیاورد

امروز انقلاب اسلامی مفتخر است که پرچم صیانت و پیگیری این آرمان را بلند کرده است.

تا باور کنیم؟ البته آن کسانی که اهلش نباشند شتر هم که بیرون بیاید باور نمی‌کنند. دیده‌ایم که [باور] نکرده‌اند. وجود امام مگر معجزه نبود؟ انقلاب اسلامی معجزه بود یا نبود؟ از این معجزه بزرگ‌تر در تاریخ سراغ دارید؟ از این که ۲۷ سال است این ملت ایستاده و هست و روز به روز قدرت‌مندتر می‌شود و دشمنانش ذلیل‌تر [می‌شوند] از این معجزه بزرگ‌تر هست؟ من نمی‌دانم دیگر معجزه برای مردم قرن چهارده از چه جنسش باید بیاید. غیر از این است؟^۱

□ امروز انقلاب اسلامی مفتخر است که پرچم صیانت و پیگیری این آرمان را بلند کرده است. به نظر من برای این که ما به این جریان کمک کنیم باید دو کار انجام دهیم. در گام اول در ایران عزیز جامعه اسلامی‌تر از امام زمان برپا کنیم. ببینند کسانی که دنباله‌رو هستند و آرزو دارند، در خودشان چگونه زندگی می‌کنند؟ حرف‌هایشان چیست؟ دنبال چه هستند و اخلاق، رفتار، فرهنگ، ادب، خانواده، روابط اجتماعی و اقتصادشان چگونه است؟ باید الگو بشویم و جامعه شاهد و الگو را برپا بکنیم. این مأموریت ماست. و دوم به لحاظ نظری، فرهنگی و اخلاقی جامعه بشریت را تأمین کنیم. امروز تردید نکنید، جهان بشریت تشنه فرهنگ اسلامی است. این کلام بلند امام عزیز ماست که فرمودند: «امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی ﷺ است.»^{۱ و ۲}

باید الگو بشویم و جامعه شاهد و الگو را برپا بکنیم. این مأموریت ماست.

۱. سخن‌رانی در جمع تشکل‌های پیرو خط امام، ۱۳۸۵/۷/۲۲.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۷.

□ تردید نداشته باشید که این سنت الهی است؛ یعنی هر قوم، فرد یا جامعه‌ای استحقاق و ظرفیت نعمتی را پیدا کند، به طور حتم آن نعمت را به او خواهند داد؛^۲ منتها تعابیر و برداشت‌های ما از این ظرفیت متفاوت است. مثل پیروزی انقلاب اسلامی که خیلی‌ها فکر می‌کردند بعد از بهمن‌ماه ۱۳۵۷ هم باید بیست سال دیگر مبارزه کنیم. به همین دلیل می‌گفتند مگر می‌شود با ساواک، ارتش، شاه و امریکا و چین و شوروی در بیفتیم و پیروز هم بشویم؟

امروز تردید نکنید،
جهان بشریت تشنه
فرهنگ اسلامی
است.

خیلی از بزرگان ما هم به دنبال سازماندهی و طراحی برنامه‌های حکومت‌داری و تربیت کادر و این‌طور حرف‌ها بودند، ولی انقلاب اسلامی، علی‌رغم تمامی این حرف‌ها، پیروز شد.

اگر به یاد داشته باشید، تحلیل بعضی از گروه‌های التقاطی این بود که انقلاب زود پیروز شد و ما هنوز سازماندهی نداریم. البته آنها نمی‌فهمند که معادلات الهی با این معادلات متفاوت است. حضرت امام علیه السلام در یک جمله پاسخ دادند و فرمودند ملتی که انقلاب می‌کند، خودش قادر است از آن دفاع کند؛ یعنی هنگامی که ظرفیت‌های لازم در ملتی ایجاد می‌شود، آن اتفاق خواهد افتاد و این طور نیست که فکر کنیم همه ظواهر باید فراهم بشود. بنابراین، ما باید تلاش کنیم و به سرعت به سمت ایجاد

۱. سخن‌رانی در دیدار با علما و روحانیون شهر کرد، ۱۳۸۴/۱۲/۳.

۲. اشاره است به آیه ۱۱ سوره رعد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»؛ «خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.»

ظرفیت‌های لازم برویم که یک وجه آن را خدمت شما عرض می‌کنم.

بعضی‌ها فکر می‌کنند آماده شدن به این معناست که تمام خیابان‌های ایران را آسفالت کنیم، پل بزنیم، ریل قطار بکشیم، گلستان درست کنیم و خانه‌های هشتاد طبقه بسازیم و همه چیز کامپیوتری بشود، ولی هیچ‌کدام از اینها نیست. آن استعداد و ظرفیتی که اندازه‌گیری می‌شود، استعدادها و ظرفیت‌های مادی نیست، بلکه ظرفیت‌های ایجاد شده در وجود انسان‌هاست و ما باید این‌گونه ظرفیت‌ها را ایجاد کنیم؛ بنابراین، اتفاقی که باید بیفتد، وابسته به ظواهر مادی نیست، گرچه ممکن است برخی از این ظواهر، مقدمه یا اسباب حصول به آن تغییرات باشد.^۱

۵. آمادگی برای ظهور

□ برادری فرمودند برنامه‌ریزی برای ظهور باید در دستور کار دولت قرار گیرد. عجب شجاعتی داشتید! حرف درستی است. ببینید! همین کارهایی که انجام می‌دهیم است دیگر. باید تلاش کنیم محیط جامعه سالم و اصلاح شود، معنویت، عدالت، برادری و یاد امام بیاید؛ اینها همه مقدمات است. شما هم باید این تلاش را بکنید.^۲

۱. سخنرانی در اولین جلسه هیئت دولت در مشهد، ۱۳۸۴/۶/۳.

۲. سخنرانی در بازدید از دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵/۷/۲۸.

ما باید تلاش کنیم
و به سرعت به
سمت ایجاد
ظرفیت‌های لازم
برویم.

□ از دیدگاه اسلامی، ما یعنی دیدگاهی که همه ما داریم، کل بشریت به سمت یک نقطه نهایی می‌رود. آن انتهای نگاه برای ما معلوم است، برای دیگران معلوم نیست. افق نگاه، آن دوردست‌ها تشکیل جامعه عدالت‌محور و خداپرست جهانی است. ما دنبال تشکیل حاکمیت جهانی به امامت و زعامت انسان کامل هستیم و خودمان را در این مسیر تعریف می‌کنیم. اگر از این مسیر جدا بشویم، مفهومی نداریم. سه برنامه توسعه که هیچ، صد برنامه توسعه هم اجرا نکنیم، به نقطه آرامش، امن و اطمینانی نخواهیم رسید و معلوم نیست به کجا می‌رسیم. برنامه‌های سازندگی ما به آن نقطه [است]؛ حالا الآن چه کار کنیم؟ الآن همه توان و تلاش ما باید در جهت تحقق هرچه بیشتر ویژگی‌های آن جامعه باشد. به عنوان گام اول و ایست‌گاه بین راه، چشم‌انداز بیست ساله ما تعریف شده و در واقع این ایست‌گاهی است که ما در همین راستا نگاه بکنیم، افق و انتهای نگاه ما آن جامعه خداپرست، مؤمن و عدالت‌محور جهانی است که إن شاء الله به دست انسان کامل امام عصر علیه السلام برپا خواهد شد. امروز وظیفه ما تحقق چشم‌انداز بیست ساله به عنوان یک سکو و ایست‌گاه بعدی است. این را باید عملیاتی کنیم. اگر بخواهیم این را عملیاتی کنیم، باید ویژگی‌های آن ایست‌گاه را تعریف بکنیم. اجازه بدهید، یکی دو مورد از آنها را خدمتتان بگویم.

عناصر و آدم‌های جامعه اسلامی همان‌طور که اشاره فرمودند، نسبت به هم محبت دارند و همدیگر را دوست دارند. مؤمن، مؤمن را دوست دارد. اصلاً مؤمن همه بشریت را دوست دارد.

برنامه‌ریزی برای
ظهور باید در
دستور کار دولت
قرار گیرد.

پیامبر عزیز ما برای عالمین رحمت بود. آن قدر دلش برای آدم‌ها می‌سوخت که نزدیک بود خودش را به خاطر مردم بکشد. ائمه ما علیهم السلام هم همین‌طور بودند. حضرت زهرای اطهر علیها السلام مجسمه مهرورزی، عشق به ناس و مردم است و الآن هم امام زمان و حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام نماد عشق به مردم است. اصلاً مگر می‌شود بدون مهر به یک‌دیگر به آن نقطه رسید. به فرض این‌که ما به نقطه‌ای رسیدیم که همه جاده‌هایمان اتوبان چهارخطه شد، همه شهرهایمان فرودگاه داشت، در همه خانه‌ها آسانسور و سیستم‌های صوتی و تصویری پیش‌رفته بود و اصلاً به جایی رسیدیم که آدم‌ها یک شاسی می‌زدند طی الارض می‌کردند. از این جا یک شاسی می‌زد، با یک چشم به هم زدنی در مشهد، کرمان، شیراز و اهواز بود. قطارها، متروها، اتوبوس‌ها و آخرین و پیشرفته‌ترین فن‌آوری‌ها در اختیار ملت ما بود، اما دل‌های مردم از هم جدا بود، آیا آن محیط با جهنم تفاوتی داشت؟ حتماً تفاوتی نداشت. پس برنامه‌هایی که ما تنظیم می‌کنیم، حتماً باید در متن و بطنش نزدیک کردن و علاقه‌مند کردن دل‌های مردم به هم باشد.

اتفاقاً آثار وضعی فراوانی هم برای ما دارد. اگر مردم هم‌دیگر را دوست داشته باشند، اجحاف‌ها، تقلب‌ها و بعضی کارهای سطح پایین انجام نمی‌شود. سستی‌ها، کم‌گذاشتن‌ها و خلاف

قانون انجام دادن‌ها صورت نمی‌گیرد. مگر پدر یا مادری برای بچه‌شان کم می‌گذارند؟ نمی‌گذارند. دوستش دارند.^۱

۶. ضرورت گذار از سرگشتگی‌ها

□ باور ما این است که همه آمده‌اند، قدم به قدم هر کدام یک گام و چند گام، بشریت را به سمت آن نقطه آرمانی نزدیک بکنند. انقلاب ما همان ادامه حرکت انبیا و جنس آن جنس نهضت انبیاست. برای این آمده که بشریت را یک گام به سمت آن نقطه آرمانی ببرد. اگر ما این مأموریت را فراموش کنیم، یا از آن غافل بشویم، یقین بدانید که سرگردانی است. هم قوه مجریه، هم مقننه و هم قوه قضائیه سرگردان می‌شود. اصلاً حیات اندیشه اسلامی وابسته به این آرمان است. ما با این [آرمان] زنده‌ایم و انگیزه و امید پیدا می‌کنیم. معیار سنجش درستی حرکت آن هم به این [آرمان] برمی‌گردد. هر کاری می‌کنیم، ما را چقدر به آن آرمان نزدیک می‌کند؟

اجازه بدهید به تعبیر خودمانی تری که همه استفاده می‌کنیم، عرض کنم. بالاخره ما یک ملت و امت منتظریم. در جامعه اسلامی وضع قوانین باید براساس فلسفه انتظار باشد؛ یعنی هدفش این باشد که آدم‌ها را به آن نقطه موعود برساند. قوه مجریه و قضائیه باید با همین دید کار بکنند؛ یعنی به سرعت همه باید تلاش بکنیم، مقدمه یک اتفاق بزرگ را فراهم کنیم. این هویت، مفهوم، معنا و جهت به ما می‌دهد. اگر این را برداریم،

اگر ما این مأموریت را فراموش کنیم، هم قوه مجریه، هم مقننه و هم قوه قضائیه سرگردان می‌شود.

در جامعه اسلامی وضع قوانین باید براساس فلسفه انتظار باشد.

۱. سخنرانی در دیدار با منتخبین استان گلستان، ۱۳۸۴/۱۲/۲۳.

دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. اصلاً این [آرمان]، دل‌ها را به هم پیوند می‌دهد. دولت باید تلاش بکند الگوی اقتصادی یک جامعه منتظر عدل جهانی را پیاده بکند والا سرگشتگی است. مرتباً برویم از این و آن اقتباس کنیم. حالا شما ببینید برداشت از قرآن، تفسیر قرآن، تفسیر احکام و وضع احکام اگر با این نگاه وارد بشویم، اصلاً متفاوت می‌شود. بسیاری از مفاهیم، نو و عوض می‌شود و در ذهن ما چیز دیگری می‌شود. البته به نظرم یک غفلت عمومی هست، در همه هم هست. در علما، دانشگاهیان، قوه مجریه، مقننه و قضائیه هست. اگر این اتصال‌ها قطع بشود، اصلاً ما وجودی نداریم، چیزی نیستیم و راهی جلوی ما پیدا نیست. به نظر من باید همه با هم یک تجدید نظر بکنیم. این البته نافی زحمت‌هایی که تا الآن کشیده شده، نیست. واقعاً زحمت‌های فراوانی کشیده می‌شود. ما بالاخره اداره کردن کشور را در همه قوه‌ها می‌بینیم. با این شرایطی که ما داریم، یک کشور رو به جلو و این حجم فتنه‌ها، دشمنی‌ها و بعضی بداخلاقی‌ها، خودخواهی‌ها و این همه خرابی‌های به ارث رسیده، خیلی زحمت کشیده می‌شود. اما اگر این اتصال را برقرار کنیم، می‌بینیم که اصلاً نگاهمان به دنیا و تحلیل‌مان از شرایط جهانی و نیز اولویت‌هایمان عوض می‌شود و دستورالعمل‌هایی که صادر می‌کنیم، یک چیز دیگری می‌شود. اصلاً ما با این زنده‌ایم.

... اما یکی از بخش‌هایی که همه بالاخره به نوعی از آن گله داریم، هرکس از زاویه‌ای، بخش فرهنگ است. اگر ما در کار فرهنگی به این اقیانوس متصل بشویم، چه اتفاقی می‌افتد؟ اصلاً

انقلاب پی‌درپی فرهنگی است. در اقتصاد هم همین است. به نظر من در قوه قضائیه هم همین است. این‌که همه احساس بکنیم سرباز فرمانده کلی هستیم که انسان کامل است و روزانه داریم ارزیابی می‌شویم آن وقت مقیاس‌ها، میزان‌ها و نگاه عوض می‌شود. به نظر من جای این خالی است؛ حتی آنهایی که می‌خواهند تئوری پردازی بکنند. خدمت آقایان در قم گفتیم از این منظر نشسته‌ایم علوم انسانی را بازنگری و تولید اندیشه بکنیم؟ فقط تعریف بکنیم. نه تعریف‌های کلی، تعریف عملیاتی بکنیم. تعریف کلی که الحمدلله شده است.

این‌که همه احساس بکنیم سرباز فرمانده کلی هستیم که انسان کامل است و روزانه داریم ارزیابی می‌شویم آن وقت مقیاس‌ها، میزان‌ها و نگاه عوض می‌شود.

... به نظر من اگر دست به دست هم بدهیم، بنده به عنوان شاگرد و برادر کوچک شما و آقای شاهرودی به عنوان بزرگ همه، آقای حداد و بقیه واقعاً تصمیم بگیریم که به این خزانه بی‌پایان برگردیم و به این جریان رودخانه عظیم هستی متصل بشویم، بعد آن وقت ببینید در جمهوری اسلامی چه اتفاق‌هایی می‌افتد. ظرفیت‌ها در هر سه قوه خیلی بالا و نامحدود است و می‌شود کارهای ده ساله را در دو سال انجام داد، واقعاً می‌شود انجام داد، منتها مشروط بر این‌که ما با این جریان اصلی هستی پیوند بخوریم که همه عوامل به کمک ما بیاید و مزاحمت‌ها، موانع و اصطکاک از بین برود.

در هر سه قوه مأموریت ما این است که به اصالت‌های خودمان برگردیم.

از همه عزیزان عذر می‌خواهم، بالاخره درس پس دادن بود. بنظرم در هر سه قوه مأموریت ما این است که به اصالت‌های خودمان برگردیم.^۱

۱. سخنرانی در جلسه رؤسای سه قوه به مناسبت هفته قوه قضائیه، ۱۳۸۵/۴/۴.

۷. آموزش و پرورش

□ همه انبیا آمده‌اند، تلاش کرده‌اند بشریت را یک گام جلو ببرند، به سمت آن نقطه نهایی که جامعه آرمانی است، جامعه‌ای که صلح کل، عقل کل، رأفت کل و عدالت کل است که البته نقطه اوّجش با حاکمیت انسان کامل است. امام معصوم علیه السلام آن جامعه آرمانی را برپا خواهد کرد، آن قله بلند را در اختیار بشر قرار خواهد داد. ما هم، اصلاً همه، همه بشریت، چه افراد معمولی، چه مدیر چه مسئول، چه حاکم، چه محکوم همه جز این مأموریتی نداریم. تلاش برای ساختن انسان‌های صالح و حرکت به سمت تحقق جامعه آرمانی.

در این مسیر خیلی روشن است که نقش آموزش و پرورش هم نقش محوری، هم نقش پایه‌ای و هم کلیدی است. همه‌اش همین جاست. اگر بخواهیم قضیه را روشن مطرح کنیم، همه باید تلاش و تدارک بکنند تا این سازمان کارش را درست انجام بدهد. البته باید تلاش کنیم به آن جا برسیم. یکبار دیگر باید نگاه مجلس، دولت، قوه قضائیه و سیاست‌گزاران کشور به این مجموعه بازگردد و به لطف خدا این کار دارد اتفاق می‌افتد.^۱

۸. اندیشه بسیجی

□ بدون تفکر بسیجی امکان حرکت به سمت قله‌ها وجود ندارد. بسیجی بودن یعنی رنگ و آهنگ خدایی گرفتن. بسیجی بودن یعنی تلاش بی‌وقفه برای حاکمیت خلیفة الله و انسان کامل

همه جز تلاش برای ساختن انسان‌های صالح و حرکت به سمت تحقق جامعه آرمانی، مأموریتی نداریم.

بسیجی بودن، یعنی تلاش بی‌وقفه برای حاکمیت خلیفة الله و انسان کامل بر زمین.

۱. سخنرانی در بیست و سومین نشست رؤسای آموزش و پرورش، ۱۳۸۵/۵/۱.

بر زمین که اصلاً بدون این تلاش و پیوند، زندگی و مجاهدت مفهومی ندارد. هم ساختن کشور، هم رساندن پیام و الگو شدن برای بشریت نیازمند حاکمیت فرهنگ، اندیشه، روحیه و رفتار بسیجی بر ارکان جامعه اسلامی است.^۱

□ حالا آنهایی که آمده‌اند خیال نکنند می‌توانند همان سیاست‌ها را در یک قالب دیگری [پیاده کنند]. بیایند قیافه حقوق بشری بگیرند و بخواهند همان جنایت‌ها را انجام بدهند و همان ظلم‌ها را اعمال کنند، تمام شد. به شما عرض کنم خداوند آن‌گونه رقم زد که هیبت پوشالی این ابرقدرت در این اتفاقات اخیر فرو ریخت.

شرایط دنیا به سرعت در حال تغییر است. تحولات و گرایش به معنویت روزافزون است. و این مأموریت ما را سنگین‌تر می‌کند.

شرایط دنیا به
سرعت در حال
تغییر است.

عزیزان! آن کانون اصلی که باید از اندیشه اسلام ناب تبیین، تدوین، ترویج و پاس‌داری بکند، همین تشکل روحانیون و طلاب بسیجی است که با روح و اخلاص بسیجی و الهام گرفتن از امام و ولایت حرکت کنیم. به شما به عنوان برادر کوچک و عرض آخر بگویم که برادران و خواهران، این موج جدیدی که در دنیا آغاز شده است، *إن شاء الله* به لطف الهی و با مجاهدت‌های شما تا حاکمیت انسان کامل بر همه جهان با قدرت پیش خواهد رفت و چشم همه ما به جمال نورانی منتظر روشن خواهد شد. *إن شاء الله*.^۲

۱. سخن‌رانی در اولین همایش روحانیون و طلاب بسیجی، ۱۳۸۵/۹/۱.

۲. سخن‌رانی در اولین همایش روحانیون و طلاب بسیجی، ۱۳۸۵/۹/۱.

□ مثالی که بنده اغلب اوقات برای دوستان می‌زنم، موضوع شورای شهر تهران است. زمانی که این شورا تشکیل شد، یک سری کار انجام داد. برای مثال، تعدادی پل، اتوبان و پارک احداث کرد و کارهایی در تهران انجام داد. البته این کارها، چیزهایی نبود که در گذشته انجام نشده باشد، ولی دلیل چیست که وقتی شورای شهر چنین کارهایی انجام می‌دهد، منشأ بروز یک تحول در کل کشور می‌شود؟ این سؤالی جدی است! بالاخره دیگران هم در گذشته اتوبان کشیده بودند و ساختمان‌های زیادی در تهران ایجاد کرده بودند، ولی چرا آقایان در شورای شهر منشأ تحول شدند؟ آیا تحولی که اتفاق افتاد، صرفاً همین بود که تعدادی پل و اتوبان ساختند و همین موارد بود که باعث شد مردم یک دفعه به سمت ارزش‌های انقلاب بازگردند؟ آیا این مسائل بود که باعث شد مردم به سمت خط شهیدان، ولایت، خط امام و حرف‌های سال ۱۳۵۷ برگردند؟ من بعید می‌دانم که صرفاً انجام این کارها باعث چنین تحولی شده باشد؛ لذا خواهش می‌کنم که به این نکته توجه داشته باشید. به نظر من، مسئله‌ای که منشأ و باعث این تحول شد، آن نگاه ایمان، روحیه، اخلاص و توجه مستمر عزیزان بود و این همان تحولی است که در کشور به آن نیاز داریم. هنگامی که این توجه باشد، آن وقت شما می‌بینید که انجام یک کار کوچک، انقلاب به پا می‌کند.

اعتقاد دوستان ما این بود که ربا حرام است و نباید گرفته شود. در شهرداری تهران طلب‌های مردم را با ماهیانه دو درصد

اگر ایمان و اخلاص
باشد انجام یک کار
کوچک انقلاب به پا
می‌کند.

تقسیم می کردند، یعنی شهرداری از این بابت، دو درصد در ماه سود می گرفت و دوستان ما زمانی متوجه این قضیه شدند که درآمدهای شهرداری مدام در حال کاهش بود. همان طور که می دانید، در شهرداری به صورت هفتگی آمار و گزارش درآمد هزینه ها گرفته می شود. این قضیه ادامه داشت و درآمدها مدام سقوط می کرد. جالب است که بدانید شهرداری روزانه سه میلیارد تومان هزینه دارد و درآمدها به هفته ای شش میلیارد تومان رسید و همه نگران این قضیه بودند و می گفتند با توجه به این که سه ماه است روی کار آمده ایم، اگر زمین بخوریم، چه می شود!

با حذف ربا از
شهرداری از زمین
و آسمان برکت
باید.

همان طور که گفتم، در همین اثنا دوستان متوجه شدند که شهرداری دو درصد در ماه ربا می گیرد و به اتفاق تصمیم گرفتند که این قضیه را حذف کنند. این پول در سال، رقمی در حدود ۶۰-۷۰ میلیارد تومان می شد که البته با توجه به وضعیت مالی شهرداری در آن زمان رقم کمی نبود. کارشناسانی که فکر غربی دارند و همه چیز را مادی می بینند، گفتند این کار را انجام ندهید! شما بده کار هستید و بی چاره می شوید و زمین می خورید، ولی بنده گفتم ما به این چیزها کاری نداریم. ما باید دستور خدا را اجرا کنیم و خدا هم ما را یاری خواهد کرد ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾^۱ لذا این قضیه را حذف کردیم.

دوستان می دانند که ما در طول سه چهار ماه اول چه اوضاع و احوالی داشتیم، چون با آن فضا وارد شهرداری شده بودیم و پول

۱. سوره محمد، آیه ۷.

هم نداشتیم و اگر زمین می‌خوردیم، چه می‌شد! اما بعد از این که چنین تصمیمی گرفتیم، از زمین و آسمان برکت بارید. بدون این که به اندازه یک سر سوزن خلاف انجام بدهیم. خداوند شاهد است که در شهرداری تهران، یک قدم خلاف قانون برنداشتیم و یک کلمه دروغ نگفتیم و به هیچ کسی اجحاف نکردیم و زور نگفتیم و تنها قانون را اجرا کردیم. آقای زریبافان شاهد است که افرادی می‌آمدند و می‌گفتند ما ۲۰ سال قبل مقداری بدهی به شهرداری داشتیم و هیچ سندی هم در دست نیست، ولی حالا می‌خواهیم این پول را بدهیم! در این دولت هم ما باید حداکثر توان خودمان را برای کارهای اجرایی به کار گیریم. این درست نیست که وضعیت محرومین در مملکت امام زمان ﷺ بعد از گذشت ۲۷ سال به این ترتیب باشد یا وضعیت کشاورزی، صنعت، تجارت، واردات، تبلیغات، مدارس و دانشگاه آن به این صورت باشد. این حرف‌ها به نظر من معنا ندارد و قابل قبول نیست. لذا علاوه بر این که این کارها را باید درست کنیم، باید توجه داشته باشیم که این نگاه، حال و پای‌بندی ما به دین و دستوره‌های الهی است که برای ما پیروزی می‌آورد و تحول ایجاد می‌کند، هرچند که در ظاهر به ضرر ما باشد.

همان‌طور که امام علیه السلام فرمودند: «ما مأمور به تکلیف هستیم، نه نتیجه»^۱. خیلی وقت‌ها انسان خیال می‌کند که این کار به نفع

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴، پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات (منشور روحانیت).

اوست، چون صفرهای حساب بانکی او بالا می‌رود، ولی معادلات عالم و معادلات الهی این‌گونه نیست.

می‌گویند عالمی از دنیا رفت و هنگام حساب و کتاب گفت: من این قدر کتاب نوشتم و این مقدار زیارت کردم، ولی گفتند هیچ‌کدام از اینها به درد نمی‌خورد. عالم گفت: یک روز رد می‌شدم و دیدم یک سگ مریض شده و در حال عذاب کشیدن است، به خاطر خدا رفتم و این سگ را مداوا کردم.

همچنین ده‌ها مورد دیگر داریم که پای‌بندی بر یک تکلیف الهی، همه درها را به سوی انسان باز کرده است.^۱ به نظر من، ویژگی اصلی ما باید این باشد که به سمت اجرای تکالیف الهی برویم و محکم روی آنها بایستیم. اگر ما امروز به سمت اقتصاد اسلامی حرکت نکنیم، دیگر چه کسی حرکت می‌کند. چرا می‌گوییم این کار عملی نمی‌شود؟ بعضی وقت‌ها انسان بسیار متأثر می‌شود که فردی پشت تریبون مجلس می‌رود و می‌گوید ما اقتصاد لیبرالی و سوسیالیستی داریم، اقتصاد اسلامی چیست؟ یعنی در ذهن کوچک او نمی‌گنجد که مفاهیم، چارچوب‌ها و روش‌های دیگری هم هست و ما باید این مفاهیم را پیدا کرده و آنها را تبیین کنیم. برای مثال مفهوم عدالت یا مفاهیم دیگری که

ویژگی اصلی ما
باید این باشد که به
سمت اجرای
تکالیف الهی برویم
و محکم روی آنها
بایستیم.

۱. اشاره است به آیه ۲ سوره طلاق: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»؛ «هرکس از خدا پروا کند، [خدا] راه بیرون شدن [از حوادث و مشکلات را] بر او می‌گشاید.» و نیز آیه ۳۰ سوره فصلت: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُتْبِهُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ «در حقیقت، کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند: هان! بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.»

عرض کردم، همگی برگرفته از کلام امام ﷺ و مقام معظم رهبری است؛ تمامی اینها برگرفته از متن دین است و به هیچ عنوان کسی آن را از خودش در نیآورده است.^۱

۹. رسالت خواص

□ در راه تحقق جامعه اسوه، هر قشری مسئولیت و وظیفه‌ای دارد و من فکر می‌کنم که مسئولیت استادان، مسئولیت بسیار ارزشمند و سنگینی است. عزیزانی که عصاره‌اید و به جهات مادی و معنوی توجه دارید. ایمان را از علم جدا نمی‌دانید. علم با ایمان و ایمان با علم و هر دو اینها را با عمل می‌خواهید. مسئولیت سنگین است. الگوی جامعه ما امام است، نه شرق است نه غرب. تنها راه نجات و تنها مسیر سعادت است.^۲

□ در جامعه لیبرالی هم به شکست رسیده‌اند. آن الگوی جامعه لیبرالی یعنی نقطه پایانی تمدن لیبرالی، این کشور جعلی فاسد اشغال‌گر قدس است. نتیجه کارشان این است، جایی است که همه در آن مشترکند. همه مدعیان لیبرالیست در آن مشترکند و از آن حمایت می‌کنند. ببینید چه خبر است دیگر، به کجا رسیده؟ همه شعارها، همه ادعاها، همه ارزش‌هایی که مطرح می‌کردند، همه تمام. این پایان خط است. به نظرم اگر بنخواهیم از نظام لیبرالی پرده را برداریم، بدون ماسک و نقاب، عریان جلوی چشم بشریت بگذاریم، الگوش همین یک مشت

الگوی جامعه ما
امام است، نه شرق
است نه غرب.

نقطه پایانی تمدن
لیبرالی، این کشور
جعلی فاسد
اشغال‌گر قدس
است.

۱. سخنرانی در اولین جلسه هیئت دولت در مشهد، ۱۳۸۴/۶/۳.

۲. سخنرانی در هشتمین همایش علمی بسیج استادان دانشگاهها (مشهد)، ۱۳۸۵/۴/۲۷.

صهیونیست بی‌آبرویی است که در فلسطین دارند جنایت می‌کنند. این نقطه کمالش است دیگر. قله‌اش این‌جاست، خب این الآن به کجا رسیده است؟ این جامعه، الگو و شاهد برای بقیه است. می‌خواهید نظامات لیبرالی را بشناسید، یک معیارش این‌جاست. امروز مأموریت ما عزیزان، برپایی جامعه اسوه است و این محقق نمی‌شود، الا این‌که ما با امام باشیم و با امام حرکت کنیم و نگاهمان به امام باشد.^۱

ج) موانع

۱. بی‌مایگان مدعی

□ بگذارید من یکی از غصه‌هایم را بگویم. شما فکر می‌کنید موانع ظهور چیست؟ من فکر می‌کنم یکی از موانع ظهور مدعیان بی‌مایه هستند. بگذارید یکی از غصه‌ها را برایتان بگویم. آقایی - که می‌شناسید و من اشاره نمی‌کنم، نمی‌خواهم شخصیت ایشان مخدوش شود - به یکی از معاونین ما مراجعه کرده است. آدمی مدعی است. اتفاقاً از موضع دین مدعی است. به این معاون ما گفته است، جدی جدی امام زمانی هم وجود دارد؟ یعنی وجود خارجی دارد؟ بعد یکی دیگر پیغام فرستاده است، امام زمانی که می‌گویند نه این‌که آدمی است که دارد زندگی می‌کند، یک مفهوم است که وجود دارد. گفتیم عجب!

یکی از موانع ظهور، مدعیان بی‌مایه هستند.

۱. سخنرانی در هشتمین همایش علمی بسیج استادان دانشگاه‌ها (مشهد)، ۱۳۸۵/۴/۲۷.

حالا بگذارید خاطره دومی را بگویم که شیرین‌تر است. آقای یکی از این هم‌کاران ما جلسه گذاشته، گفته این چه حرف‌هایی است که احمدی‌نژاد می‌زند؟ گفتند چه می‌گوید؟ جواب داده هر جا جلسه می‌گذارند، در بحث مقابله با دشمن، در مورد لبنان، در مورد عراق، در بحث هسته‌ای می‌گوید بروید نگران نباشید، ما پیروزیم، کار درست می‌شود، از کجا این حرف‌ها را می‌زند؟ این ادعاها چیست که می‌کند؟ حرف‌های جاهای دیگری می‌زند. این گفته عجب! احمدی‌نژاد مگر چیز خاصی گفته است؟ چیز خاصی نگفته است. یک آدم معمولی است، حرف‌هایی را که خدا زده، باور کرده است. ساده بوده که باور کرده است! خدا چه گفته است؟ گفته: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱، گفته هیچ راهی برای تسلط آنها بر شما وجود ندارد؛ معنایش این است که شما همیشه پیروز هستید. خدا گفته است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^۲، یعنی بن بست هم ندارد، «وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۳، همین خدا گفته است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۴، همین خدا گفته است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۵، همین خدا گفته است: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^۶، ما کسی نیستیم، خدا بزرگ است و حرفش حق است.

احمدی‌نژاد چیز خاصی نگفته، فقط حرف‌هایی را که خدا زده باور کرده است.

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۲. سوره طلاق، آیه ۲.

۳. سوره طلاق، آیه ۳.

۴. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۵. سوره محمد، آیه ۷.

۶. سوره انفال، آیه ۲۹.

عزیزان من! بیشترین مانع مدعیانی هستند که اعتقاد ندارند. موقعی ما از امام زمان صحبت کردیم، دیدیم در بعضی از این سایت‌ها شروع کردند به مسخره کردن، که من در آن کنفرانس مطبوعاتی جوایشان را دادم، گفتم شما با ما لج نیستید، با امام زمان علیه السلام لج هستید، بهانه کرده‌اید و می‌خواهید کاری کنید که کسی اسمی از امام نیاورد. و می‌دانید که نگرانی اصلی امریکایی‌ها هم همین موضوع است که فرهنگ انتظار و ظهور بین ملت‌ها بیاید، آن وقت دیگر باید دست و پایشان را جمع کنند و بروند، دیگر چیزی برایشان باقی نمی‌ماند.^۱

۲. دشمنان خارجی

□ امروز دنیا تشنه است، دارند می‌گردند. البته دشمنان ما معمولاً در این قضایا یک قدم جلوتر از ما هستند. ما می‌بینیم در طراحی‌ها، اقدامات و پیگیری‌هایشان دارند دنبال می‌کنند به قول خودشان به حرکت نهایی اسلام پاتک بزنند. از قبل زمینه‌ها را از بین ببرند. بروند تصرف کنند، پایگاه‌ها را بگیرند، سرپل‌ها را بگیرند؛ حالا با تصور مادی خودشان؛ آنها هیچ نمی‌فهمند که امام عصر علیه السلام در کجاست، با چه روشی عمل می‌کند و امامت خودش را از کدام مجرا جاری می‌کند. بالاخره امام که امام است. ما بهره نمی‌بریم، امام که دارد دنیا را اداره می‌کند. همه منویات امام جاری نمی‌شود، اما بالاخره واسطه فیض الهی، امام معصوم است دیگر. خود او هم جهان را برای رسیدن به آن نقطه نهایی

نگرانی اصلی امریکایی‌ها این است که فرهنگ انتظار و ظهور بین ملت‌ها بیاید.

۱. سخن‌رانی در بازدید از دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵/۷/۲۸.

مدیریت می‌کند. آنها از قبل دارند پاتک می‌زنند، در حالی که امثال بنده اصلاً تصورش را هم نمی‌کنیم و شاید اصلاً توجه نداریم که باید در این زمینه کاری انجام بدهیم. این نظم نوین جهانی که مطرح کردند، دقیقاً پاتک زدن به حکومت جهانی است. اصلاً این را طراحی کردند و گفتند ما همه‌جا را می‌گیریم. اصلاً دیگر اجازه نمی‌دهیم اتفاقی بیفتد؛ همان نگاهی که فرعون‌ها و نمرودها و ابوجهل‌ها داشتند. خیال می‌کنند همه چیز در دست آنهاست. این که آمدند به عنوان یک فرهنگ قطعی درست کردند که دموکراسی پایان تاریخ است و تنها راه است، تا آن‌جا خودشان را آماده کردند که می‌گویند ما دموکراسی را با جنگ جا می‌اندازیم. تصور می‌کنند که با این کارها می‌توانند زمینه‌ها را از بین ببرند.^۱

این نظم نوین جهانی که مطرح کردند، دقیقاً پاتک زدن به حکومت جهانی است.

□ اجازه بدهید خاطره‌ای برایتان نقل کنم. از یکی از آقایانی که آدم زاهد و مؤمنی است و می‌گویند ارتباطی هم دارد نقل می‌کنند. ایشان در جایی گفتند که چهل پنجاه سال قبل، از آن روباه پیر استعمار، گروهی ایران آمده بودند و در ساختمان سفارتشان در خیابان شمیران نشسته بودند، افراد را از اقصا نقاط ایران دعوت می‌کردند و می‌گفتند بیاید ما کارتان داریم؛ از جمله این آقا را. ایشان که رفته، از او ده‌ها سؤال راجع به امام زمان پرسیده‌اند. ایشان با چه کسانی ارتباط دارد؟ کیفیت ارتباط چگونه است؟ چه می‌گوید؟ کجاها پیدا می‌شود؟ ظهور چیست؟

۱. سخنرانی در دیدار با روحانیون و علما استان آذربایجان غربی، ۱۳۸۵/۶/۹.

کجا ظاهر می‌شود؟ چه می‌گویید و دنبال چیست؟ حالا این‌جا را داشته باشید. چند سال بعد دوباره شخص دیگری به عنوان محقق می‌آید و دوباره همین آقا پیش او می‌رود و می‌بیند تمام حرف‌هایی که ایشان به فرد قبلی گفته، او بلد است؛ یعنی دشمن به طور سازمان‌یافته تلاش می‌کند، به خیال خام خودشان - همان کاری که فرعون می‌کرد، برای این‌که موسایی متولد نشود - می‌خواهند کاری کنند که این اتفاق نیفتد. بگردند و ردپایی پیدا کنند. در همین عراق شما شنیدید، وقتی آمدند اشغال کردند، بعضی از علما را دعوت کردند و از آنها سؤال و جواب کردند که چه کسی ارتباط دارد؟ چه کسی وصل است؟ ملاقات‌ها کجاست؟ آنها خیال می‌کنند که این رابطه مثل روابط خودشان است. همین دنیای محدود پست مادی، فکر می‌کنند این ارتباطات هم از همان جنس است. این حادثه‌ای که اتفاق افتاد، دنباله همان است که منزل امام علیه السلام ریختند. همان‌ها هستند. ادامه دارد و تمام نشده است.^۱

امریکا و استعمارگر
پیر انگستان به
طور سازمان‌یافته
تلاش می‌کنند که
این [ظهور] اتفاق
نیفتد.

۱. سخن‌رانی در دیدار با علماء و روحانیون شهرکرد، ۱۳۸۴/۱۲/۳.

فصل چهارم: راه‌برد مهدویت در مجامع جهانی

الف) موعودگرایی؛ رمز وحدت و صلح کل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و السلام و الصلوة على سيدنا و نبينا
محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين.

«اللهم عجل لوليک الفرج والعافية و النصر و اجعلنا من خير
أنصاره و أعوانه والمستشهادين بين يديه.»

رئیس محترم، هیات‌های محترم نمایندگی، خانم‌ها و آقایان!
از این‌که توانستم بار دیگر در این مجمع مهم جهانی شرکت
کنم خوش‌حالم و خدای بزرگ را سپاس‌گزارم.
در فضای پر التهاب کنونی و غلبه فریادها، تهدیدها و تنش‌ها
و در دورانی که تدابیر قدرت‌های بزرگ از حل مشکلات ناتوان،
عدم اعتماد در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روزافزون و
امنیت روانی جوامع، تحت هجوم سنگین طراحی‌های تبلیغاتی و
سیاسی مخدوش و ناامیدی از اثربخشی سیاست‌ها و اقدامات
سازمان‌های بین‌المللی در برقراری صلح و امنیت پای‌دار و

صیانت از حقوق ملت‌ها رو به گسترش است، قصد دارم به برخی چالش‌های مهم و اصلی امروز جهان و علل و ریشه‌های آن اشاره و راه‌های برون‌رفت از آنها را بررسی نمایم. از ضرورت اصلاح وضع موجود و چشم‌انداز امیدبخش و روشن آینده، دوران تجلی همه زیبایی‌ها، عشق‌ها و کرامت‌ها، برپایی عدالت و شکوفایی همه استعدادهای الهی انسان و حاکمیت خداپرستی و تحقق وعده خداوند حکیم با شما سخن بگویم. سپس موضوع هسته‌ای ایران را به عنوان یک واقعیت و آزمایشگاه سنجش صداقت‌ها و کارآمدی‌ها و ایستادگی‌ها و پیروزی‌ها در معرض قضاوت شما قرار دهم و در پایان پیش‌نهادات خود را ارائه نمایم.

هم‌کاران عزیز!

باز بدون تردید عامل دوم و مهم‌تر، روی‌گردانی برخی از قدرت‌های بزرگ از اخلاق، ارزش‌های الهی و آئین پیامبران و نادیده گرفتن دستورات خدای حکیم و همچنین حاکمیت انسان‌های ناصالح است. افراد ناصالحی که نمی‌توانند خود را اداره و کنترل کنند چگونه می‌توانند بر بشریت حکومت و امور انسان‌ها را اصلاح کنند؟

متأسفانه آنان خود را به جای خدا قرار داده‌اند! تابع هوس‌های خود هستند و همه چیز را برای خودشان می‌خواهند. برای آنان کرامت انسانی، جان و مال و سرزمین دیگران اعتباری ندارد. قرن‌هاست بشر زخم عمیق برخی قدرت‌های ناصالح را بر تن خسته

قصد دارم از
ضرورت اصلاح
وضع موجود و
چشم‌انداز
امیدبخش و روشن
آینده با شما سخن
بگویم.

خود دارد و هم امروز نیز ریشه اصلی مشکلات جهان، بی‌اعتنایی به ارزش‌ها و اخلاق و مدیریت انسان‌های خودخواه و ناشایسته است.

دوستان، خانم‌ها، آقایان!

تنها راه اصلاح پایدار، بازگشت به تعلیمات انبیای الهی، یکتاپرستی، احترام به کرامت انسان‌ها و جاری شدن عشق و محبت در همه تعاملات، مناسبات و قوانین و سپس اصلاح ساختارها بر همین اساس است.

برای تحقق این هدف از همگان دعوت می‌کنم تا جبهه برادری، دوستی و صلح پای‌دار، برپایه خدایپرستی و عدالت را تحت عنوان «همبستگی برای صلح» تشکیل دهیم و از تجاوزها و خودخواهی‌ها جلوگیری و فرهنگ محبت و عدالت را ترویج کنیم و اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با کمک همه دولت‌ها و ملت‌های مستقل، صلح‌طلب و عدالت‌خواه در این مسیر حرکت خواهد کرد.

خدایپرستی، عدالت و عشق به انسان‌ها باید بر همه ارکان سازمان ملل حاکم شود و این سازمان باید مرجع عدالت‌محوری باشد که هر عضو آن از حمایت‌های معنوی و حقوقی برابر با دیگران برخوردار باشد. مجمع عمومی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی باید به عنوان اصلی‌ترین رکن این سازمان شناخته شود تا به دور از فشارها و تهدیدهای قدرتهای بزرگ، نسبت به اصلاح ساختارهای سازمان ملل اقدام کند و به ویژه شورای امنیت را از وضعیت موجود تغییر دهد و ساختار جدیدی مبتنی بر عدالت و دموکراسی برای آن تعریف نماید تا بتواند

تنها راه اصلاح پایدار، بازگشت به تعلیمات انبیای الهی، یکتاپرستی، احترام به کرامت انسان‌ها و جاری شدن عشق و محبت در همه تعاملات، مناسبات و قوانین و سپس اصلاح ساختارها بر همین اساس است.

آیا وقت آن نرسیده است که آنها از مسیر خودخواهی و تبعیت از شیطان به مسیر خدایپرستی برگردند؟

پاسخ‌گوی نیازهای موجود و حل چالش‌ها و برقراری ثبات و امنیت پای‌دار باشد.

ملت‌ها خوبند و می‌توانند با هم در صلح و صفا زندگی کنند. آنها بکوشند به ملت‌های خودشان خدمت کنند، دیگران نیازی به آنها ندارند.

آیا وقت آن نرسیده است که آنها از مسیر خودخواهی و تبعیت از شیطان به مسیر خداپرستی برگردند؟ آیا دوست ندارند که از آلودگی‌ها پاک شوند، تسلیم امر خدا شوند و به او ایمان بیاورند؟ ایمان به خدا یعنی ایمان به صداقت، پاکی، عدالت و عشق به دیگران!

آیا متوجه نیستند
که غروب
امپراتوری‌ها
نزدیک است؟

آنان بدانند که از پاکی، صداقت، عدالت، دوست داشتن و احترام به کرامت انسان‌ها ضرر نمی‌کنند و مطمئن باشند در نزد ملت‌ها این ارزش‌ها زیباتر و پسندیده‌تر است.

این دعوت همه پیامبران الهی از حضرت آدم تا نوح و ابراهیم، موسی کلیم‌الله، عیسی روح‌الله علیه‌السلام و حضرت محمد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

اگر دعوت را اجابت کنند نجات می‌یابند و اگر اجابت نکنند به سرنوشت گذشتگان دچار می‌شوند.

قرآن کریم می‌فرماید: «و هرکس دعوت حق را اجابت نکند خدا را در زمین ناتوان نمی‌کند و برای او یاورانی جز خدا نخواهد بود و او در گم‌راهی آشکار است.»^۱

آنان هیچ چیز از خود ندارند و نمی‌توانند از سیطره حکومت و اراده خدا فرار کنند.

در این اجتماع مهم باید این سخن خدای بزرگ در قرآن کریم را به آنان یادآور شد که: «آیا به قدرت‌ها و دولت‌های قبل از خود نمی‌نگرند. اگر گذشتگان صاحب چیزی بودند، آنرا نگه می‌داشتند و اجازه نمی‌دادند شما جای‌گزین آنان شوید. خدا به واسطه گناهانشان آنان را نابود کرد و کسی در برابر خدا از آنان حفاظت نکرد.»

دوران مناسبات
برخاسته از جنگ
دوم جهانی و
دوران اندیشه‌های
مادی مبتنی بر
خودخواهی و
سیطره‌طلبی پایان
یافته است.

آنان بدانند راه و رسم و اندیشه مبتنی بر بی‌عدالتی و ظلم از بین خواهد رفت. آیا نشانه‌های بیداری و مقاومت مبتنی بر خداپرستی، انسان‌دوستی و عدالت‌طلبی ملت‌ها را نمی‌بینند. آیا متوجه نیستند که غروب امپراتوری‌ها نزدیک است.

امیدوارم این دعوت پاسخ عملی داشته باشد.

عالی‌جنابان

ملت‌ها و دولت‌ها مجبور نیستند که تابع بی‌عدالتی برخی قدرت‌ها باشند. آنان به دلایلی که ذکر شد شایستگی رهبری و تدبیر امور جهان را از دست داده‌اند.

من رسماً اعلام می‌کنم که؛ دوران مناسبات برخاسته از جنگ دوم جهانی و دوران اندیشه‌های مادی مبتنی بر خودخواهی و سیطره‌طلبی پایان یافته است.

بشر از یک گردنه سنگین تاریخی عبور کرده است و دوران گرایش به توحید، پاکی، مهرورزی، احترام به دیگران، عدالت و صلح‌طلبی واقعی آغاز شده است.

وعدۀ الهی است که حق پیروز است و زمین به انسان‌های صالح به ارث خواهد رسید.

ای آزادگان، مؤمنان و مردم جهان! به خدا امیدوار باشید و ای تشنگان ارزش‌های متعالی! در هر کجا که هستید بکوشید تا با خدمت به انسان‌ها و عدالت‌خواهی، فرصت تحقق این وعدۀ بزرگ الهی را فراهم کنید.

دوران تاریکی‌ها پایان می‌پذیرد، اسیران به خانه‌های خود برمی‌گردند، سرزمین‌های اشغالی آزاد می‌گردد، فلسطین و عراق از سلطه اشغالگران آزاد می‌شود و مردم اروپا و امریکا از فشار صهیونیست‌ها رهایی خواهند یافت. دولت‌های مهربان و دوستدار انسان‌ها جایگزین دولت‌های خشن و زورگو خواهند شد. کرامت انسانی اعاده می‌گردد. عطر دل‌انگیز عدالت منتشر خواهد شد و مردم با محبت و برادری در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد.

تلاش در این راه و برای حاکمیت انسان‌های صالح و انسان صالح کامل، آخرین برگزیده خدا و موعود امم، در حقیقت مرهم نهایی زخم‌ها و حلال همه مشکلات و برپاکننده عشق، زیبایی، عدالت و حیات سعادت‌مند در همه دنیاست. همین اعتقاد و تلاش، رمز وحدت و تعامل سازنده بین ملت‌ها و دولت‌ها و اتحاد جامعه بشری و همه عدالت‌خواهان واقعی است.

بدون تردید موعود امم و مصلح کل و نجات‌بخش نهایی و آخرین پیک آسمانی می‌آید و همراه همه خداپرستان، عدالت‌طلبان و مهرورزان، آینده درخشان را برپا و جهان را پر از عدل و زیبایی خواهد کرد. این وعدۀ خداست و وعدۀ خدا تخلف نمی‌پذیرد.

دوران گرایش به توحید، پاکی، مهرورزی، احترام به دیگران، عدالت و صلح طلبی واقعی آغاز شده است.

بدون تردید موعود امم و مصلح کل و نجات‌بخش نهایی و آخرین پیک می‌آید.

بیائید ما هم سهمی در تحقق این همه شکوه و زیبایی داشته باشیم.

به امید آینده روشن بشری و طلوع صبح رهایی و آزادی همه انسان‌ها و محو مظاهر ظلم، نفرت و خشونت و حاکمیت کامل عشق و محبت در سراسر جهان.
آینده‌ای که آن را نزدیک می‌بینم.^۱

ب) ظهور انسان کامل و منجی فردا

ریاست محترم، عالی‌جنابان!

از سوی دیگر، اخلاق و معنویت باید جای‌گاه واقعی خود را پیدا کند. بدون اخلاق و توجه به معنویت که در پرتو تعلیمات انبیای الهی حاصل می‌شود. نمی‌توان عدالت و آزادی و حقوق بشر را تضمین نمود.

چاره عموم گرفتاری‌های امروز بشر توجه به اخلاق، معنویت و حاکمیت انسان‌های صالح است.

اگر احترام به حقوق انسان‌ها اصل باشد بی‌عدالتی، بداخلاقی و تجاوز و جنگ معنایی نخواهد داشت.

انسان‌ها همه مخلوق خداوند و صاحب کرامت و احترام هستند. کسی بر کسی برتری ندارد. کسی یا دولتی نمی‌تواند برای خود امتیازات ویژه قائل شود و هیچ دولتی نباید حقوق دولت‌های دیگر را نادیده بگیرد و با نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی خود را معادل جامعه جهانی قلم‌داد کند.

چاره عموم
گرفتاری‌های امروز
بشر توجه به
اخلاق، معنویت و
حاکمیت انسان‌های
صالح است.

شهروندان آسیایی، افریقایی، اروپایی و امریکایی با هم برابرند. بیش از ۶ میلیارد جمعیت جهان همه برابر و محترم هستند. عدالت و حفظ کرامت انسان دو رکن اساسی حفظ صلح، امنیت و آرامش پای‌دار در جهان هستند. از این روست که ما می‌گوییم صلح و آرامش پای‌دار در جهان فقط مبتنی بر عدالت، معنویت، اخلاق، مهرورزی و حفظ کرامت انسانی ممکن است. صلح، پیش‌رفت و امنیت حق همه ملت‌ها و دولت‌هاست. همه ما عضو جامعه جهانی هستیم و حق داریم بر ایجاد فضایی آکنده از محبت و عشق و عدالت تأکید ورزیم. همه اعضای محترم سازمان ملل متحد، متأثر از حوادث شیرین و تلخ جهان امروز هستند.

ما می‌توانیم با اتخاذ تصمیمات منطقی و قاطع راه را برای زندگی بهتر نسل‌های حاضر و آینده باز کنیم. ما با هم‌کاری یک‌دیگر می‌توانیم علل و ریشه‌های تلخی‌ها و ناکامی‌ها را بخشکانیم و به جای آن، کام ملت‌های خود را با تقویت عناصری نظیر اخلاق، معنویت، عدالت که پای‌دار هستند شیرین کنیم.

ملت‌ها براساس فطرت الهی به دنبال خیر، نیکی، کمال و زیبایی هستند. ما با اتکا به خواست ملت‌هایمان خواهیم توانست قدم‌های بزرگی در اصلاح امور برداریم و راه را برای کمال بشریت هموار سازیم. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم با اراده خداوند متعال عدالت، صلح و نیکی دیر یا زود در جهان مستقر خواهد شد مهم این است که ما نیز سهمی در برپایی عدالت و نیکی در جهان داشته باشیم.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم با اراده خداوند متعال عدالت، صلح و نیکی دیر یا زود در جهان مستقر خواهد شد.

خداوند قادر و رحیم که خالق جهان است حاکم و مالک جهان نیز هست. اوست که امر به عدالت می‌کند و اوست که از بندگان خود می‌خواهد بر مبنای خیر و نیکی و تقوا پشتیبان هم باشند و در فساد و تباهی از یک‌دیگر حمایت نکنند. او از بندگان خود می‌خواهد به نیکی‌ها و خوبی‌ها امر کنند و یک‌دیگر را از زشتی‌ها و بدی‌ها باز دارند.

همه پیامبران الهی از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت موسی علیه السلام و از حضرت موسی علیه السلام تا حضرت عیسی علیه السلام و از او تا پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشر را به توحید، عدالت، برادری و عشق و محبت دعوت کرده‌اند.

آیا نمی‌توان بر مبنای توحید و عدالت و عشق و احترام به حقوق انسان‌ها، دنیای بهتری ساخت و دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل کرد؟ من با صدای بلند اعلام می‌کنم، امروز جهان بیش از همیشه نیازمند انسان‌های صالح و عدالت‌خواه و عاشق بشریت و بالاتر از همه، نیازمند انسان صالح کامل و منجی حقیقی است که موعود همه امت‌ها و برپا کننده عدالت و صلح و برادری خواهد بود.

ای خدای بزرگ! مردم بندگان تو هستند و تو خود بر هدایت و رست‌گاری آنان تأکید داری. تو خود انسان کامل و موعود امم را بر بشریت تشنه عدالت ارزانی‌دار و ما را از ره‌پویان و تلاش‌گران برای ظهور و حرکتش قرار بده.^۱

من با صدای بلند
اعلام می‌کنم امروز
جهان بیش از
همیشه نیازمند
انسان صالح کامل
و منجی حقیقی و
موعود همه
امت‌هاست.

۱. سخنرانی در شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد (نیویورک)،